خانه‌ی اسناد و کتابخانه‌ی ملی
جمهوری اسلامی ایران

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

یادگار جناب آقا جواد کسائی نوری بابکی
در سنه ۱۳۳۹ [illegible]

20

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

۶۵۵ دفتر
باراجی
۲۵۰۲

که بتشریف شریف فانزل السکینة علیهم واثابهم فتحا قریبا مفتخر و
وسلم تسلیما کثیرا بعد از اقامت مراسم حمد نامحدود و شرایط لوازم درود
عاقبت محمود چنین گوید بندهٔ کمترین و خادم اهل صدق و یقین
الی رحمة الله الهادی فقیر حقیر احمد بن تاج الدین حسن سیف الله
احسن الله تعالی امر زادیه و غفر له و لوالدیه بر رای عقده کشای
و ادب و بر ضمیر مهر تنویر اصحاب جد و طلب پوشیده نماند که
سکیم و آفریدگار واجب التعظیم را در آفرینش انس و جان غرض کلی و مقصد
اصلی اظهار معرفت وجود کامل و افشای کامل بقوت جلال و جمال
خود بود موافق این مقالت [illegible] این حال آیه کریمه و ما خلقت
الانس الا لیعبدون [illegible] این مطلب [illegible]
معلم دانا و بی وسیله و ارشاد مرشد راه نمای میسر و محصل
هذا دل بی غل ابیار که راه نمایان اهل عالم و پیشوایان طوایف امم
مرحمت و احسان و غایت عنایت و استنان بانوار دقایق معارف

ملة احمدی واجب شد و لازم گردید که در طریق متابعت قدم صدق از
سر صفا بردارند و فرمان برداری آن سرور را سرمایهٔ سعادت دارین خود سازند
و آنرا از افضل طاعات و احسن قربات شمارند و این بندهٔ جانی عاصی از عالم
جوانی تا بسر حد پیری بمثابهٔ عاشقان جان باز و مانند مشتاقان نوبیان خاطر
فایز متعلق میداشت که حالات رسول مختار و اوضاع حبیب جبار را از
تواریخ سلف و روایات خلف تتبع نماید و بنظر در آرد بنا علی هذا کتب سیر
که مشتمل بود بر سیر سید المرسلین مطالعه مینمود و بدان التفات تمام
و استیناس لا کلام داشت و گاه گاهی حکایتی که مشتمل بر غرایبی بود در محفل
افاضل و دانایان قواعد دین و ملل و مجلس فضایل خورده شناسان ضوابط
علم و عمل معروض میداشت مستمعان از استماع آن مبتهج و مسرور می
بودند و بشرف ارتضا مقرون داشته تحسین و تعریف مینمودند و در
خلال این حال بعضی از دوستان و جمعی از محبان که اطاعت و فرمان برداری
ایشان واجب و لازم بود گاهی از روی التماس و استدعا درخواست مینمودند
و گاهی از روی قدرت و استعلا امر میفرمودند که درین باب کتابی ترتیب کن
و رساله تصنیف گردان مشتمل بر معظمات آثار نبوی و محتوی بر تحقیقات
اخبار مصطفوی تا دوستان را از خواندن و محبان را از دانستن آن حظ وافر
و نصیب کامل بحصول موصول گردد گاهی بواسطهٔ عدم بضاعت و قلت
استطاعت و گاهی بسبب عدم رواج و خلا عرصهٔ گیتی از وجود سخن پرورد
بر حیز تعویق می افتاد و شاهد مطلوب چهرهٔ مقصود نمیگشاد ازین سبب
پای ملال در دامن اندوه و غم میکشیدم و جرعهٔ از جام غصه و الم میچشیدم
و یکچند کثرت ملال و عیال و انقلاب احوال دافع میگردید و یکچند تعرض

زبونان و تعظیم دونان مانع میشد زمانی در بیابان اندیشه و تفکر سرگشته
میگشتم و راه بکعبهٔ مقصود نمیبردم و لحظه در دریای اندوه و غم غوطه می
خوردم و گوهر مطلوب بدست نمی آوردم ناگاه ندای غیب از کارخانهٔ لاریب بگوش
هوش رسید که ما لا یدرک کله لا یترک کله انرا محض عنایت الهی و لطف بیغایت
پادشاهی دانستم با وجود حال خیرات و کشاکش دل و اضطراب عزم جزم شد
که آنچه درین مدت در خزینهٔ دل و پرده نشینان کاشانهٔ خاطر فاتر را کسوت
تقریر و خلعت تحریر پوشاند و بنظر انوار ارباب دین و اصحاب صدق
در آرد و چون کتب پیشین در سیر سید المرسلین صلی الله علیه و آله
مشتمل بود بر روایات مختلفه و اقاویل مشوعه خصوصا روضة الاحباب
که الحق آن کتاب نزد اولی الالباب در جیست پر از دُر بی بها و بحریست پر
از گوهر بیغایت هویدا اما بغایت طویل الذیل بود بحدی که طبع قاری از ربط سیاق
قصه و فهم سامع از حفظ مطلع حکایت تا مقطع روایت عاجز میشد
موجب ملال و باعث کلال میگردید بنا علی هذا ترک روایات مختلفه و حکایات
مشوعه نموده اصح روایات را آوردم و لب لباب روضه و خلاصه و باقی کتب
معتبره که بنظر در آمده بود جمع کرده بین الاجمال و التفصیل مرتب گردانیدم
و این کتاب را آثار الاحمدی نام نهادم امید که نیت موافق و رجاء واثق و آنچه
بر زبان قلم گذرد صادق باشد التماس از فضلاء زمان و استدعا از علماء عالیشان
آنکه درین روایات که ایراد نموده بنظر رضا بینند و اگر سهوی یا خللی مشاهده
نمایند به اصلاح آن بنوعی التفات فرمایند که رابطهٔ عناد و شائبهٔ تعصب
و فساد نباشد مؤلف این کتاب را بفاتحه و دعای خیر یاد آرند و من الله الاعانة
والتوفیق و بیده ازمة التحقیق و الترجع الی المقصود بعون الملک المعبود

آغاز کلام از آفریدن نور حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم عند لسان بوستان
غرایب حکایات و نغمه سرایان شهرستان عجایب روایات عنوان اخبار
نبوی و مضمون آثار مصطفوی را برین طریق مقید اوراق و منقش آفاق
گردانیده اند که چون حضرت حق جل و علا خواست که ستر ظلمانی عدم را از وجوه
مخدرات کاینات که در تحت حجب غیب محجوب بودند مرتفع گرداند و از کارخانه
قضا و قدر خلعت ایجاد بر قامت کاینات دوزاند اول چیزی که از صنایع
ازلی و خالق لم یزلی خلعت هستی پوشیده و اول مخلوقات گردیده نور محمدی
بود صلی الله علیه و آله و سلم بیت درین کو پیش ازین خاموشی بود ز جام
نیستی بیهوشی بود محیط لطف لاریبی بجوشید عیان گردید بر وی موج
تجرید بس آنگه زان کف دریای سرمد عیان شد پرتو نور محمد ازین جهت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که اول ما خلق الله تعالی نوری و آن نور تسبیح
و تهلیل حق میگفت در مدت دو هزار سال چنانچه فرمود کنت نورا قبل
ان یخلق الله السموات و الارض بالفی عام یعنی من بودم نور آفریده ملک غفور
پیش از آنکه بیافرید خدای تعالی آسمان و زمین را بدو هزار سال و آن نور
بعد از چندین سال نفسها برآورد حق سبحانه و تعالی از انفاس متبرکه آن
نور عرش و کرسی و لوح و قلم و آسمان و زمین و ملائکه سموات و ارضین
آفرید همچنان آفرید ارواح انبیا و اولیا و صدیقان و شهیدان و باقی بندگان
از کافران و مسلمانان بیت لاجرم اصل جمله عالم اوست سید کل نسل
آدم اوست محترم بود در جهان قدم نور او پیش از عالم و آدم و قلم بفرموده
خداوند عالم بنوشت بر لوح محفوظ کلمه طیبه لا اله الا الله محمد رسول الله
صلی الله علیه و آله و سلم فنعم ما قیل بیت نور رخش شمع نبوة فروز آب ندا

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

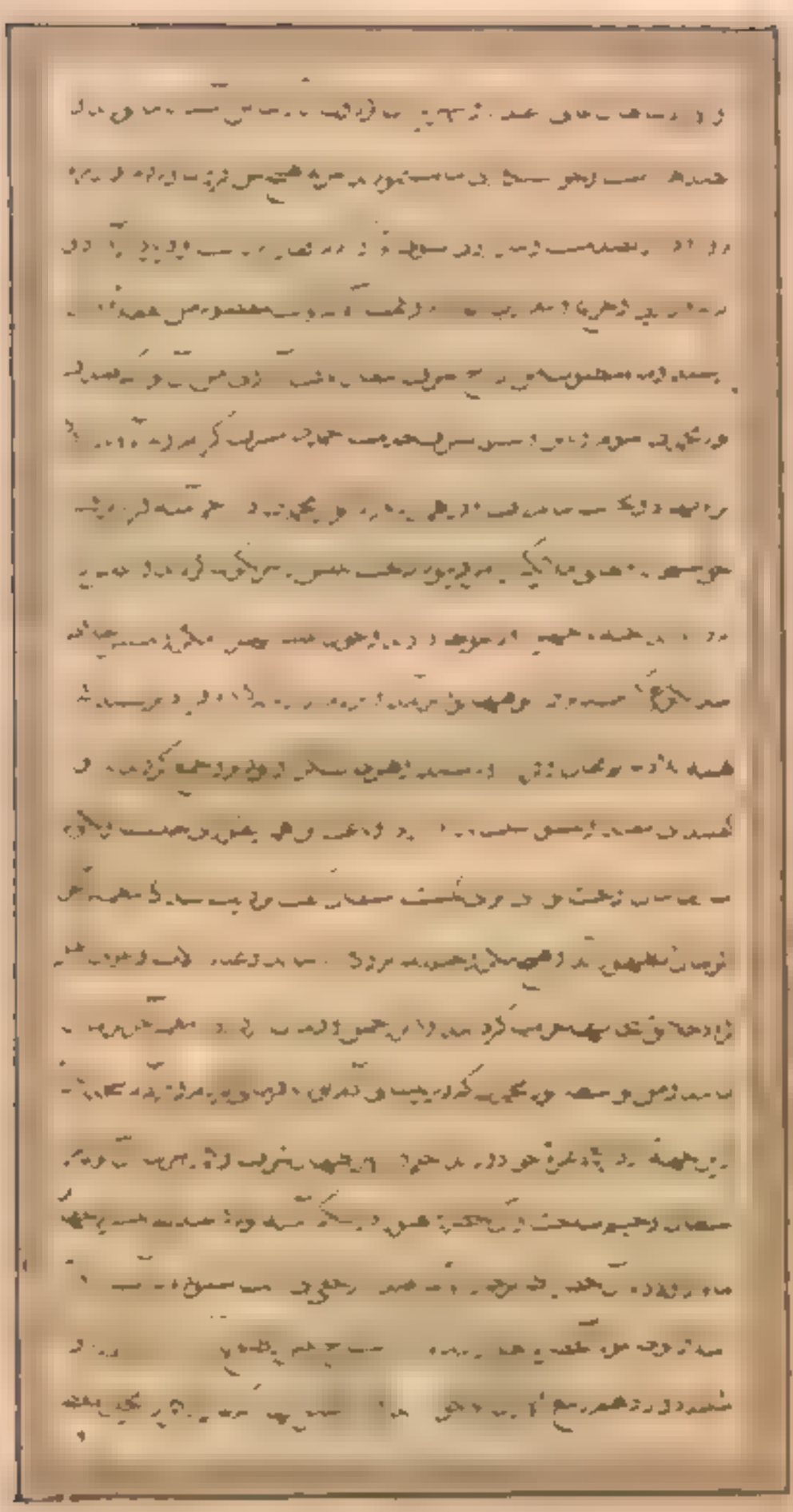

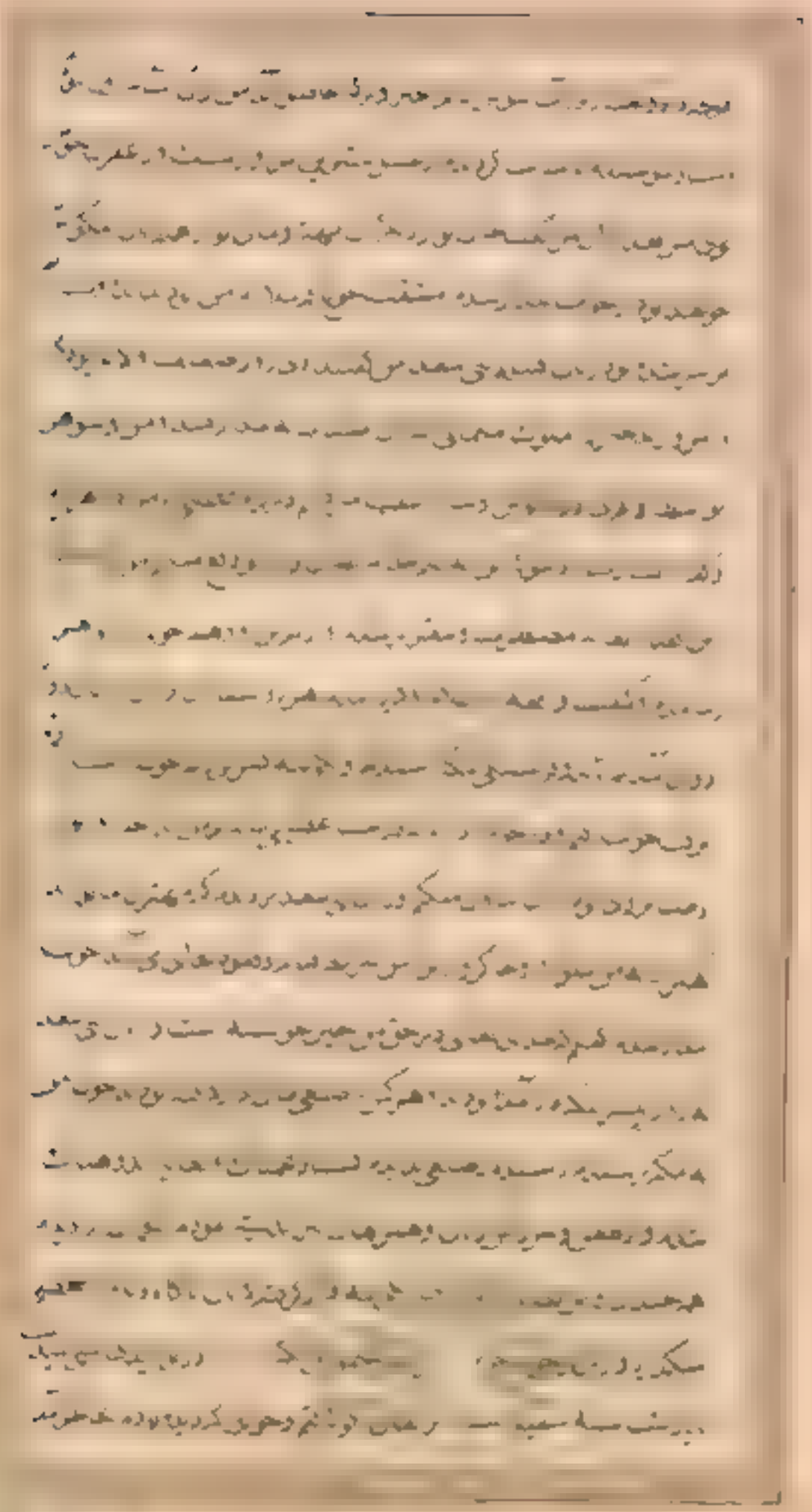

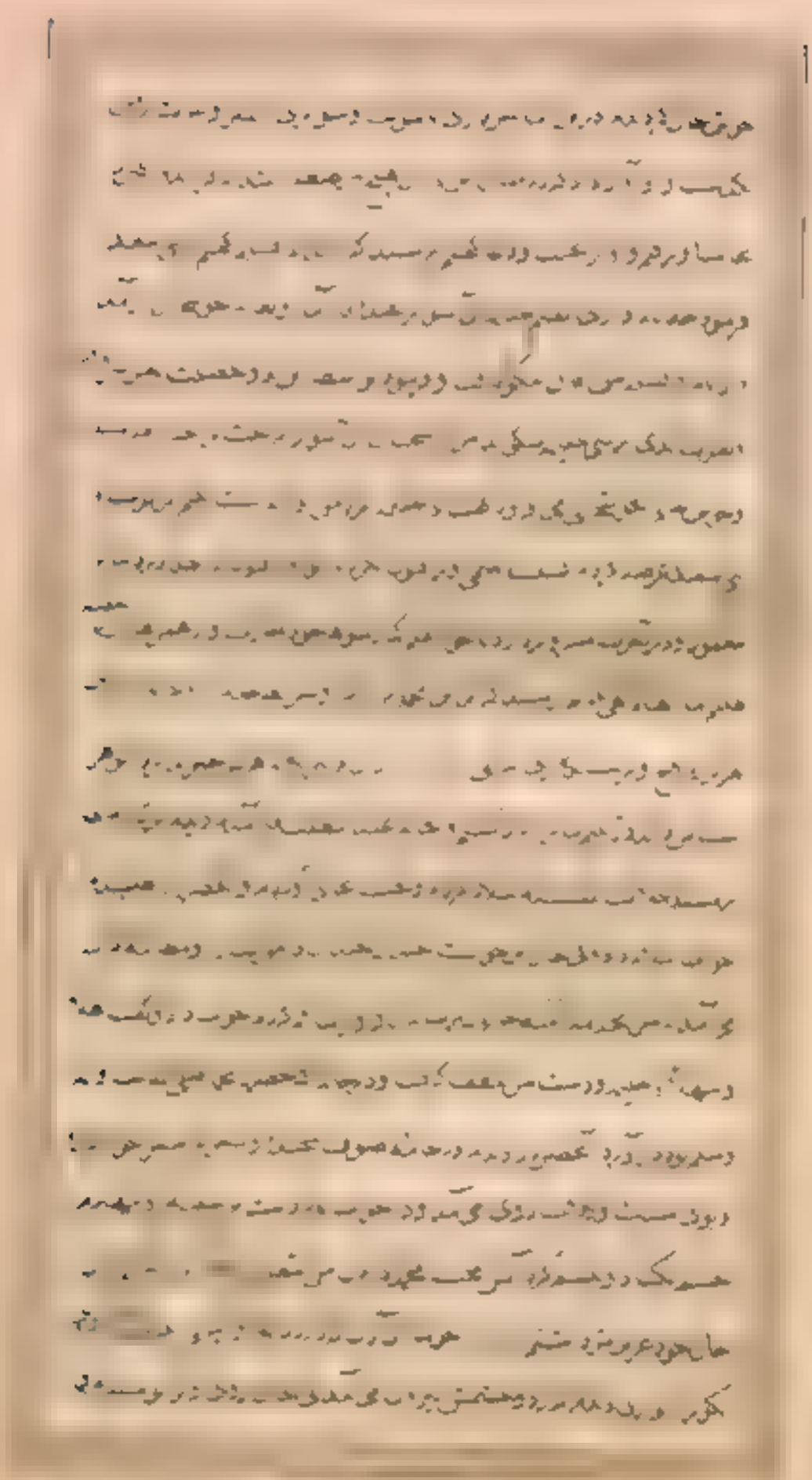

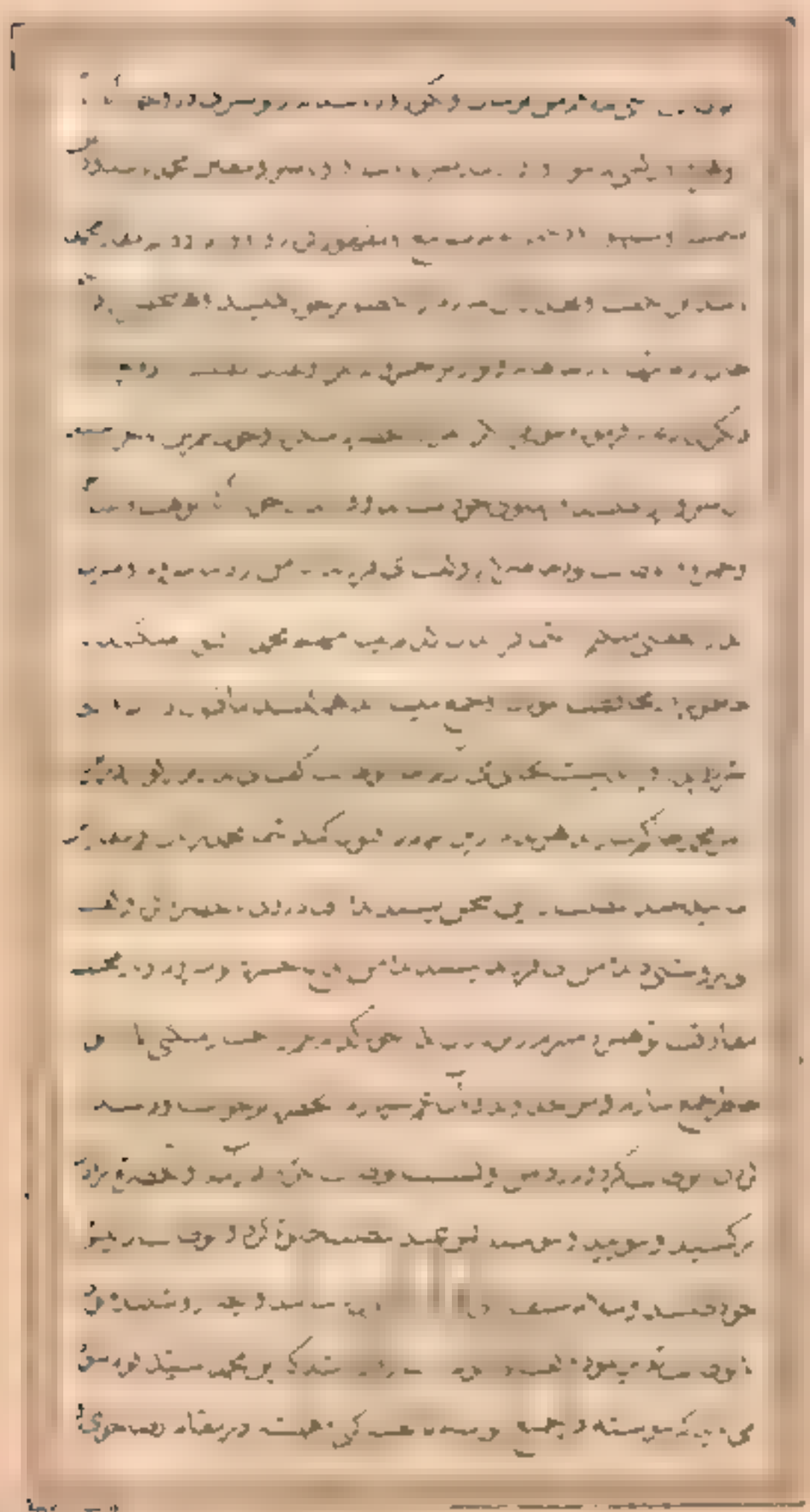

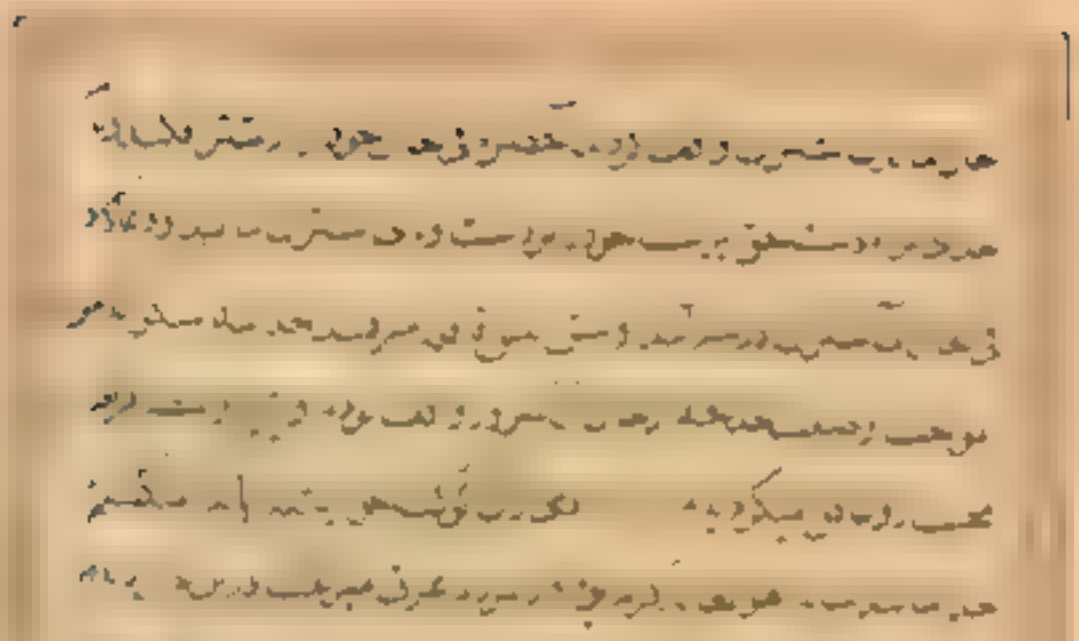

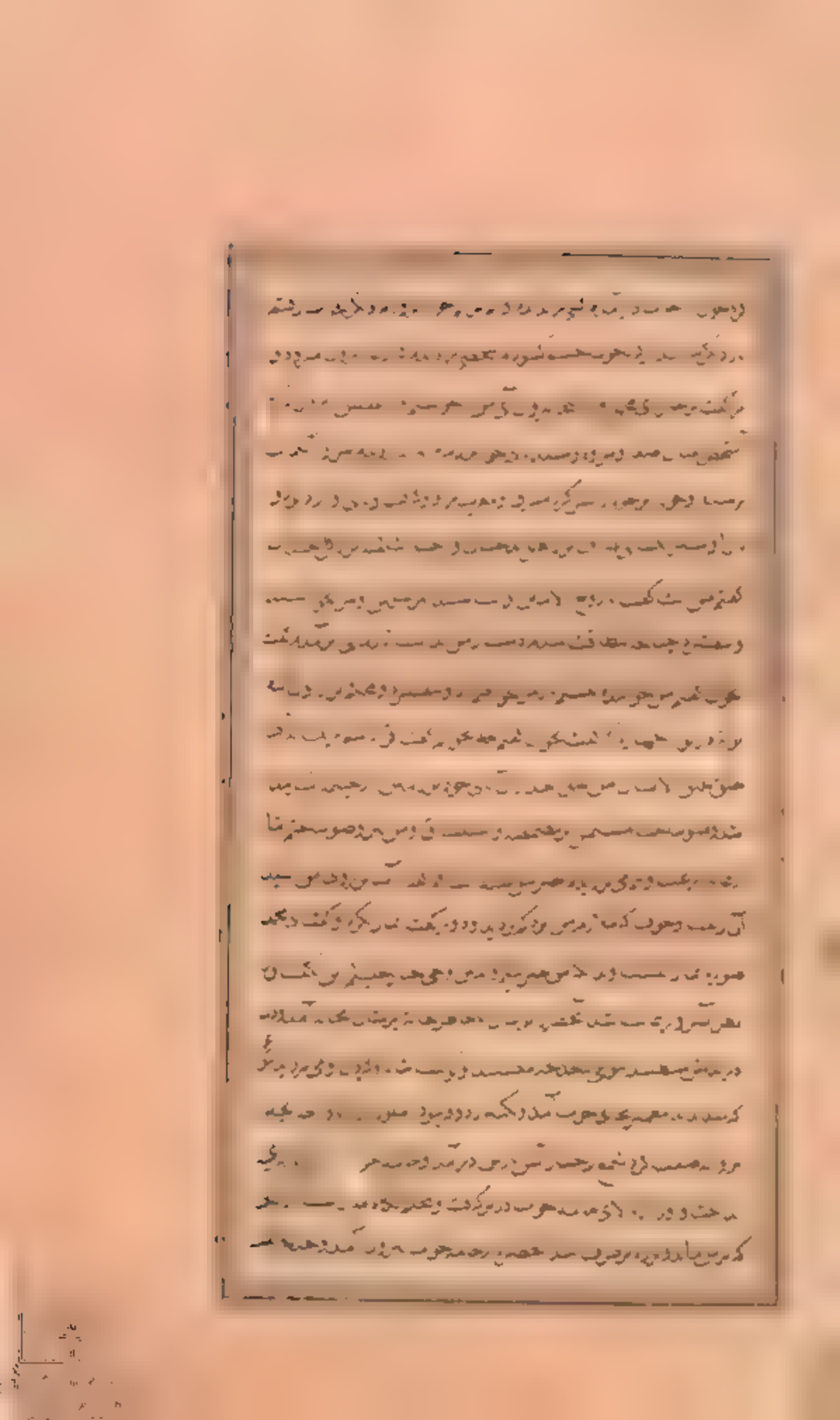

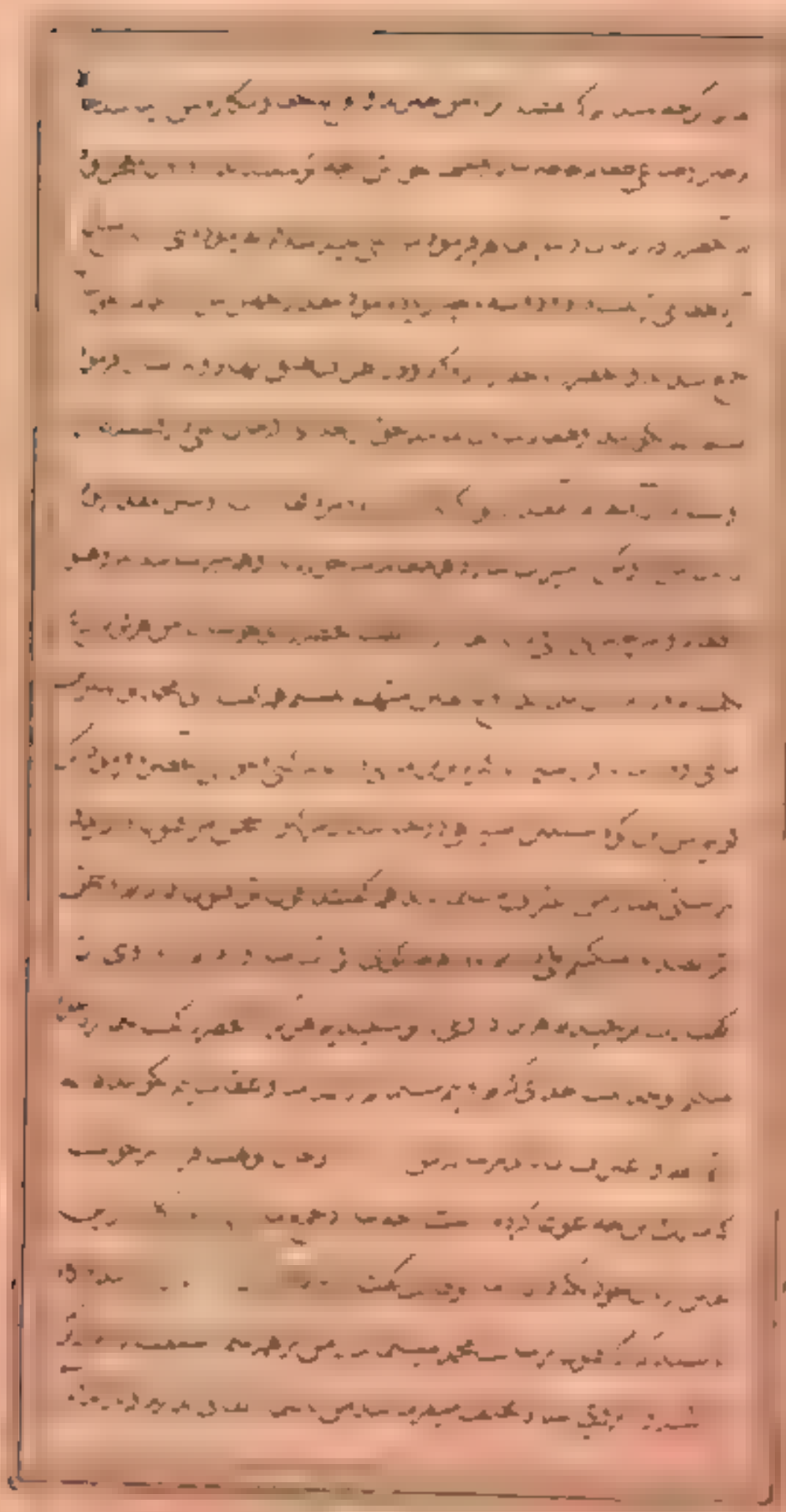

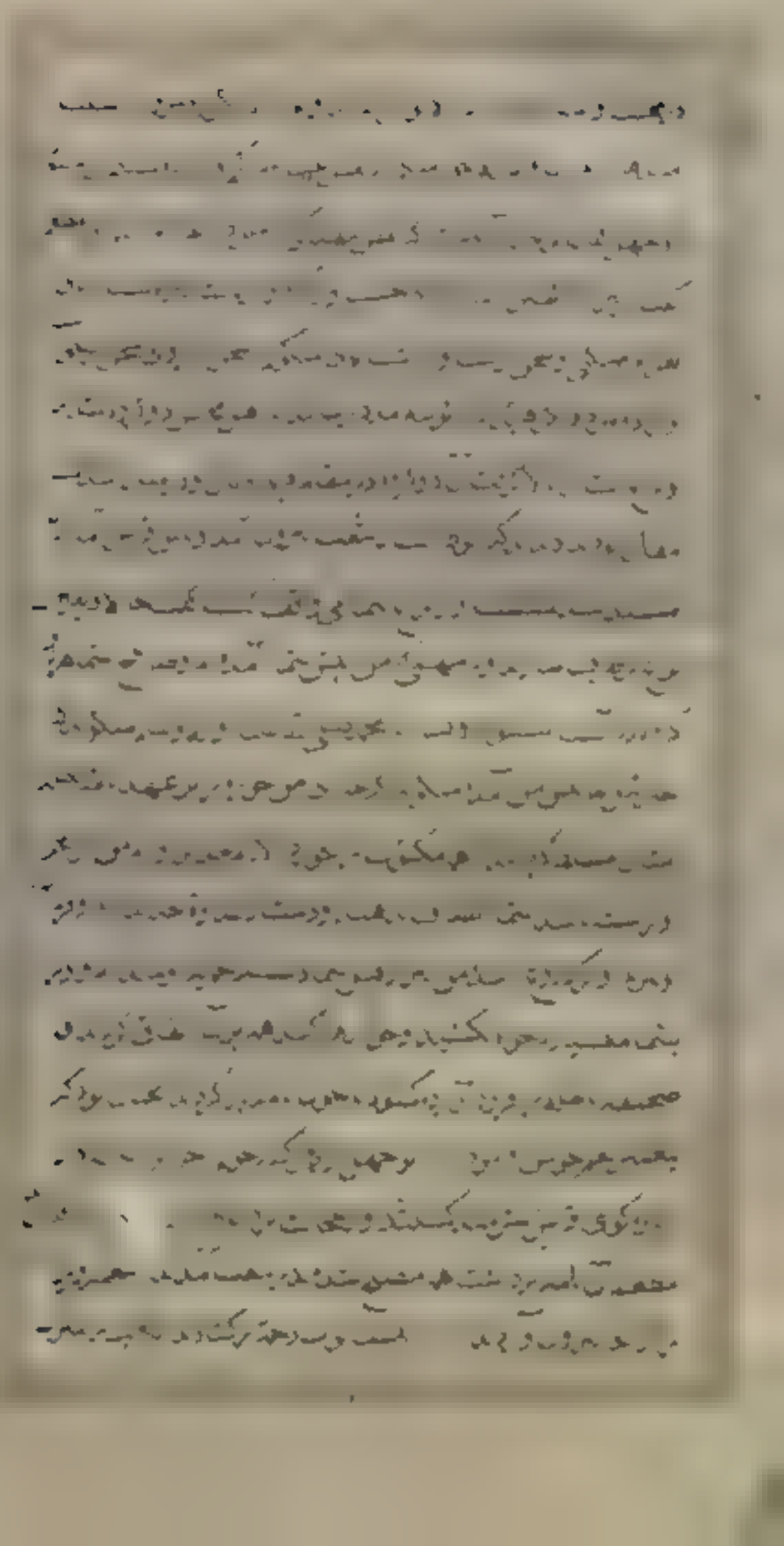

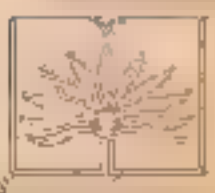

بکره

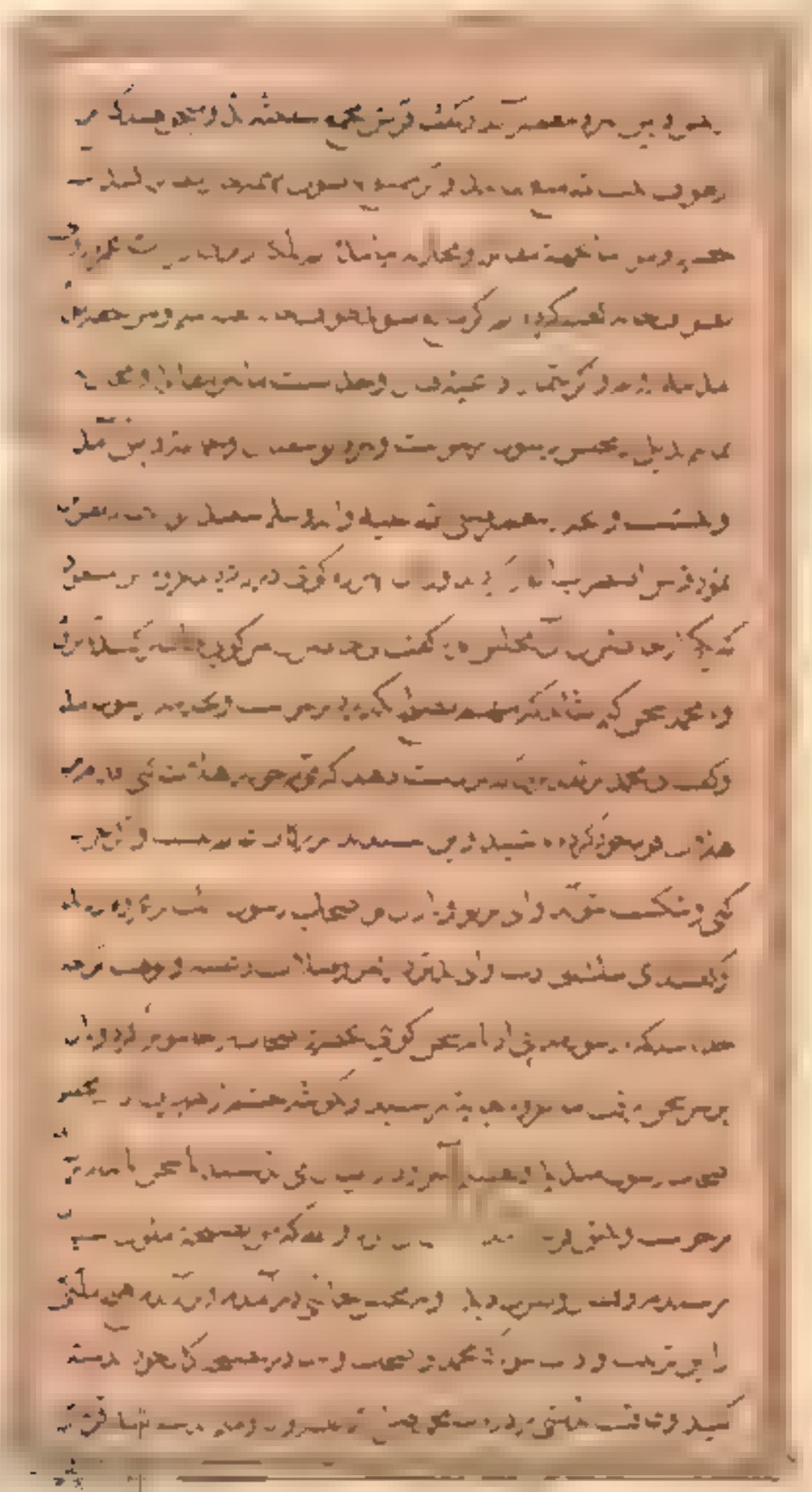

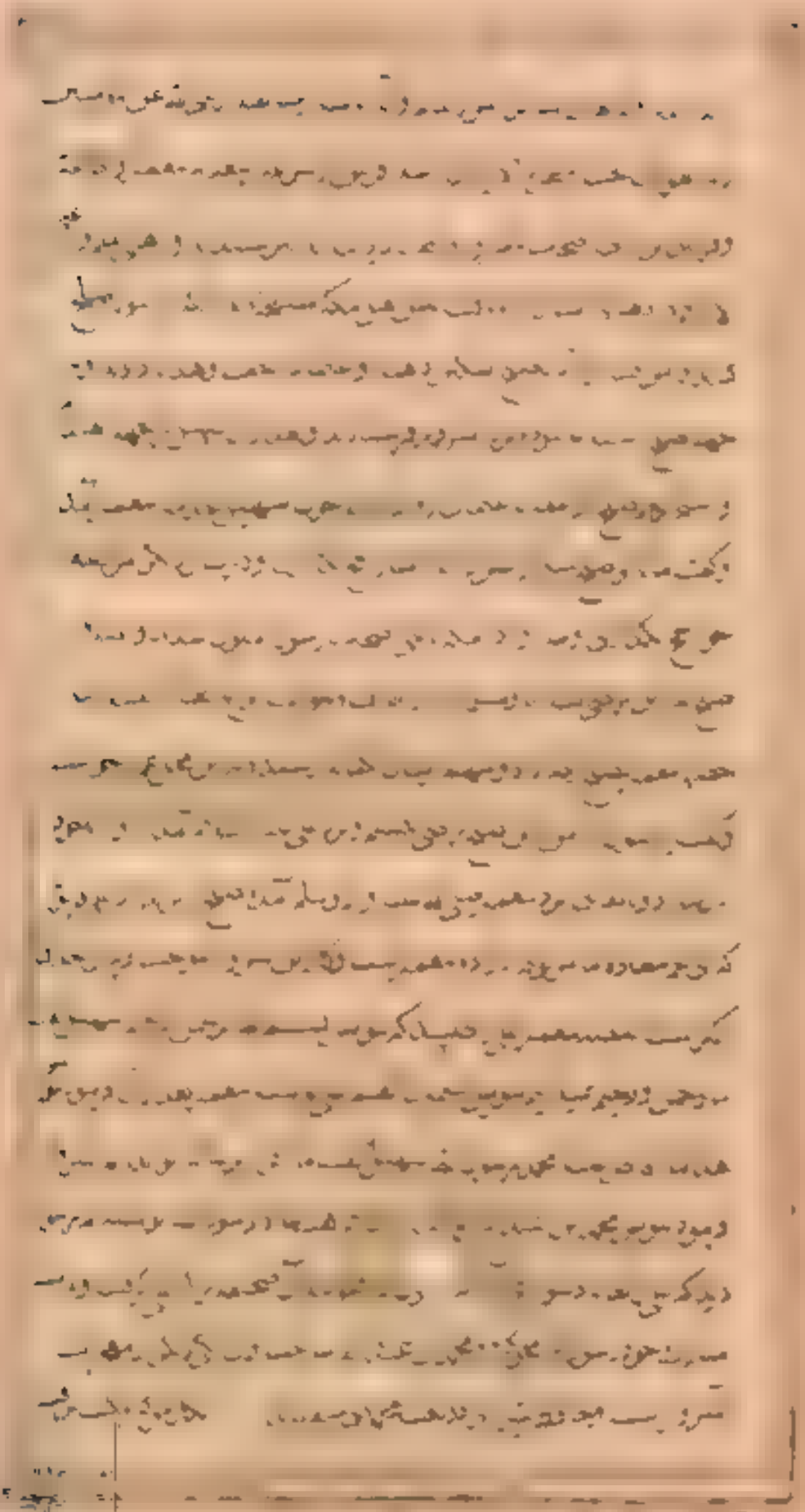

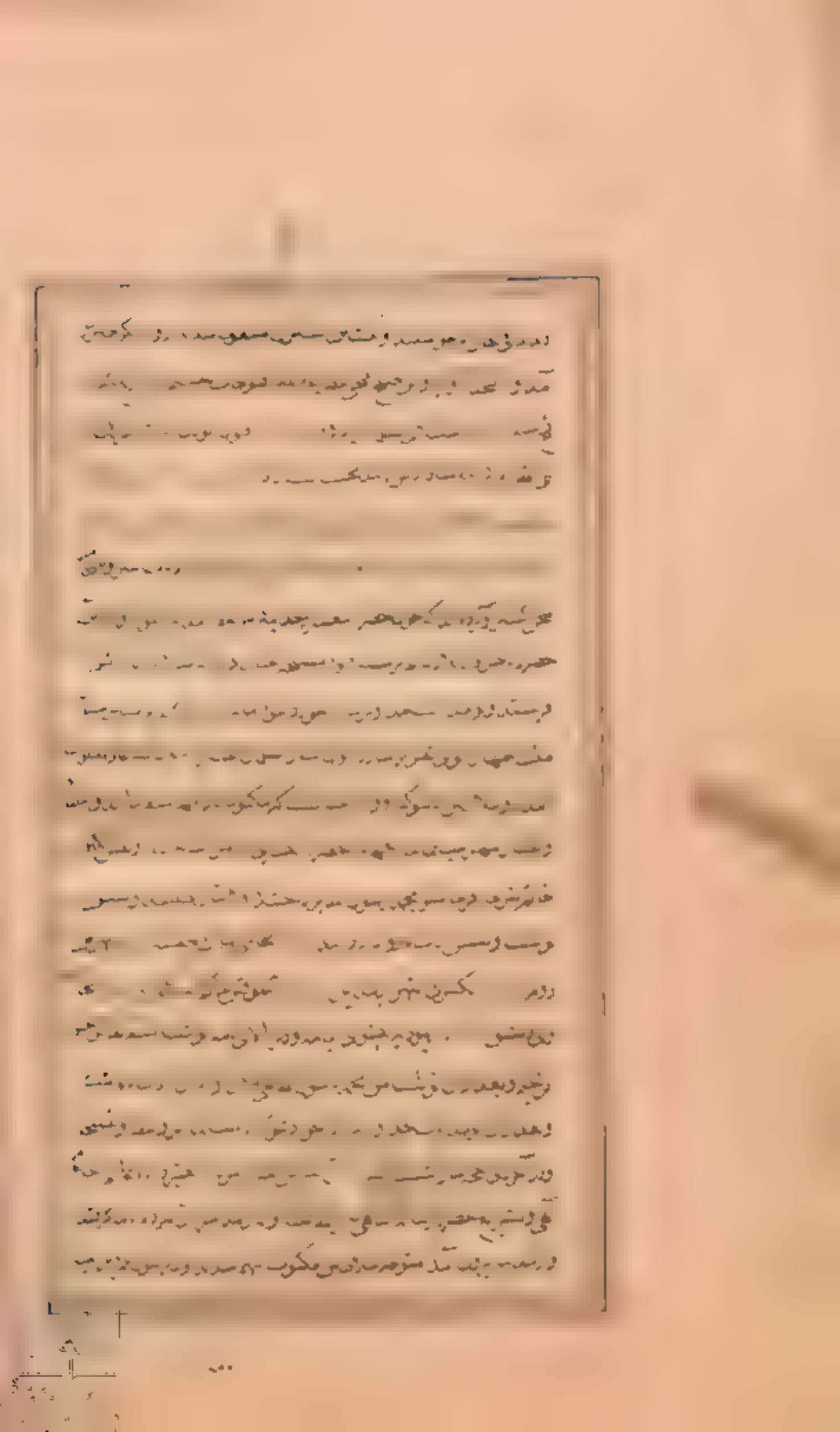

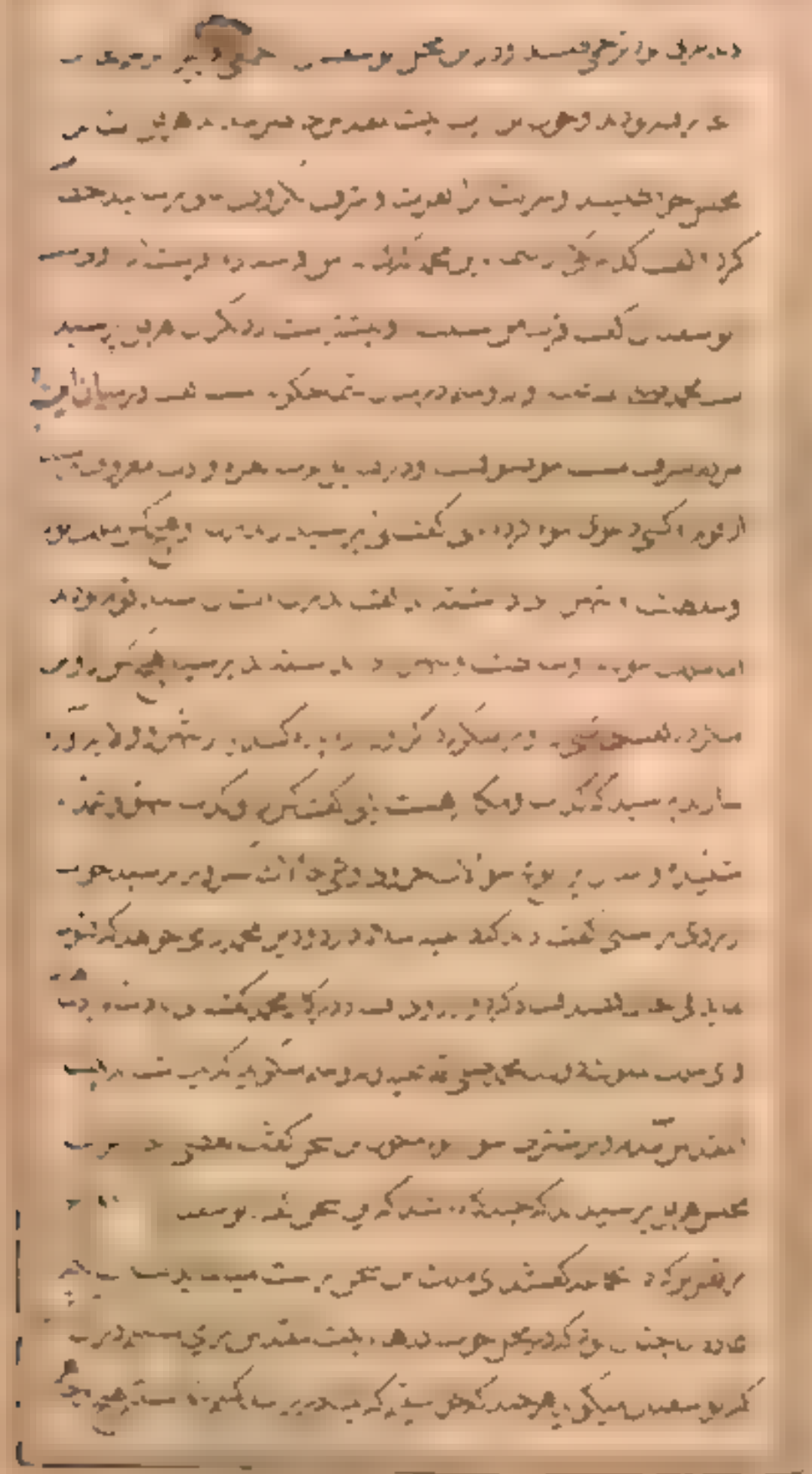

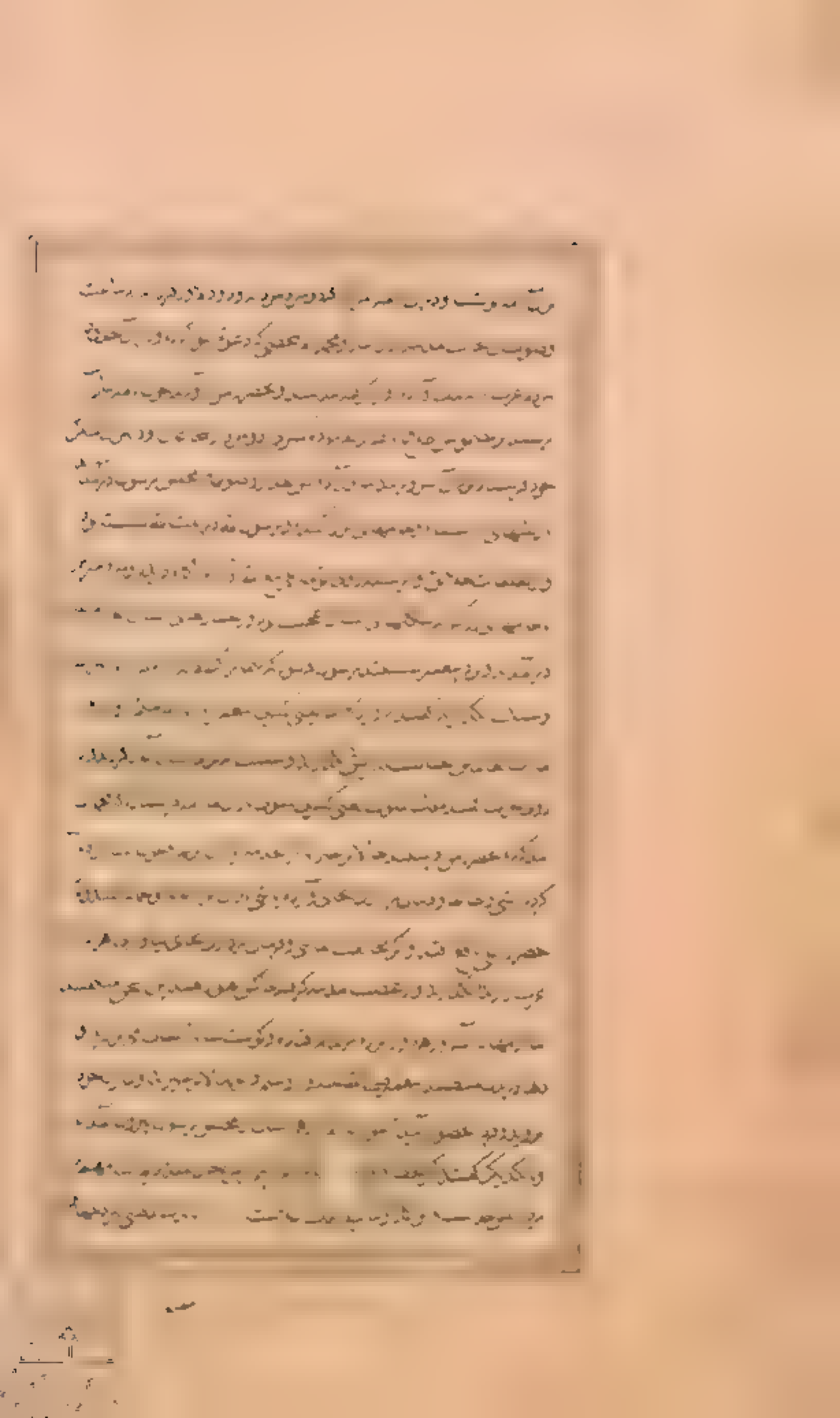

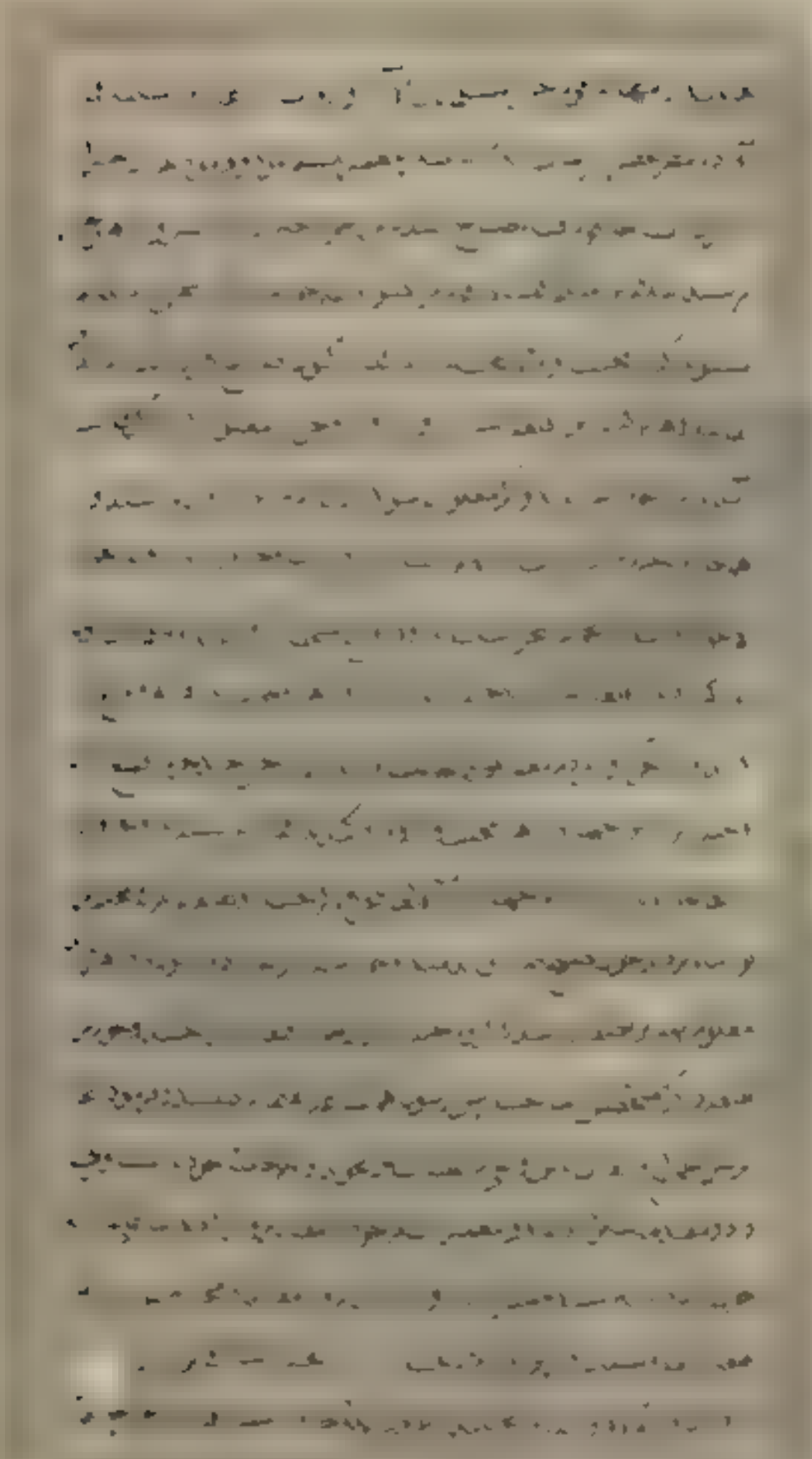

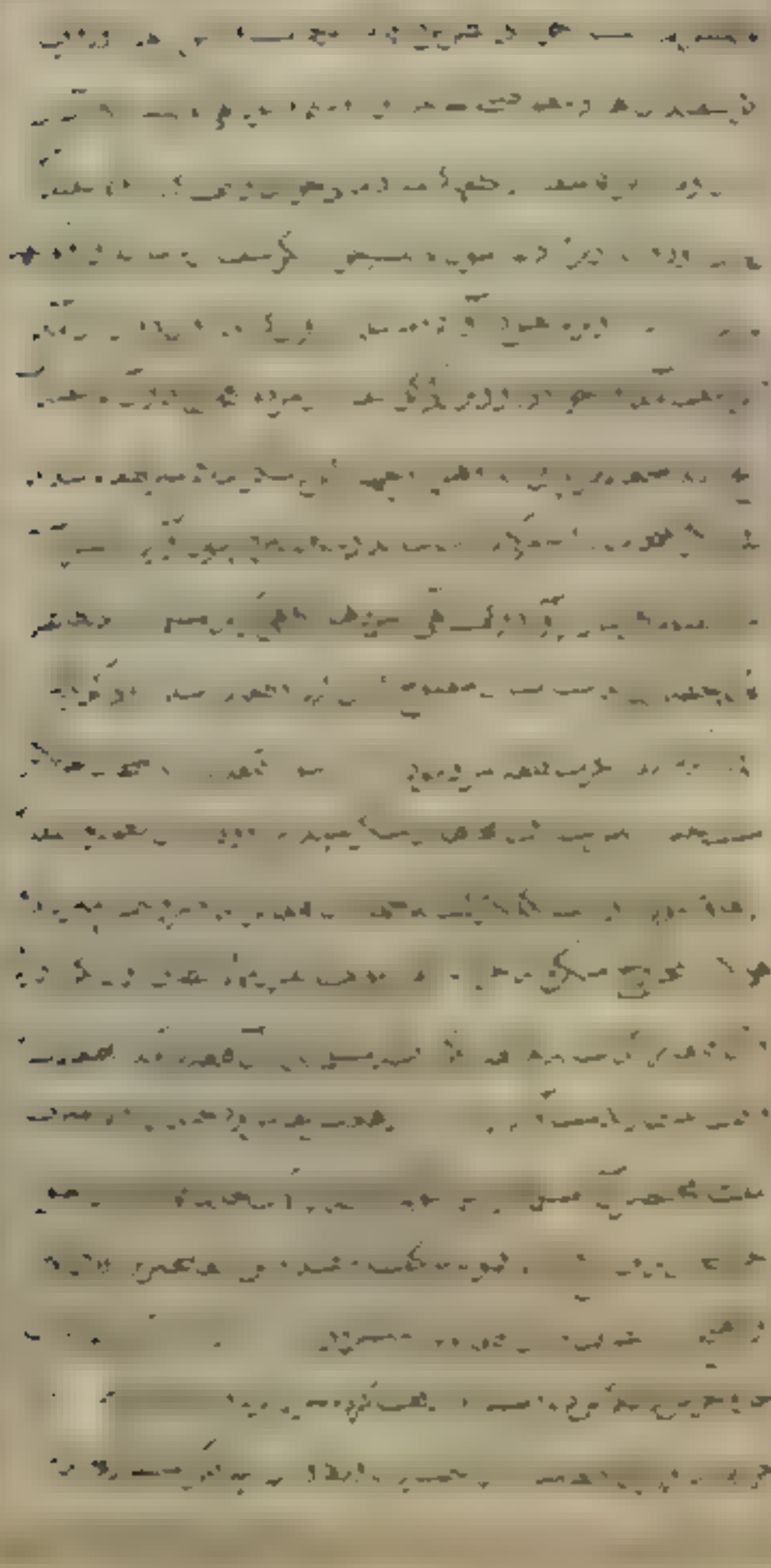

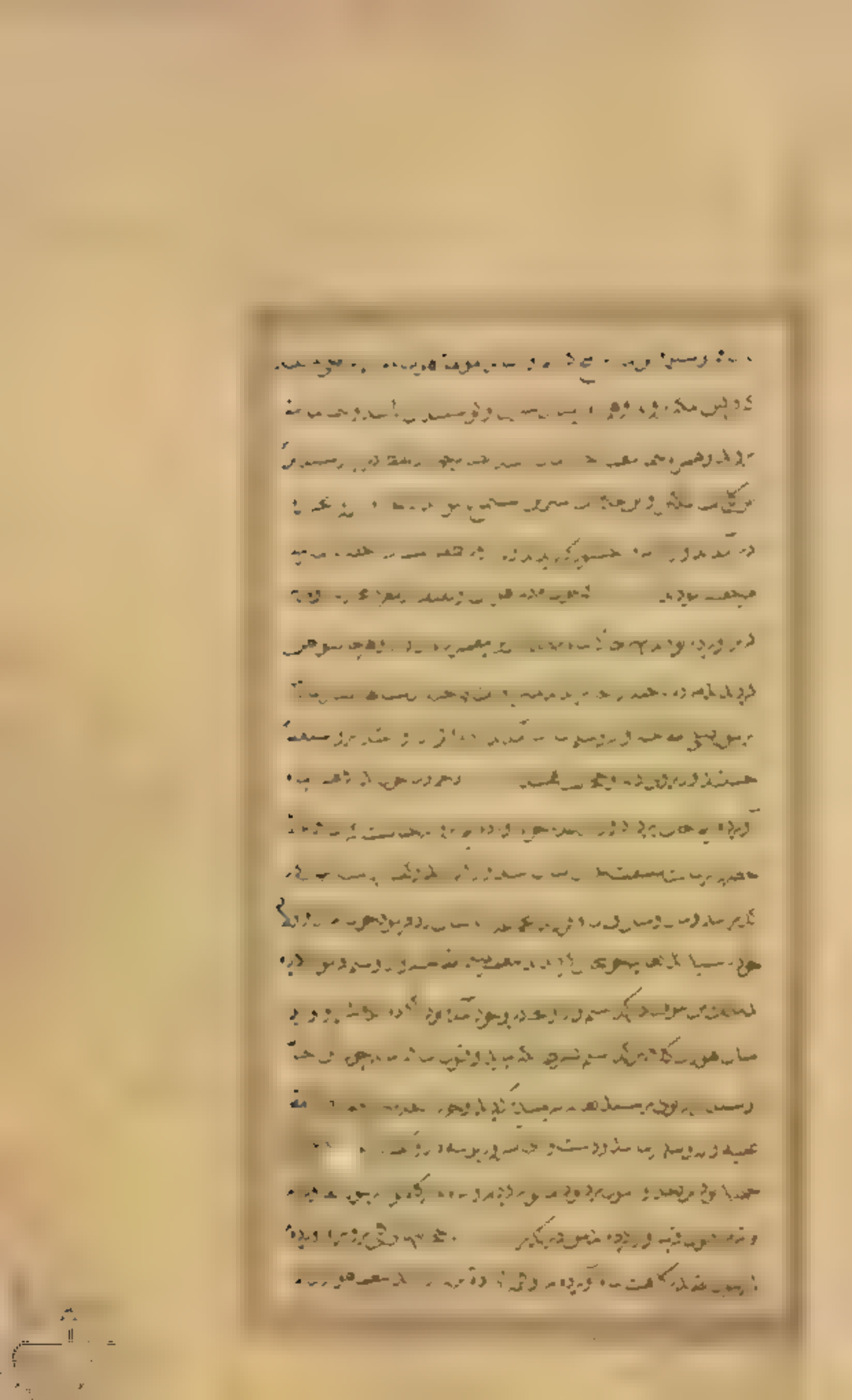

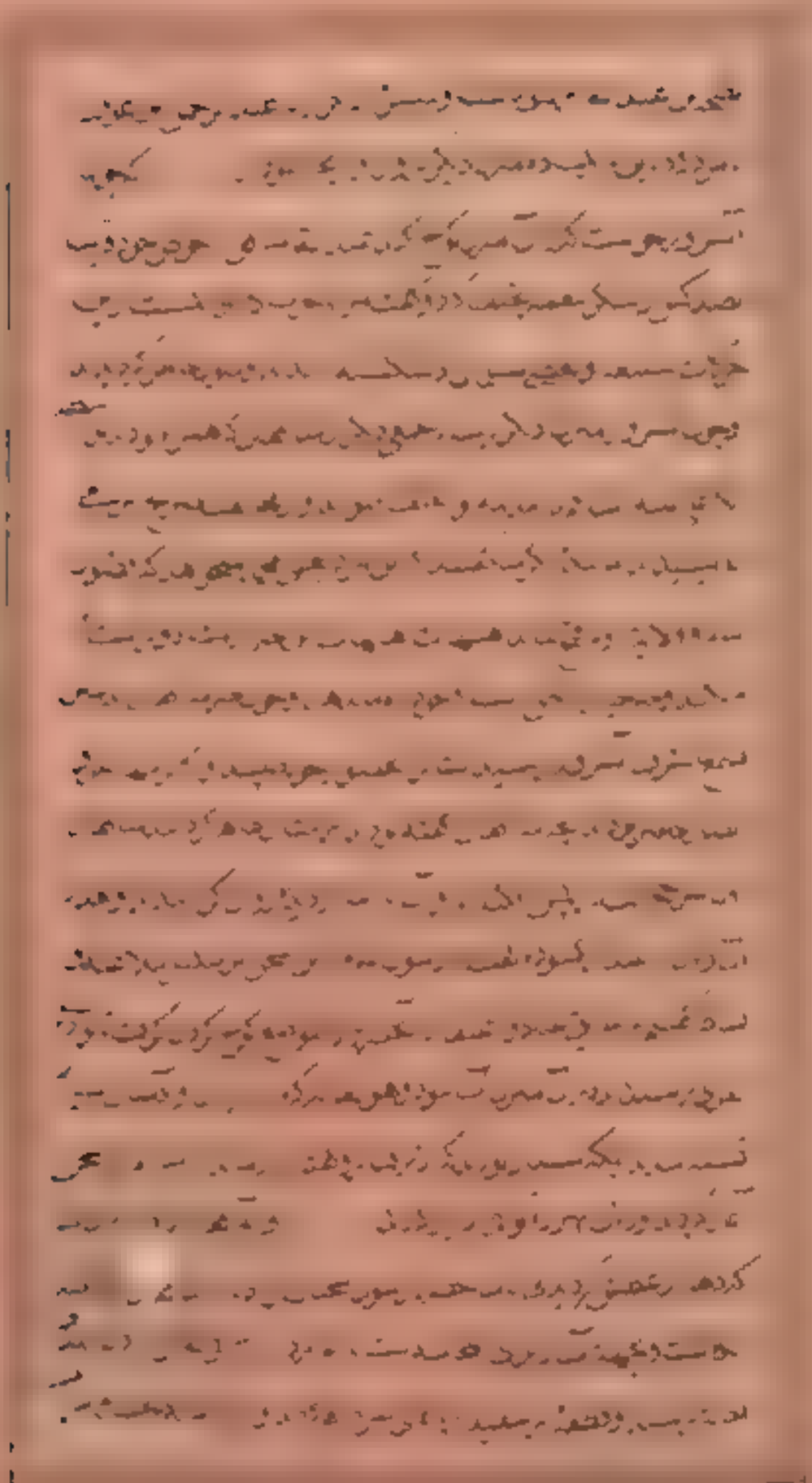

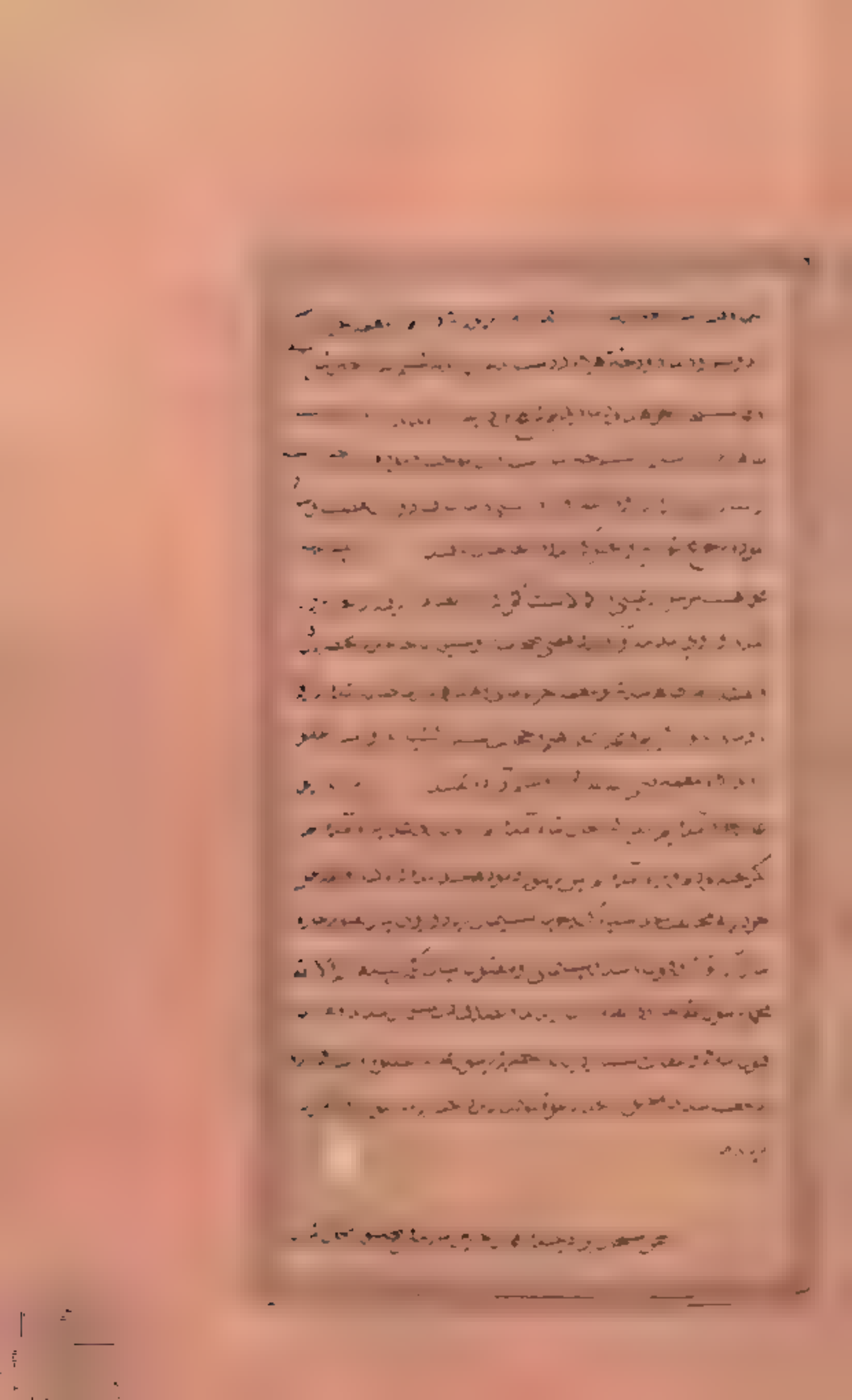

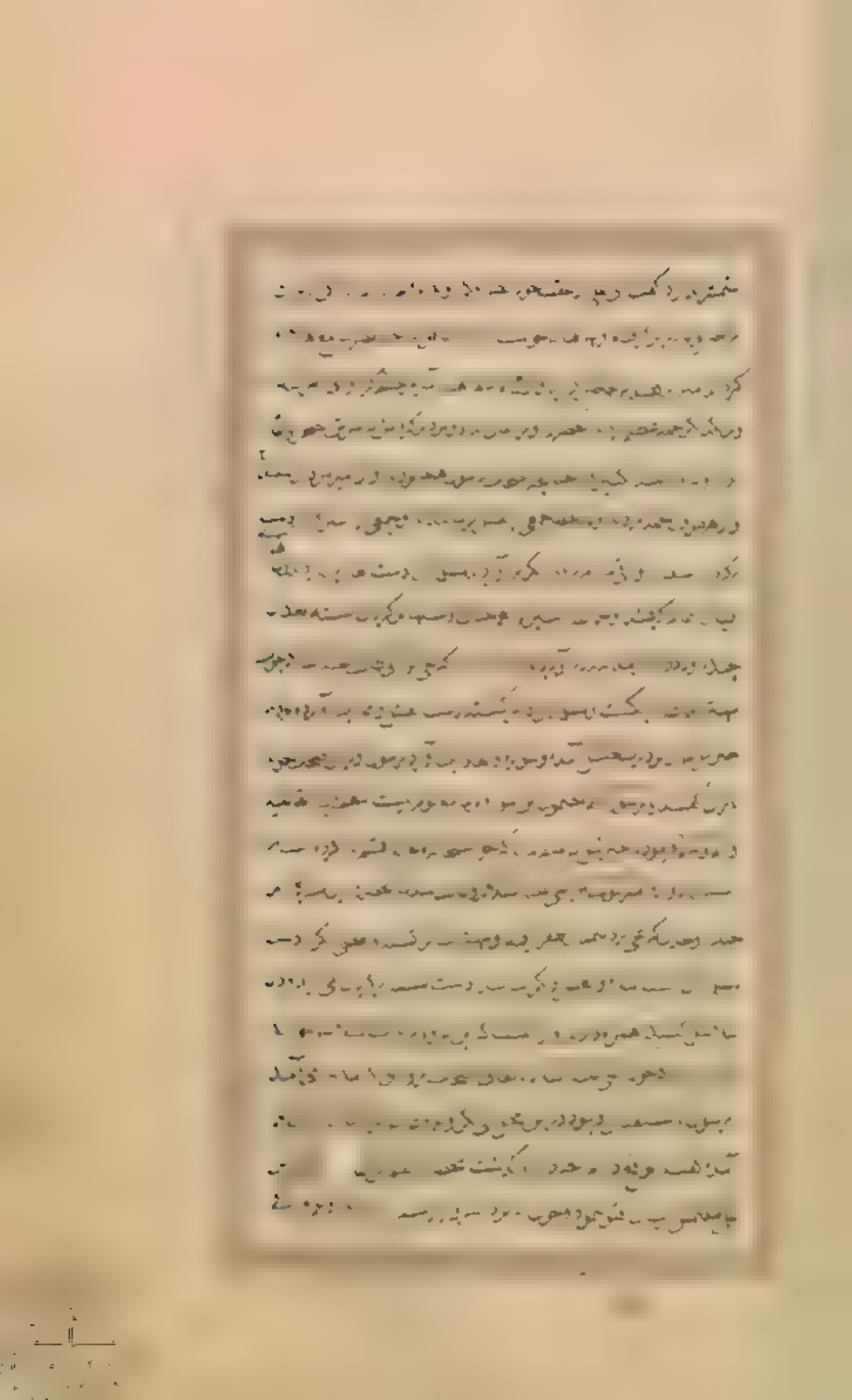

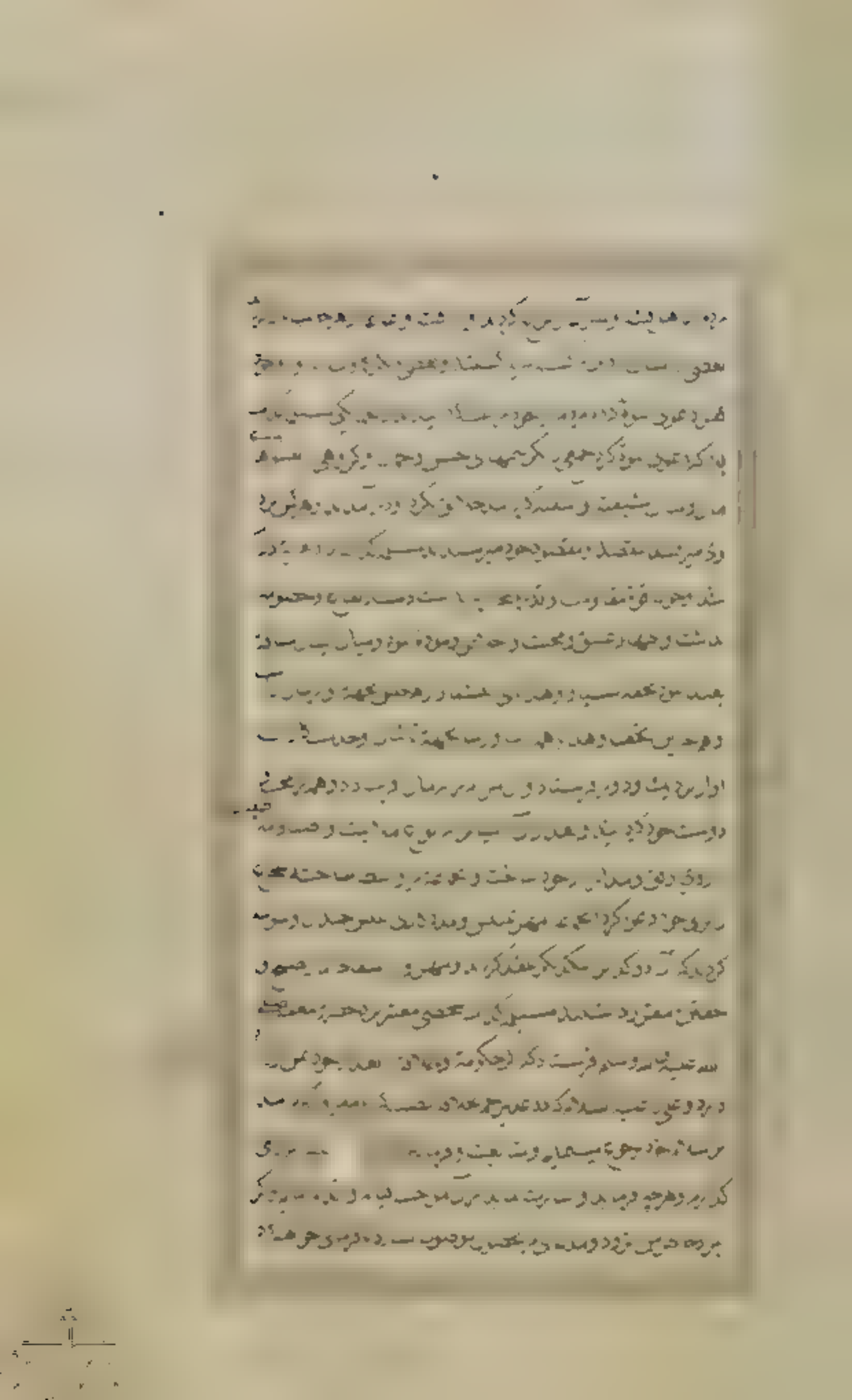

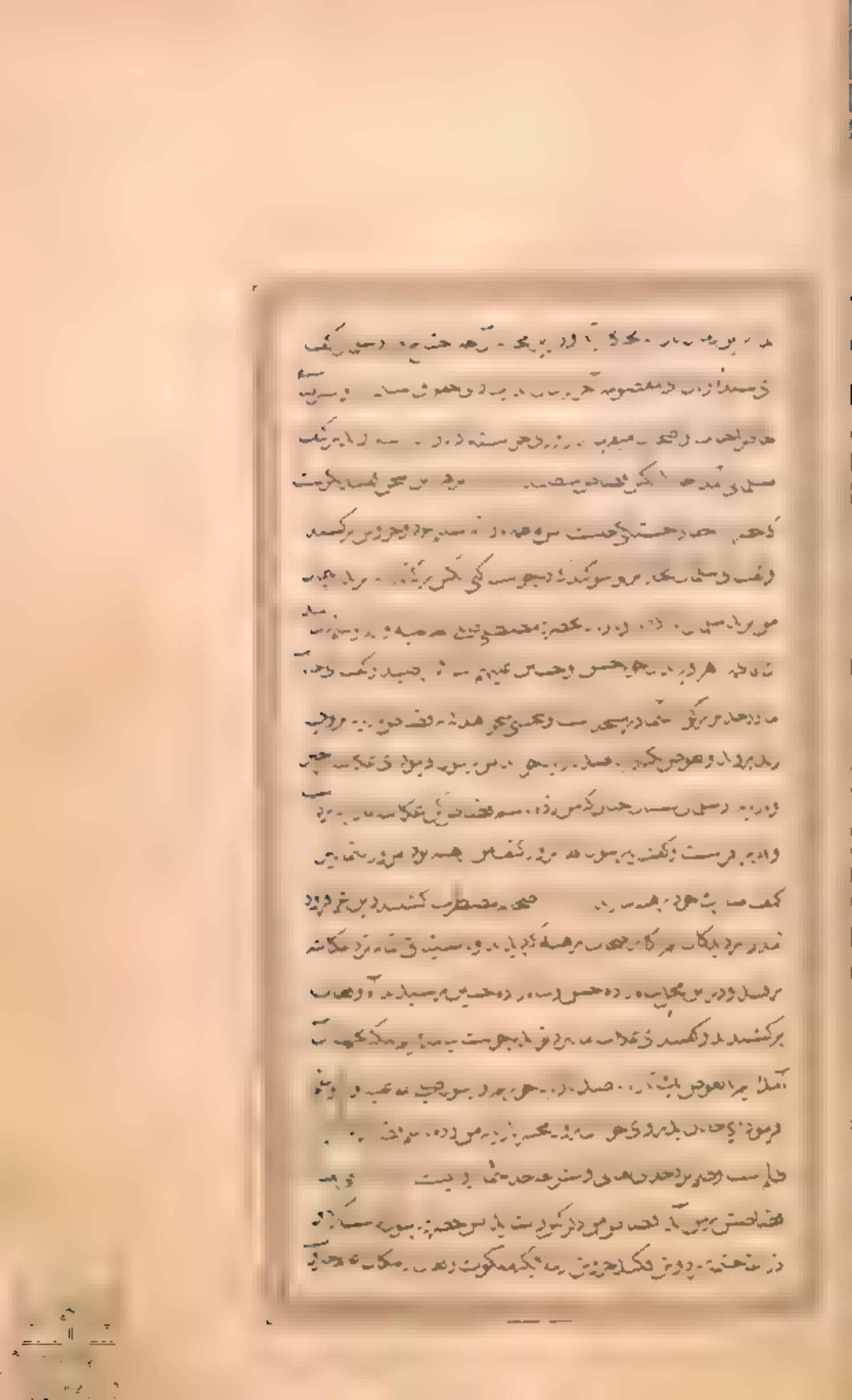

ف

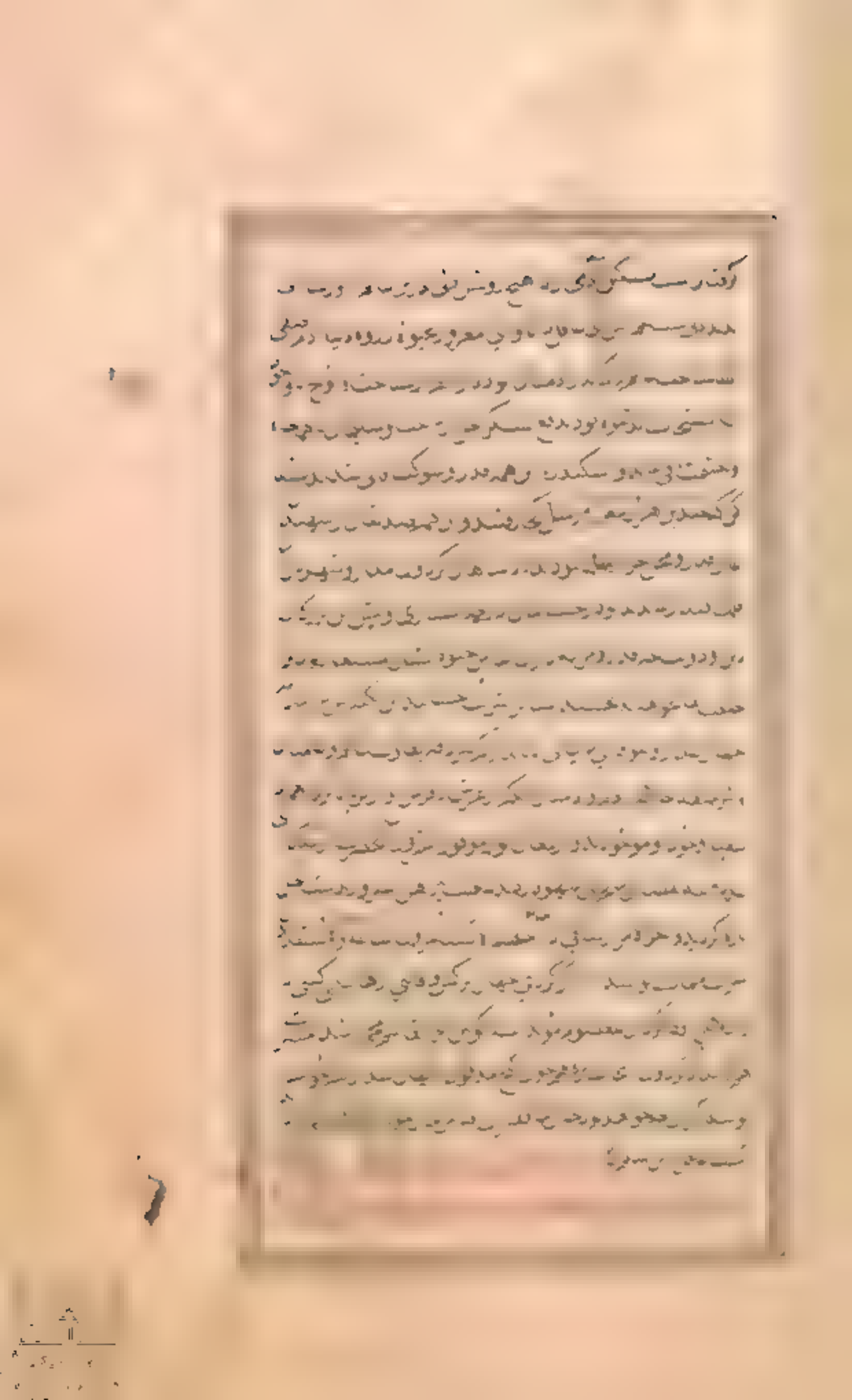

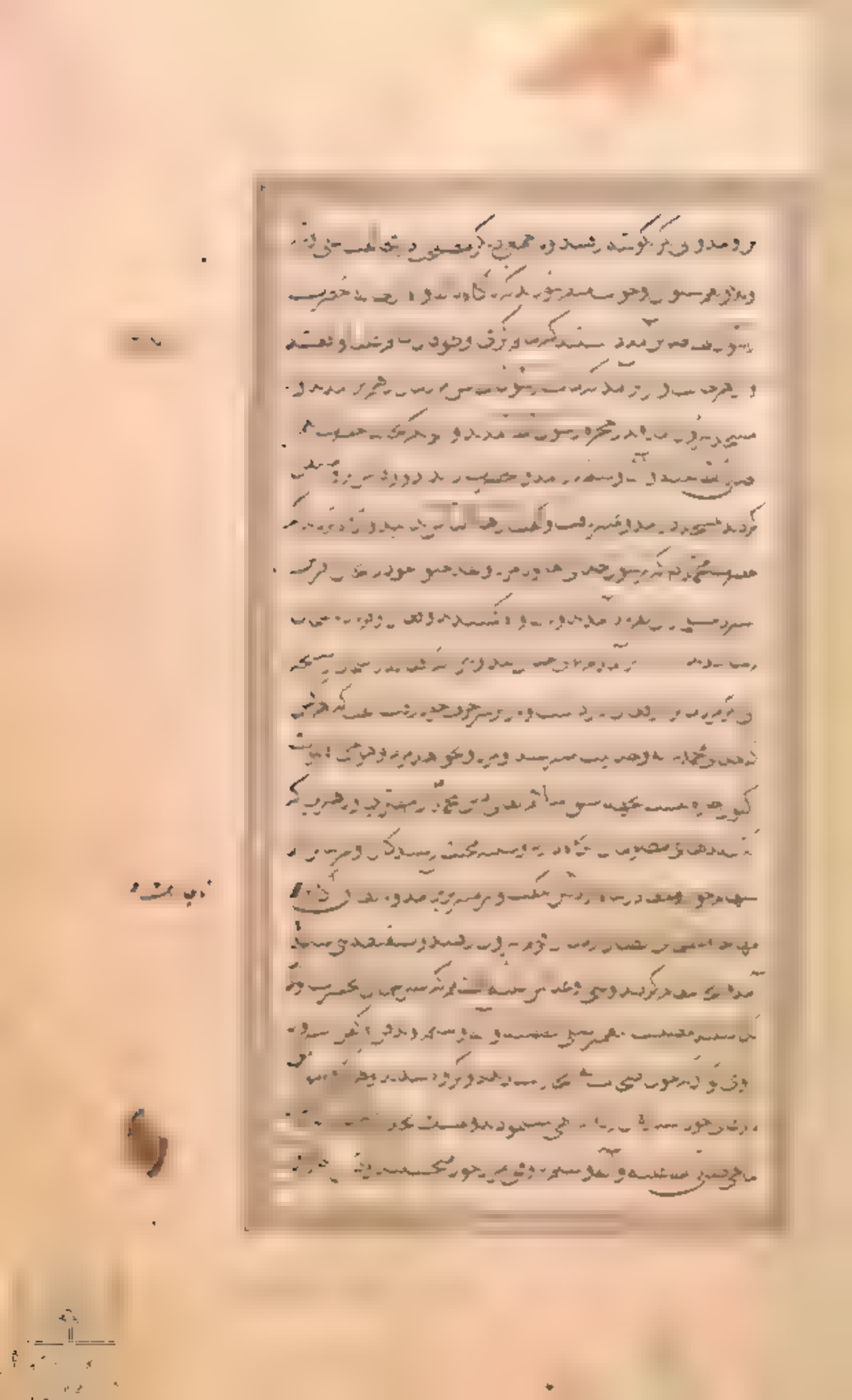

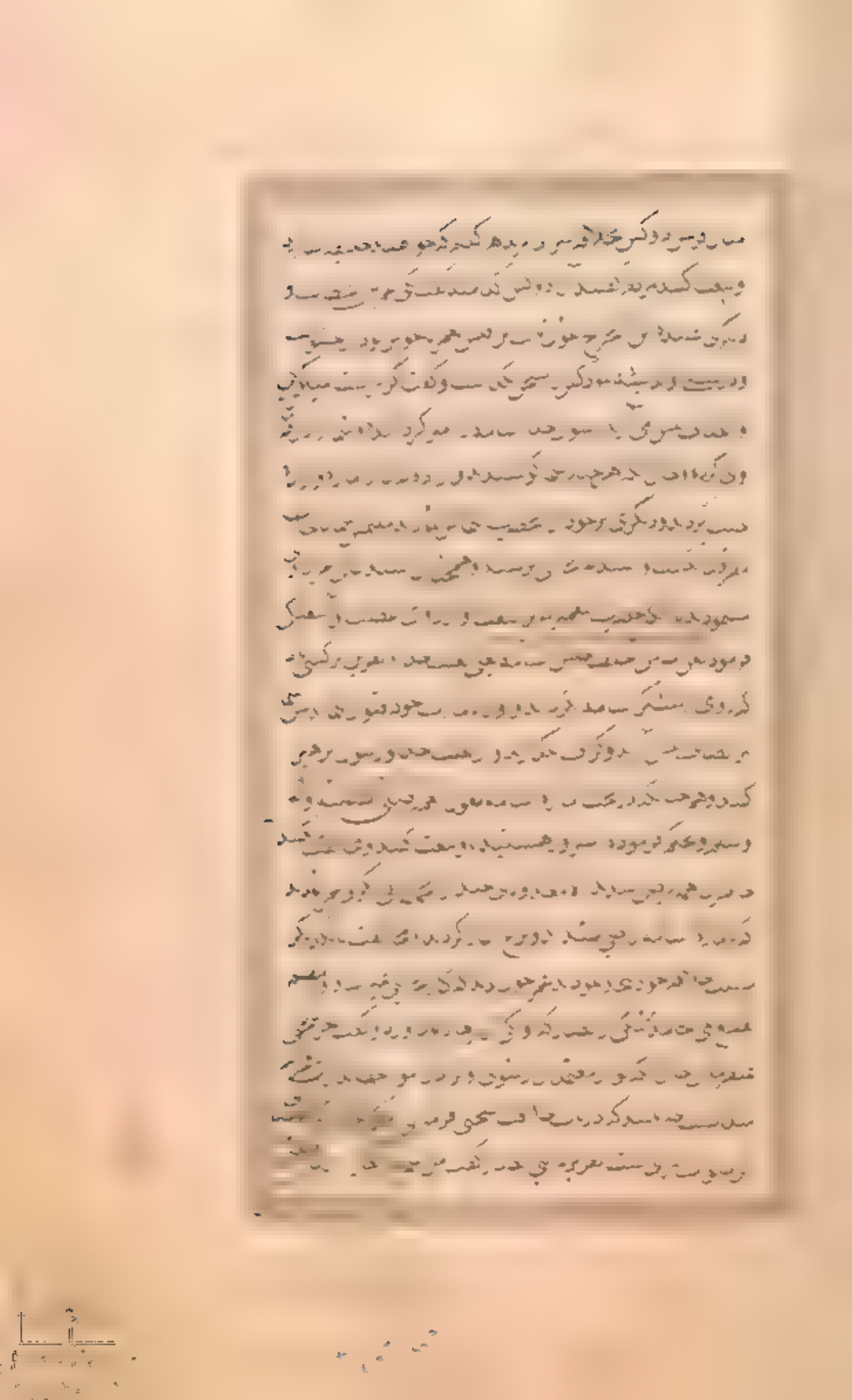

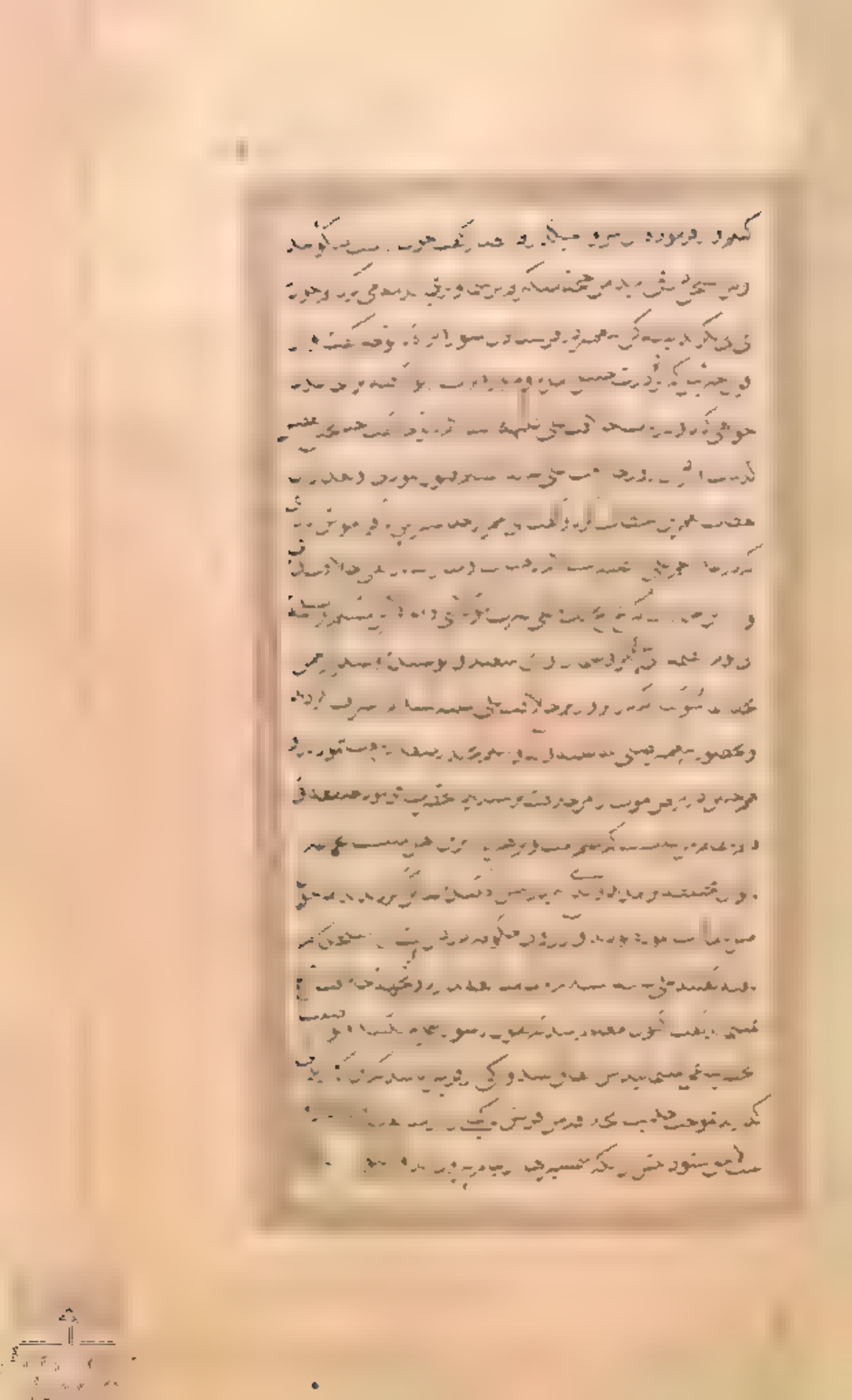

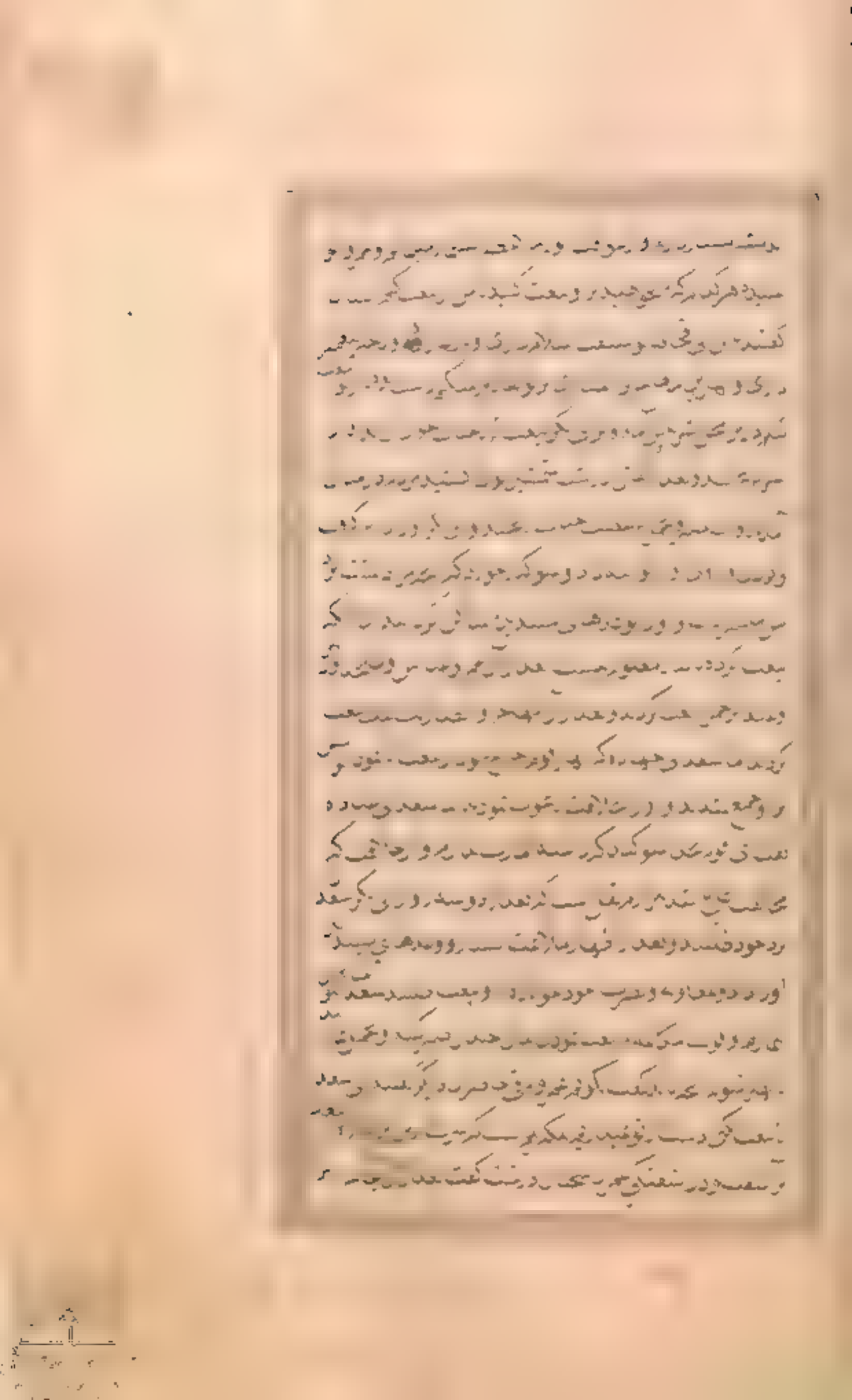

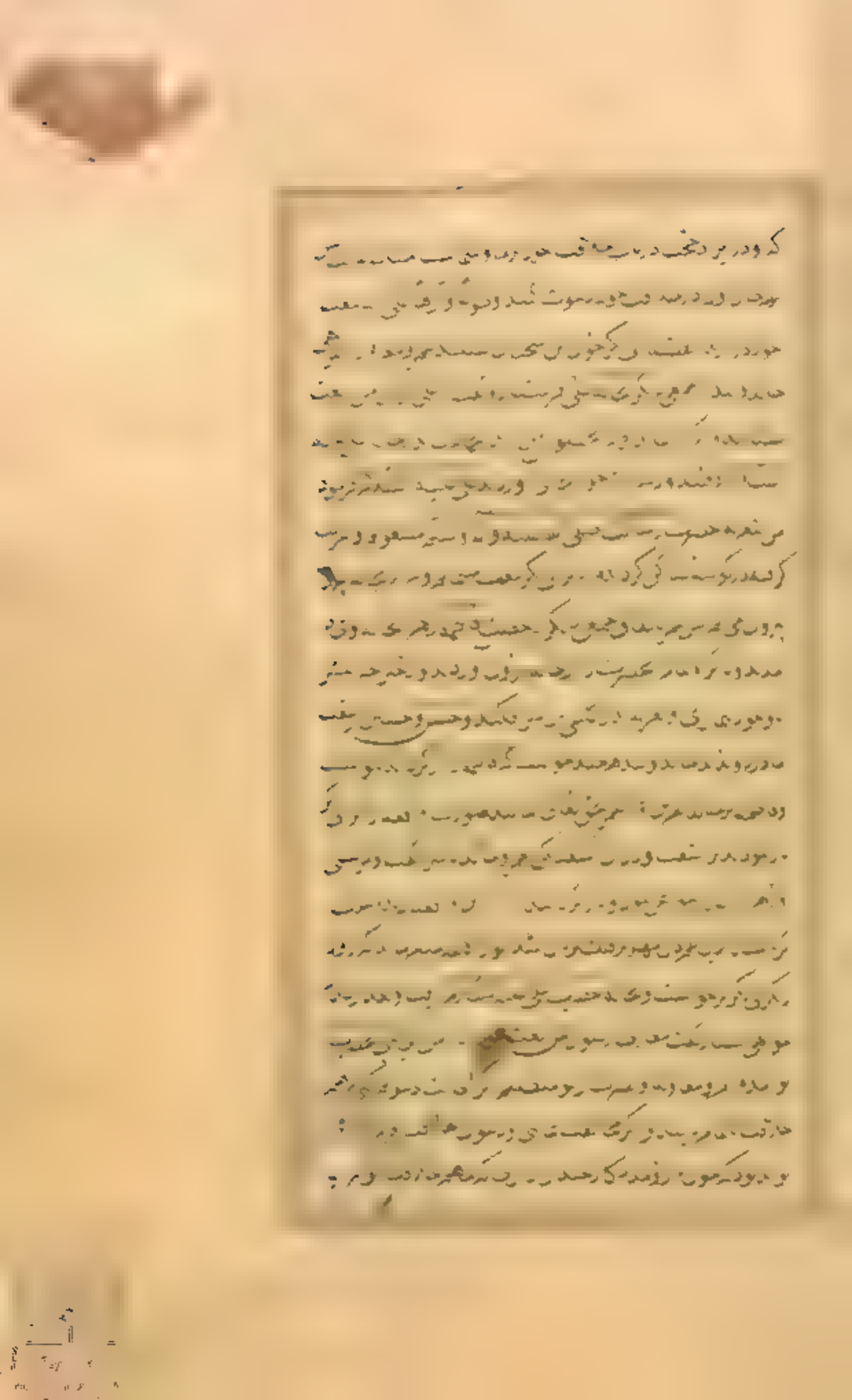

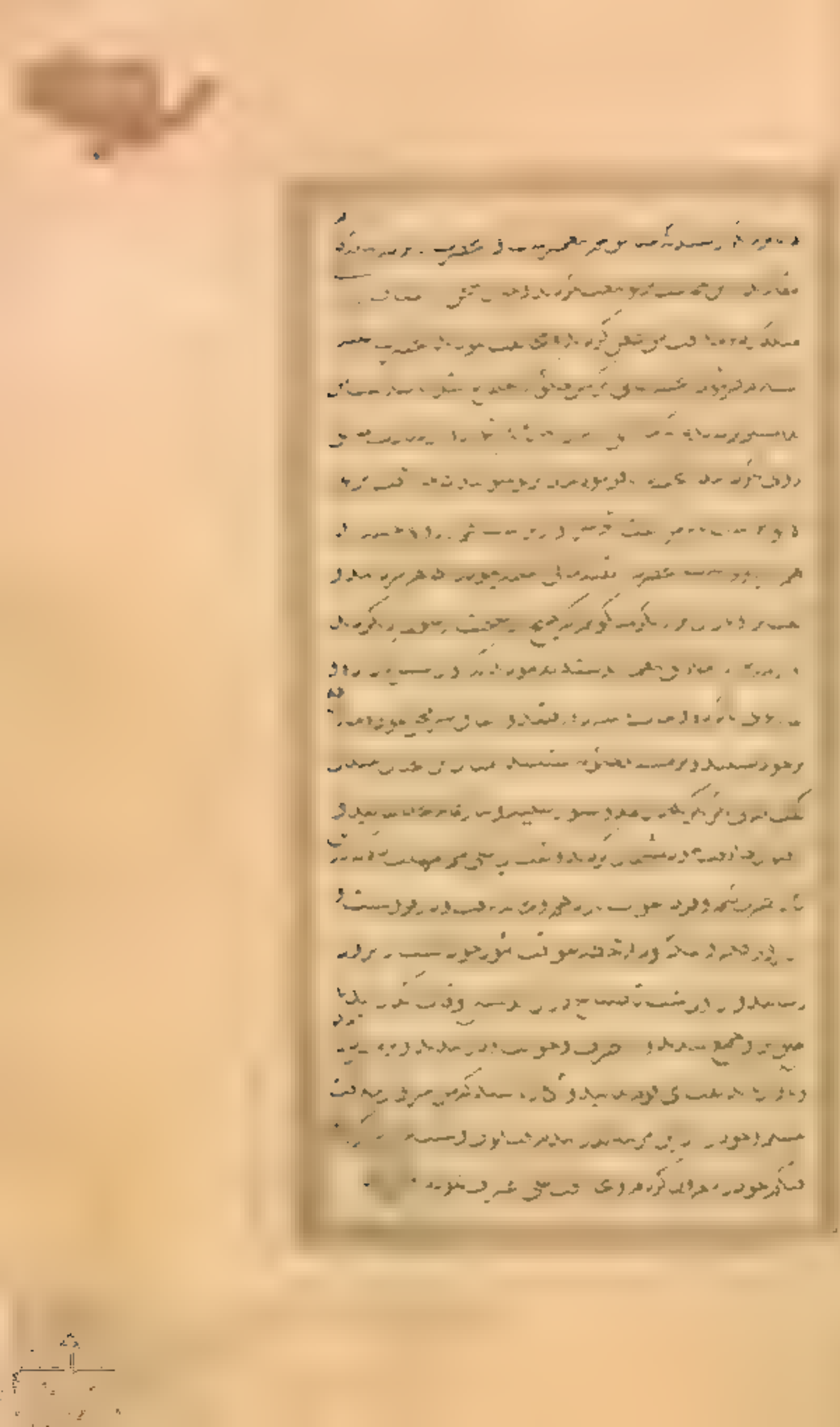

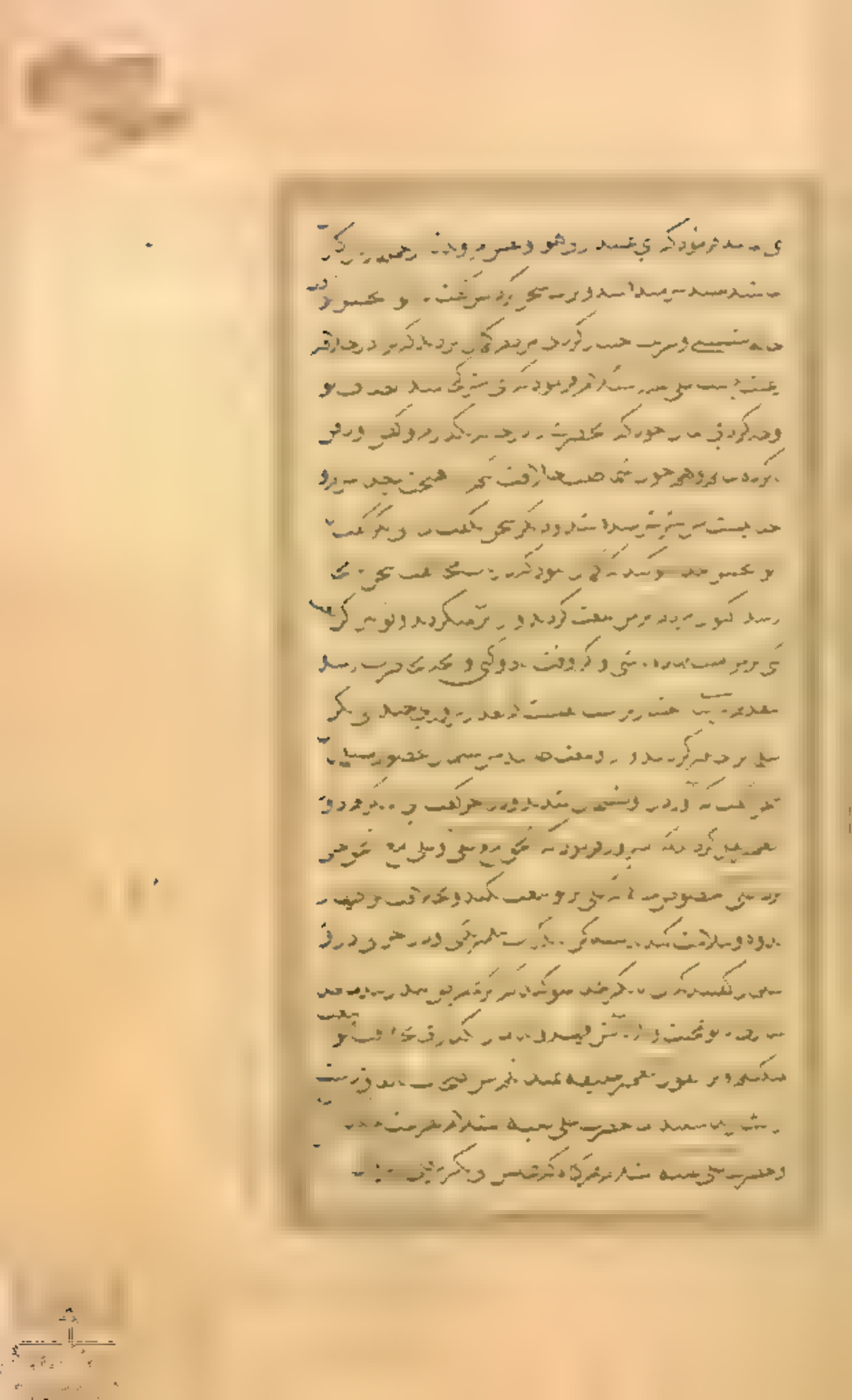

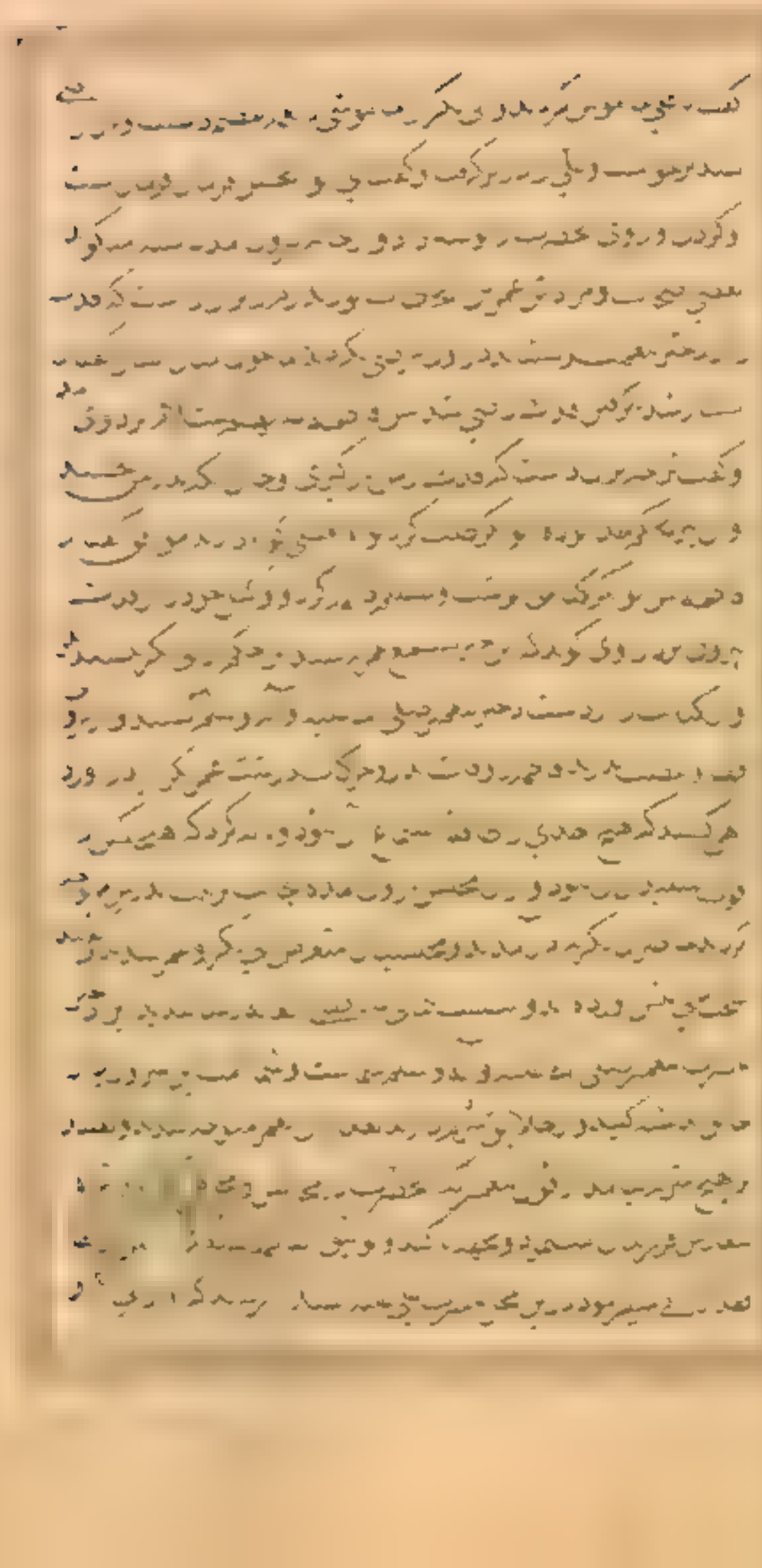

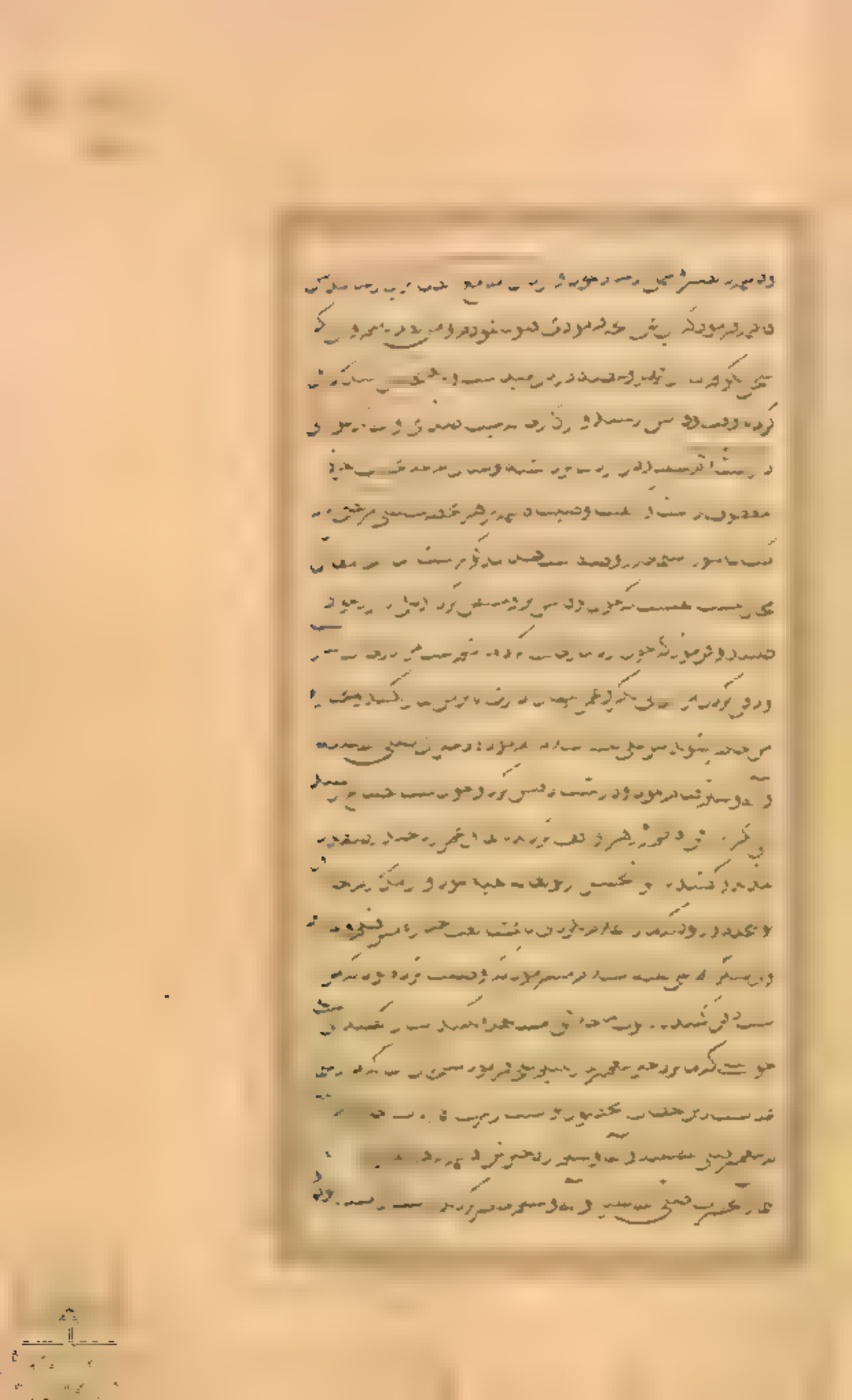

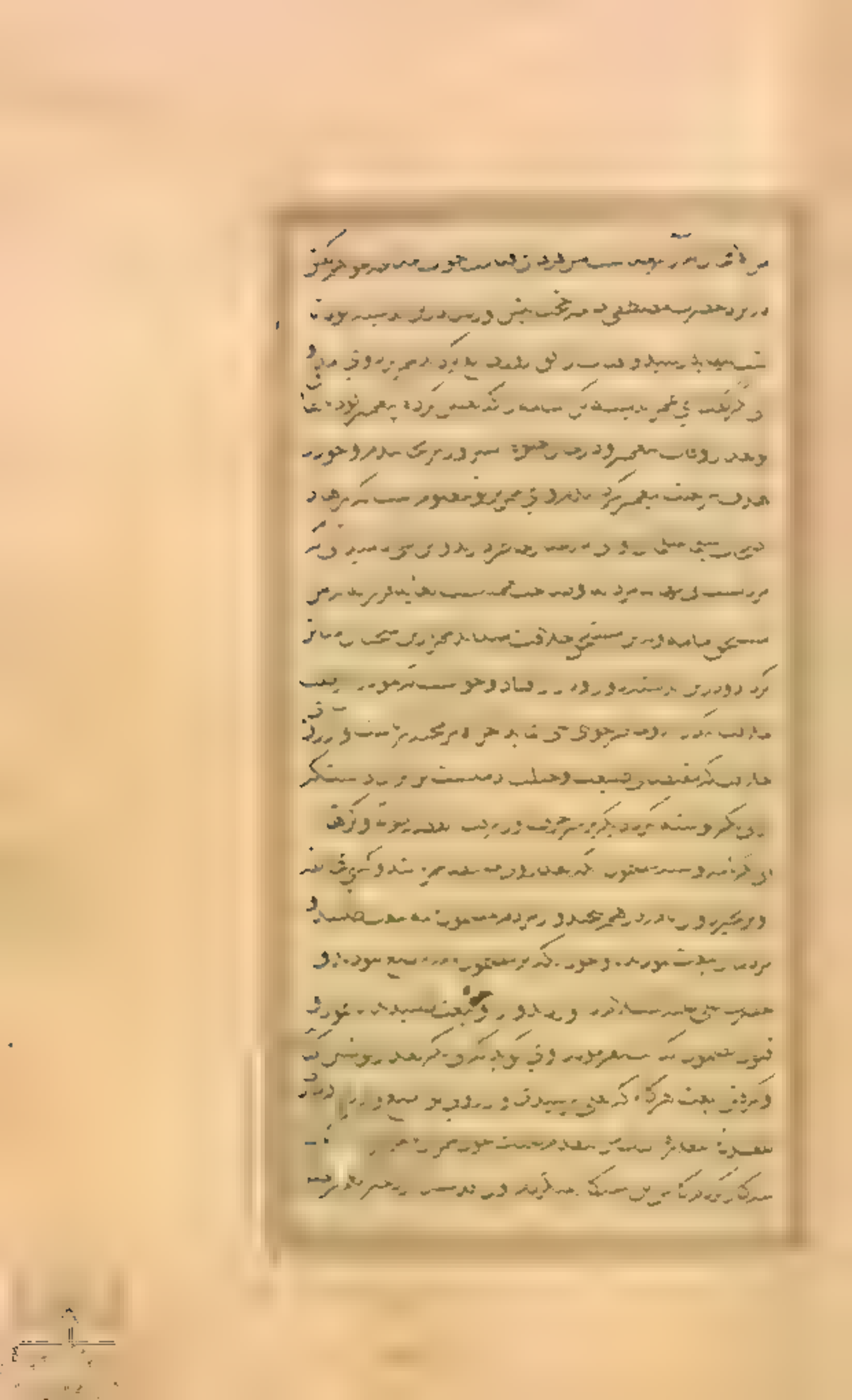

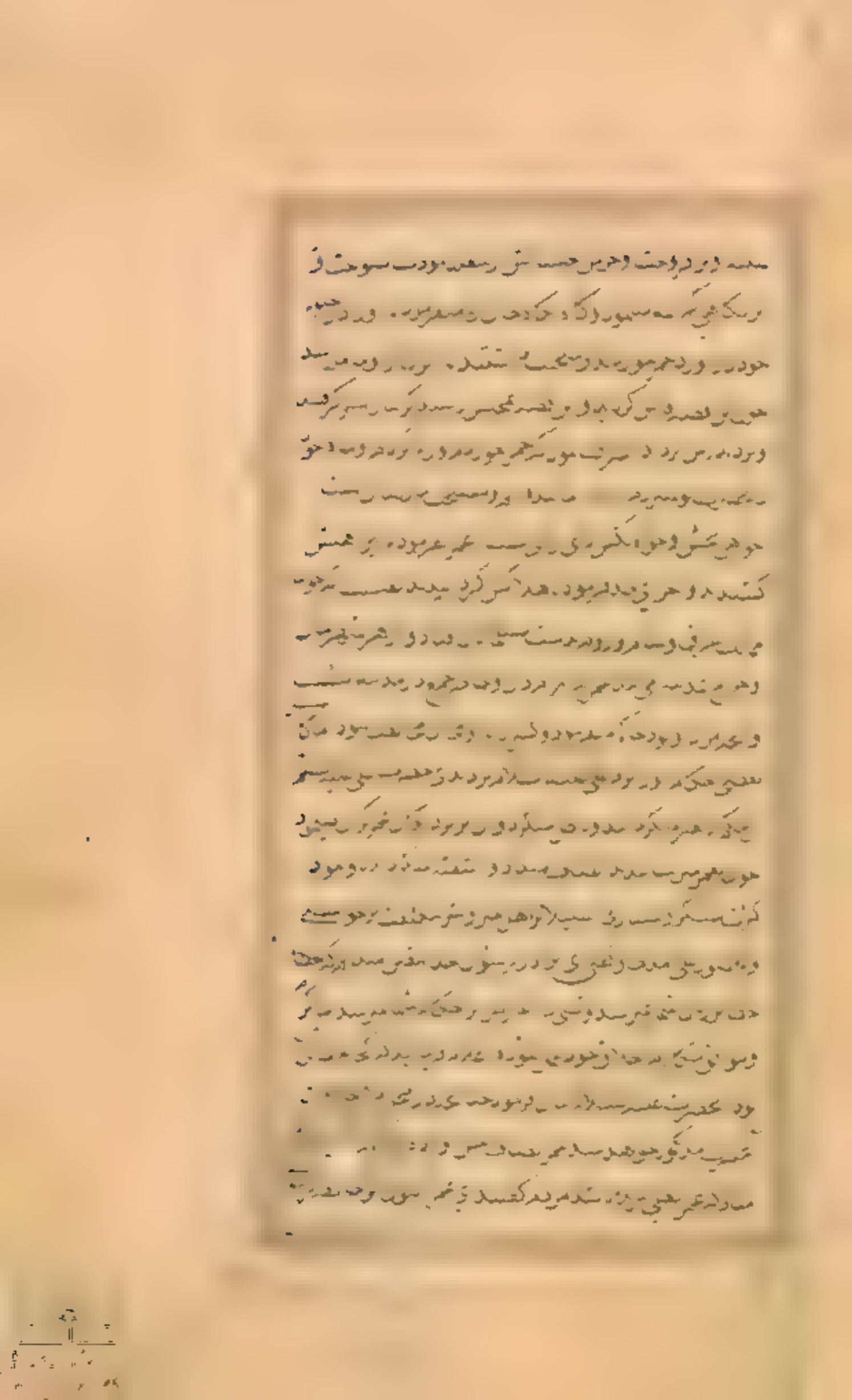

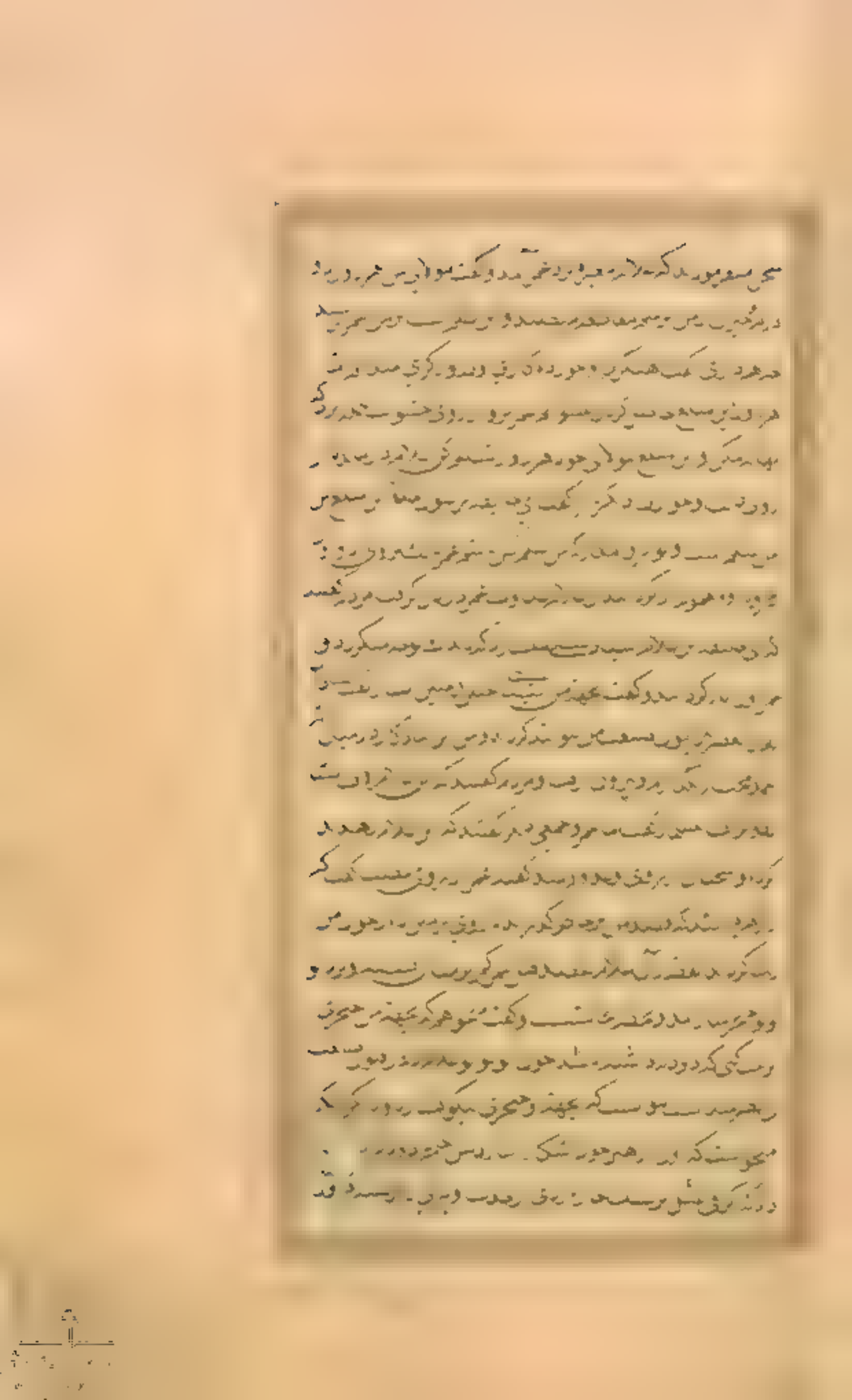

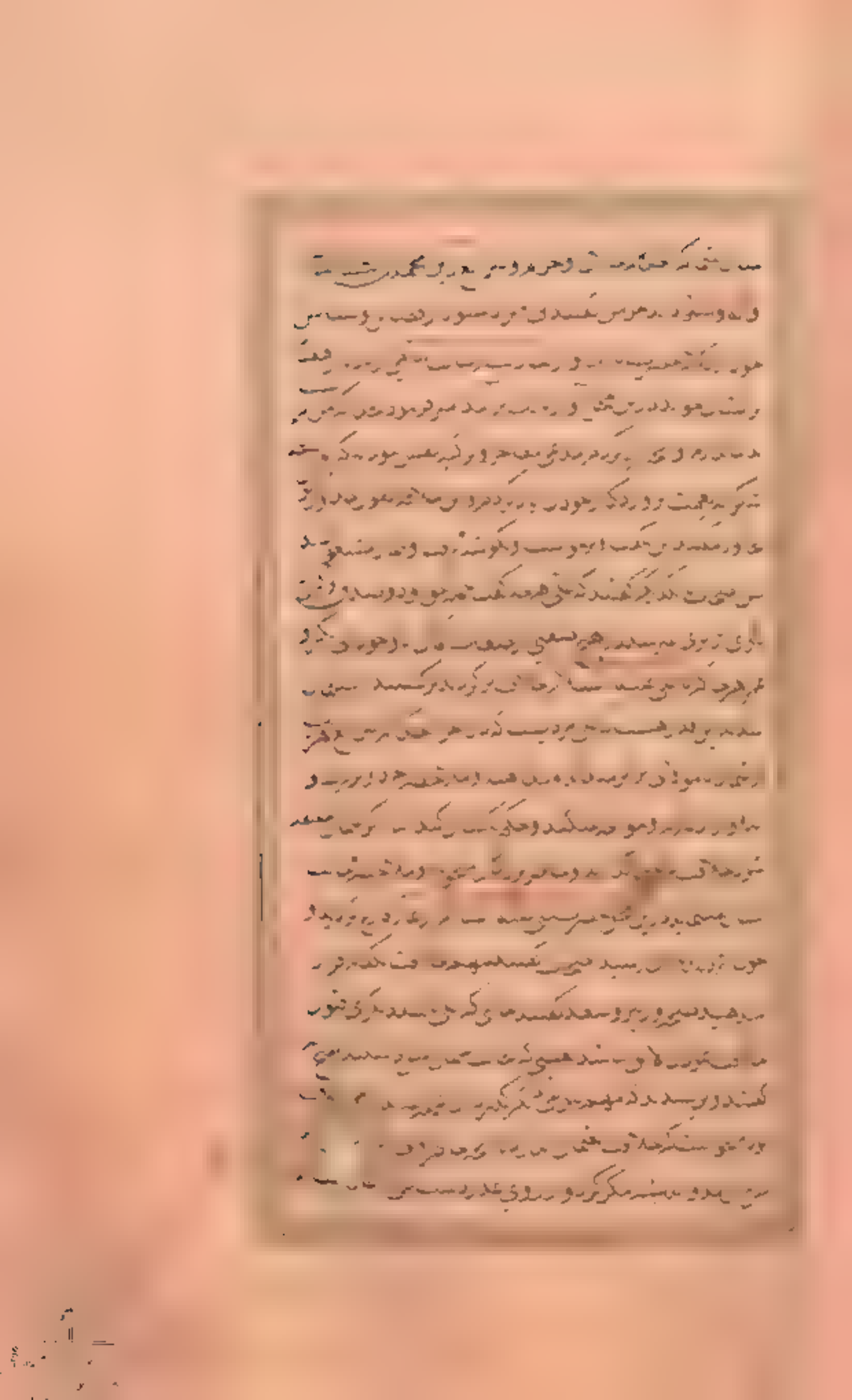

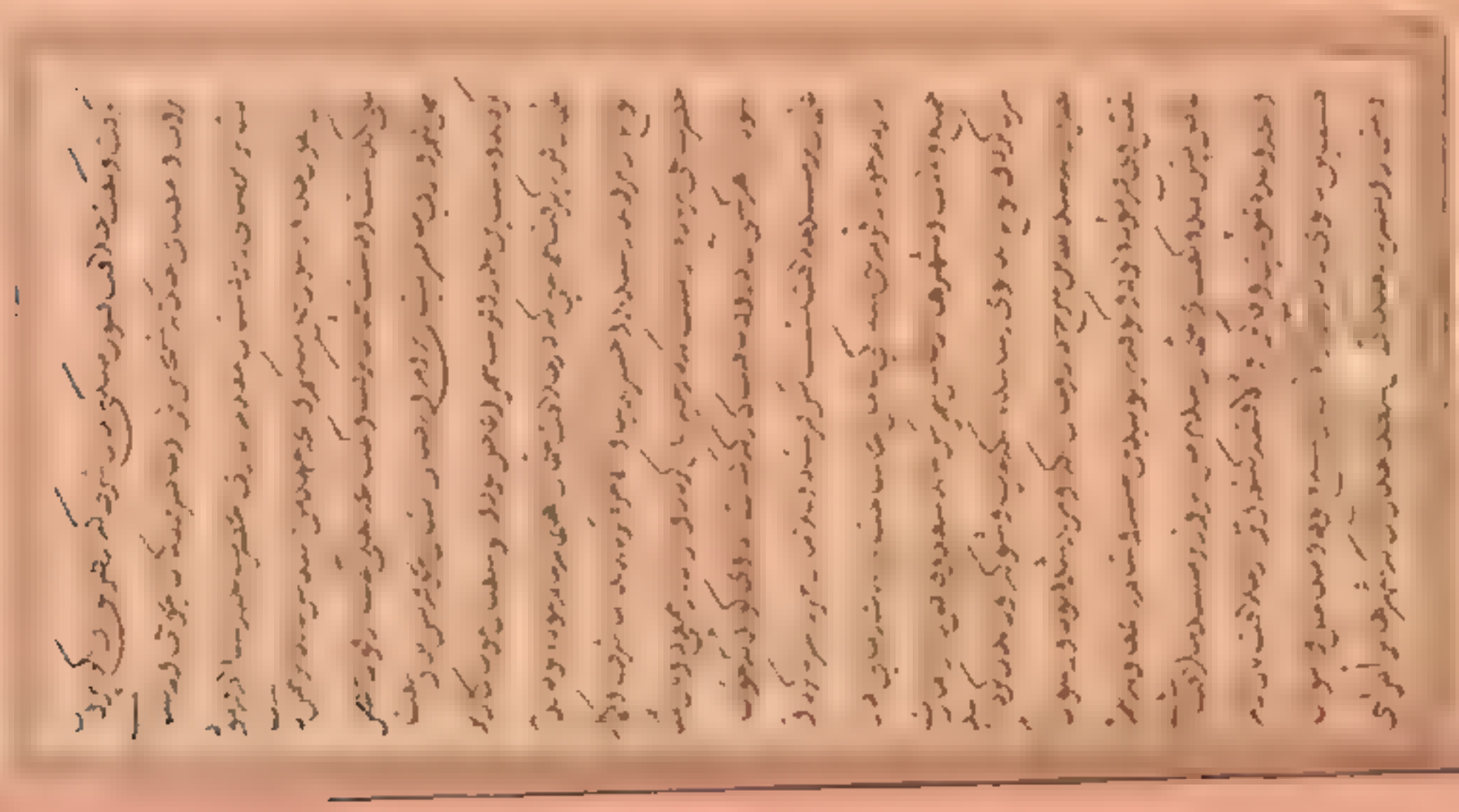

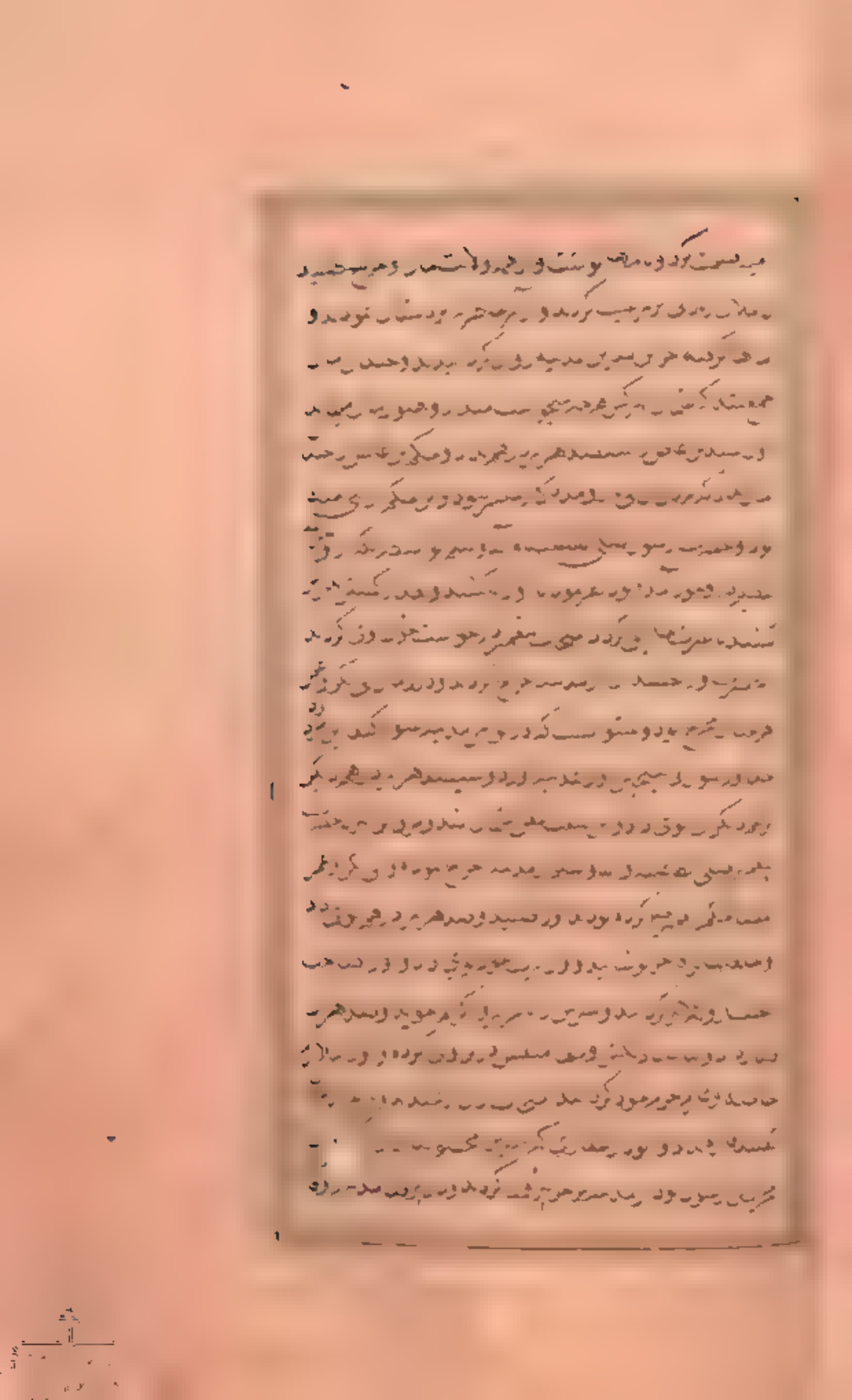

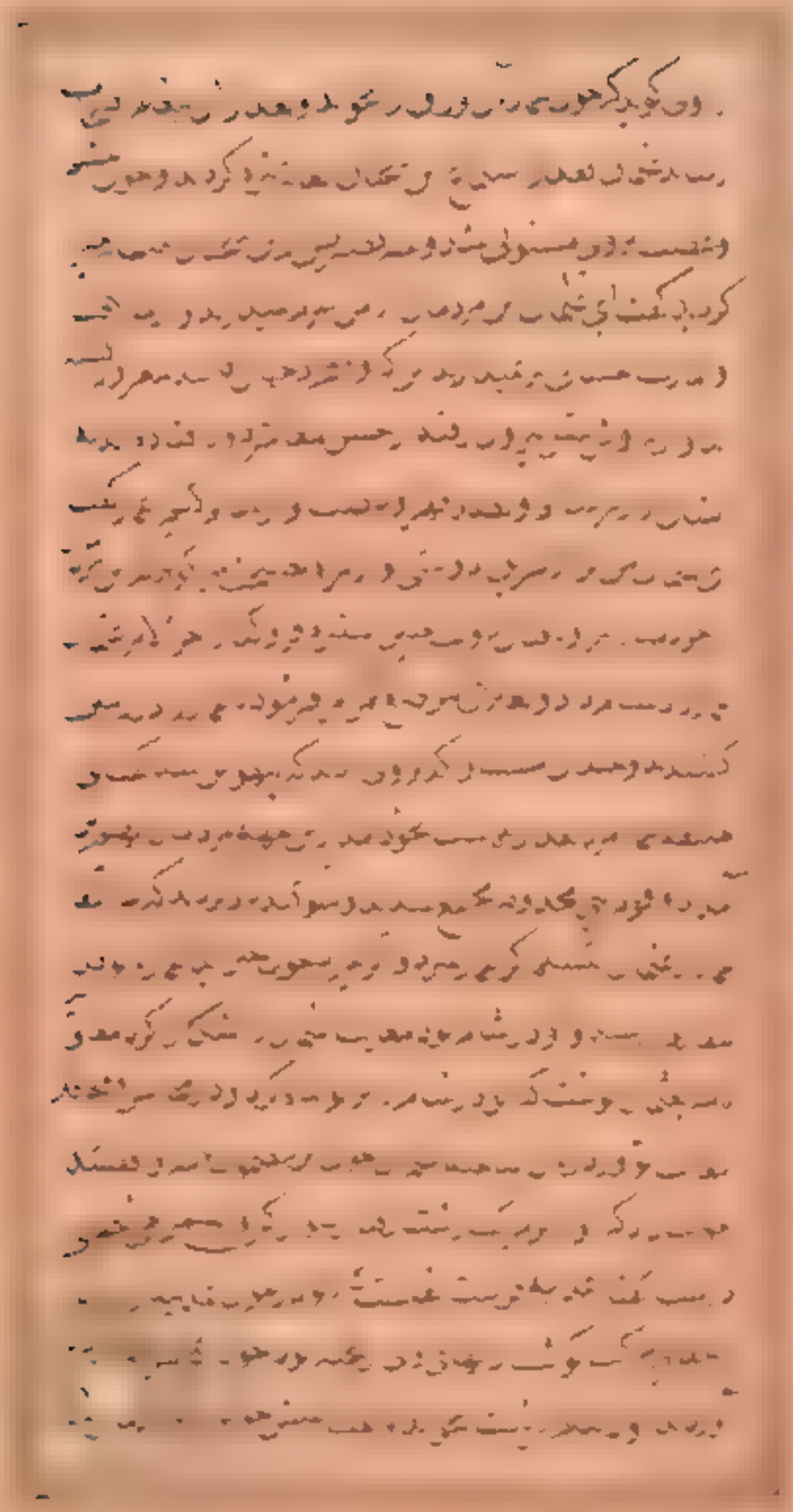

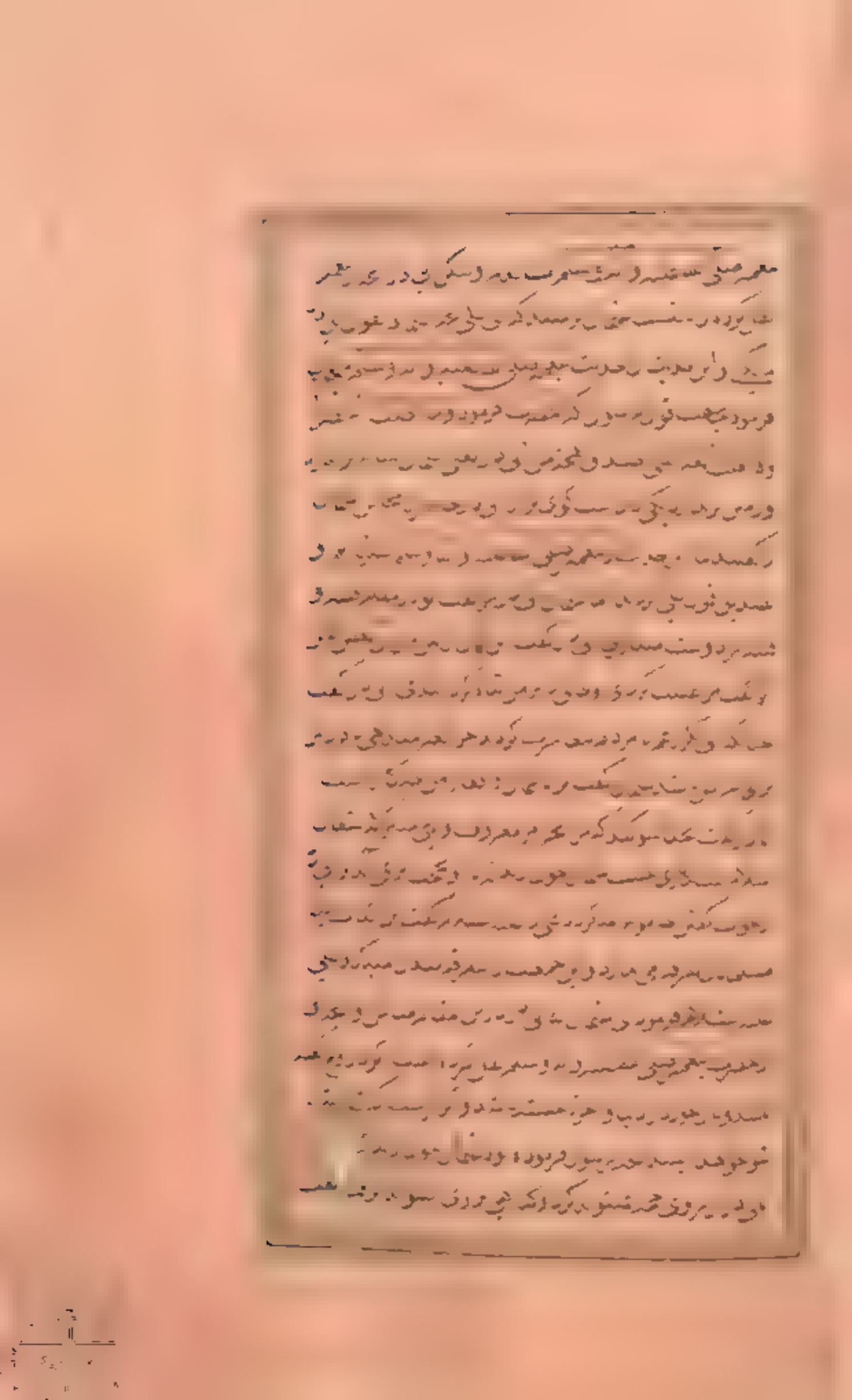

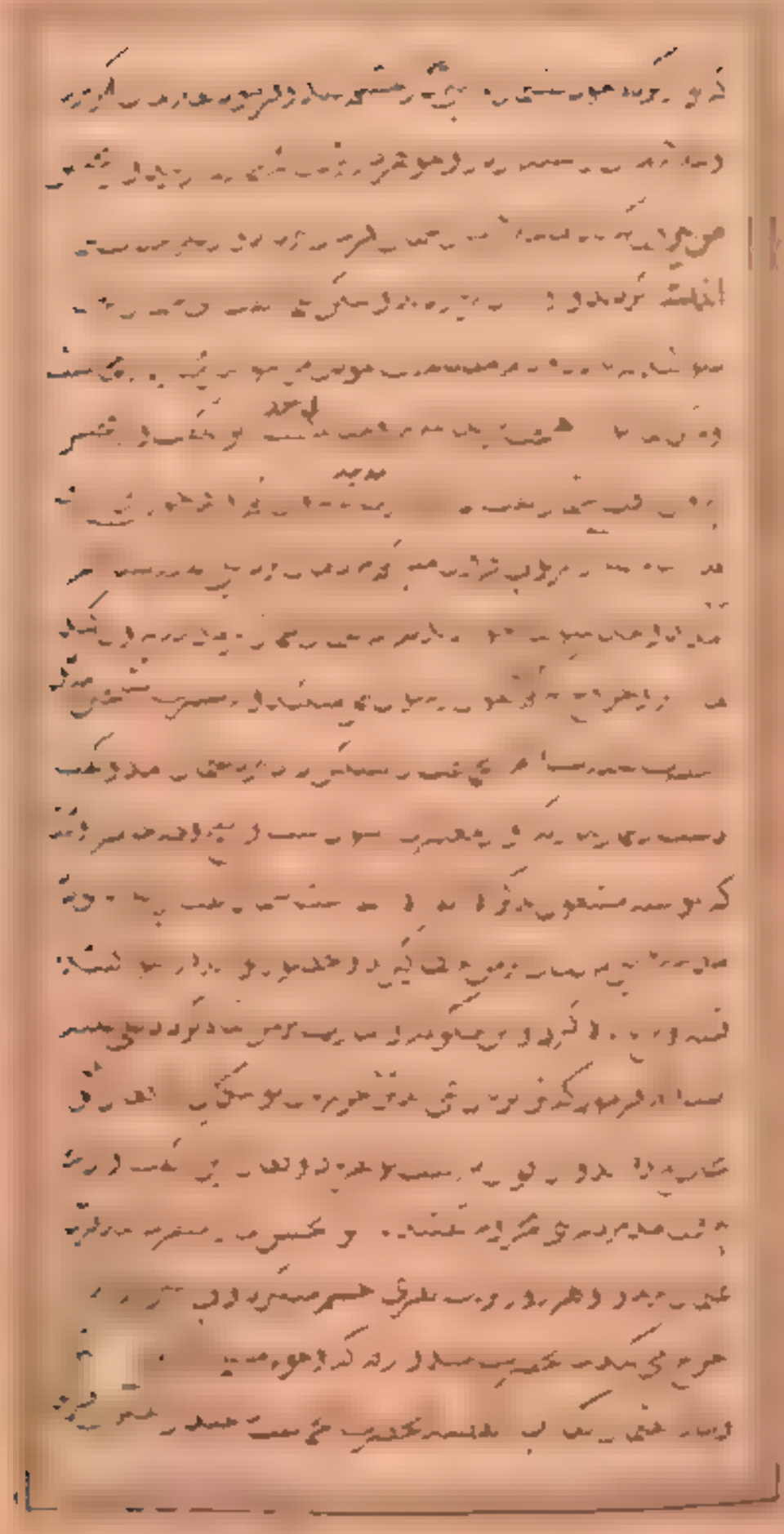

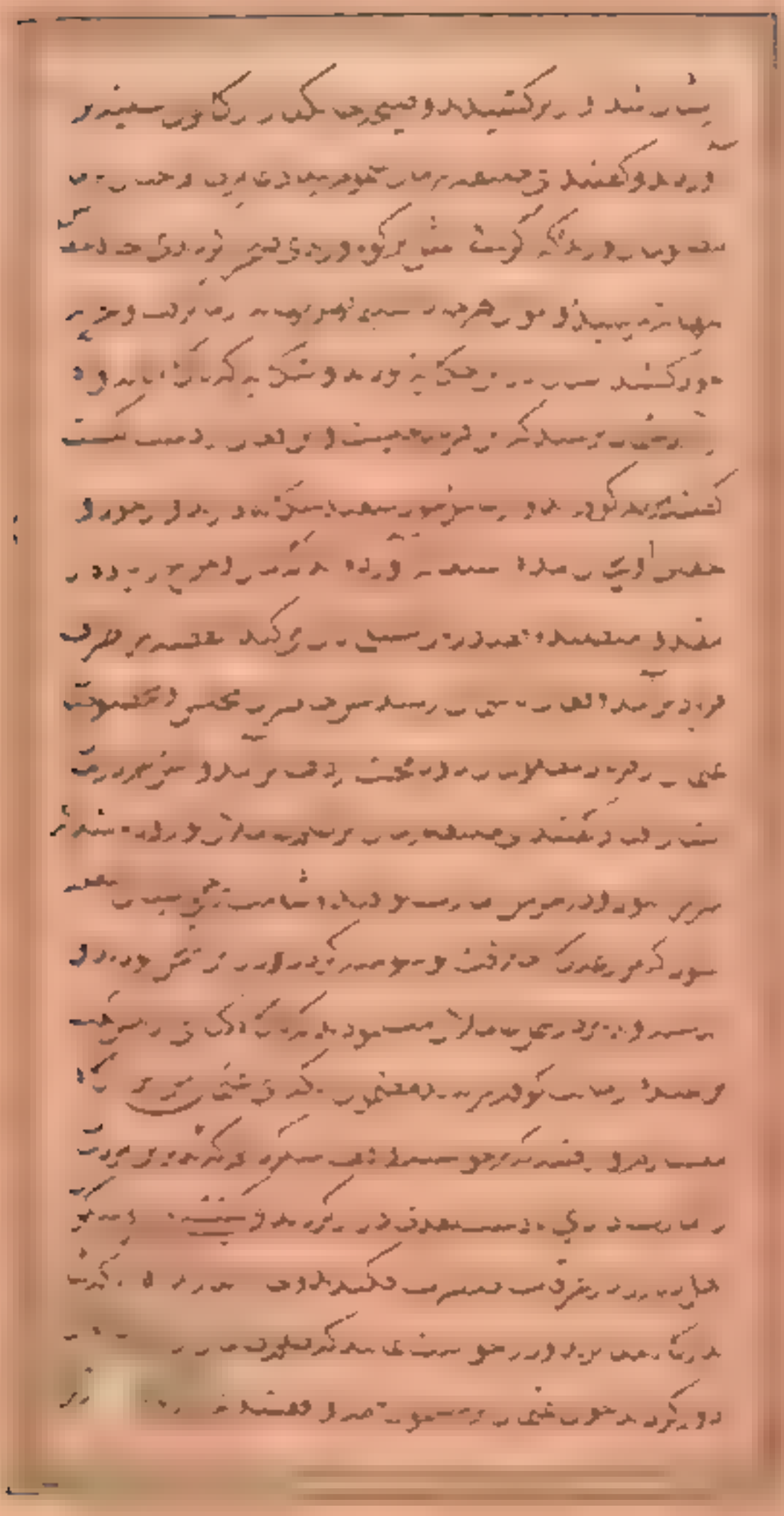

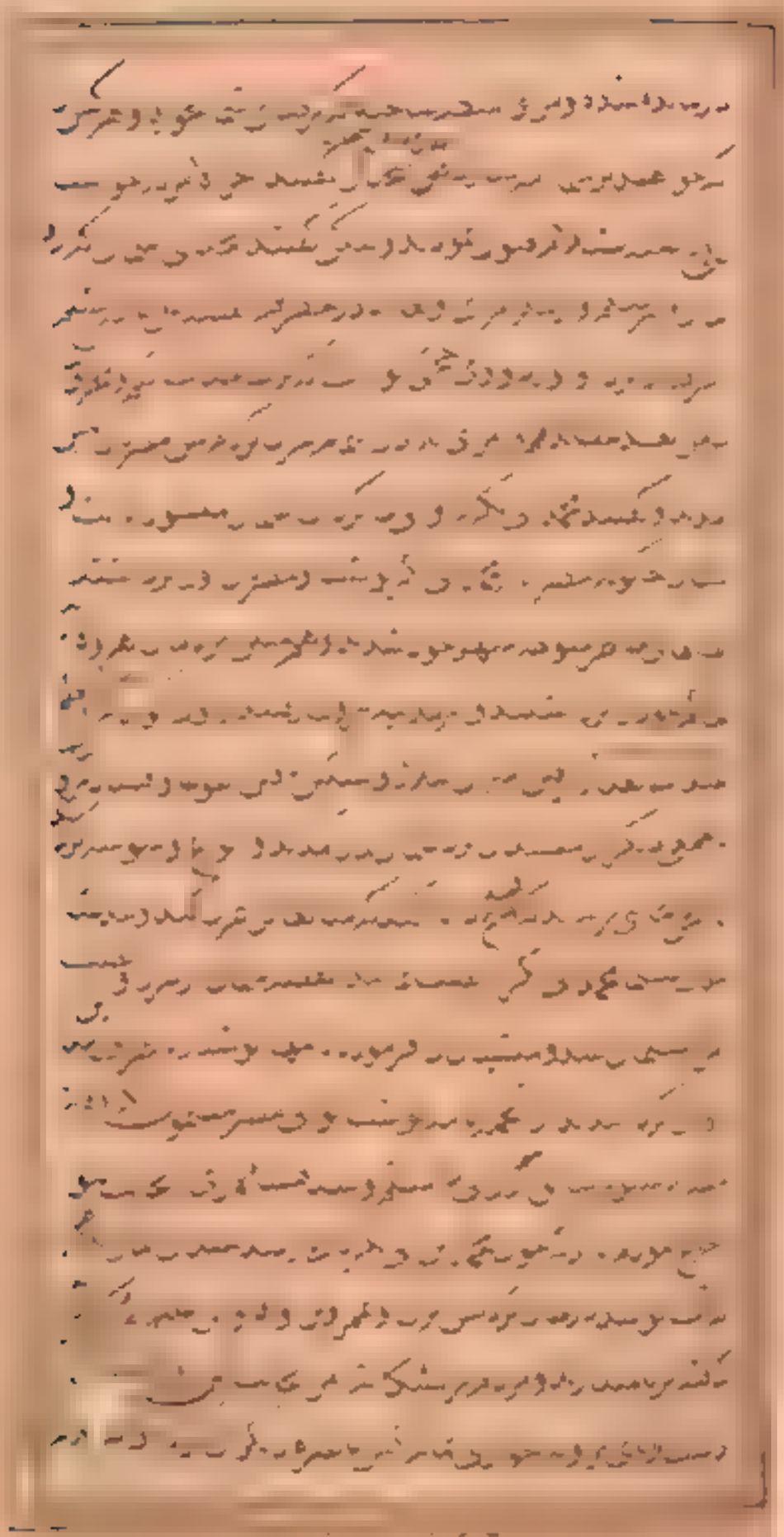

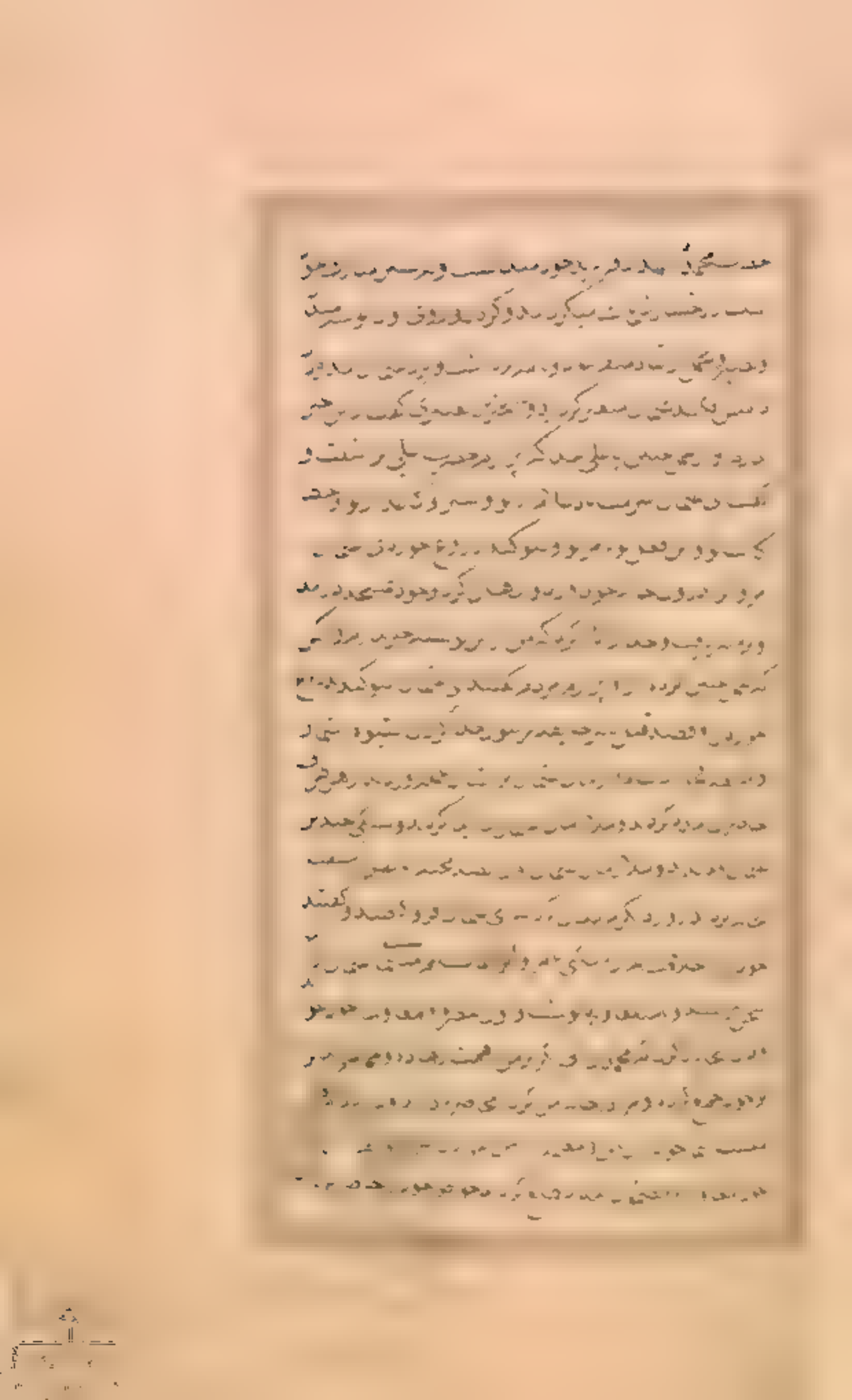

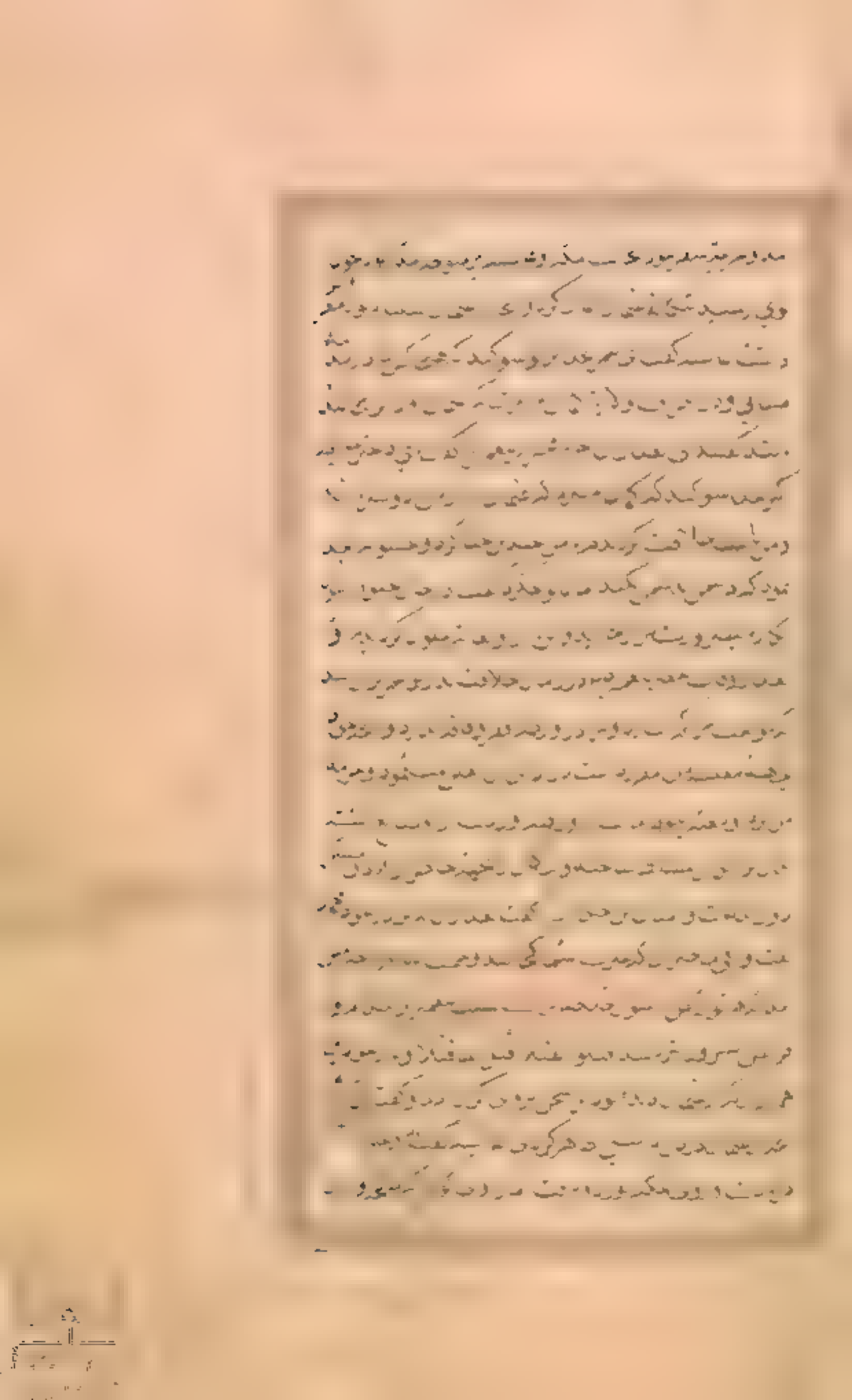

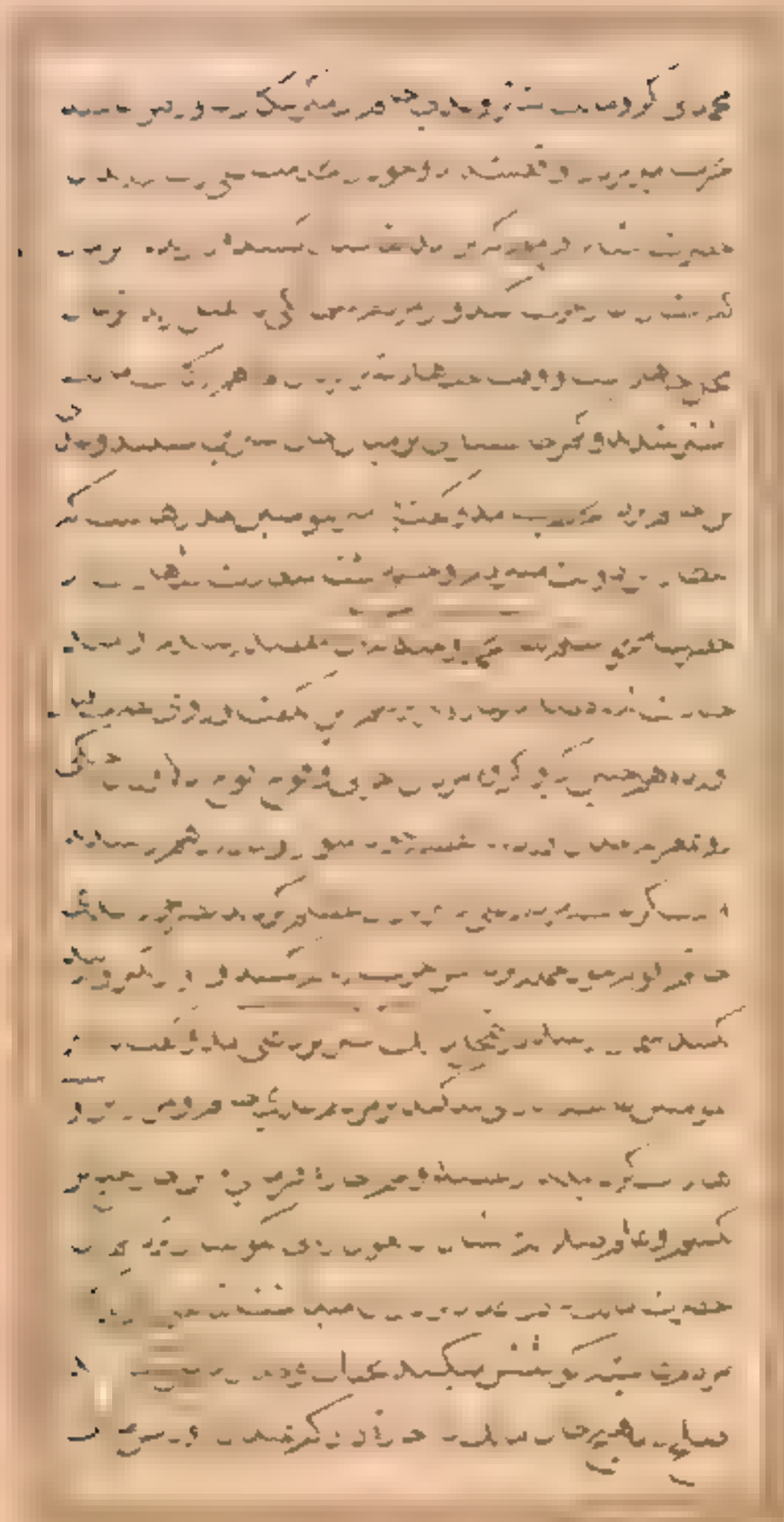

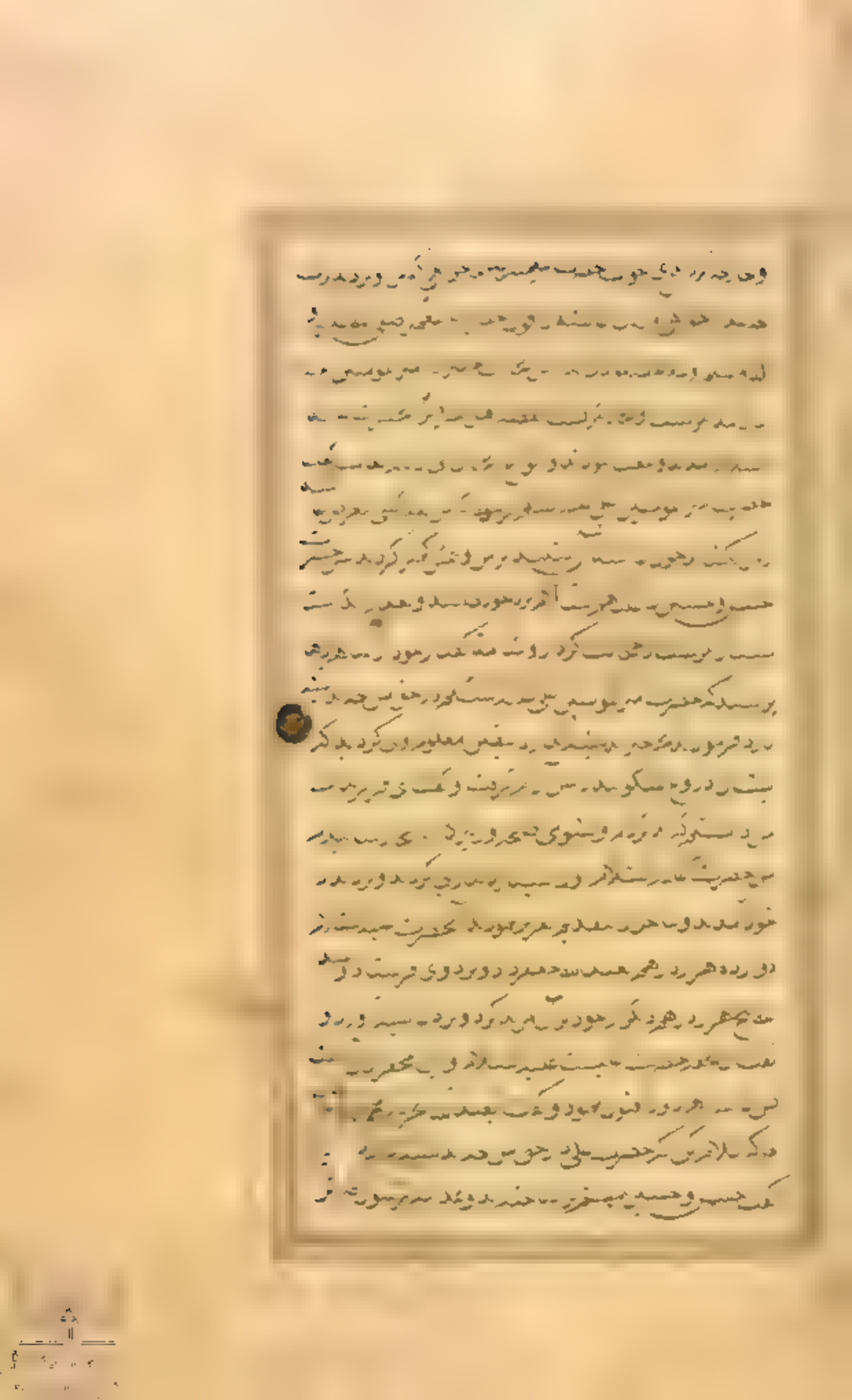

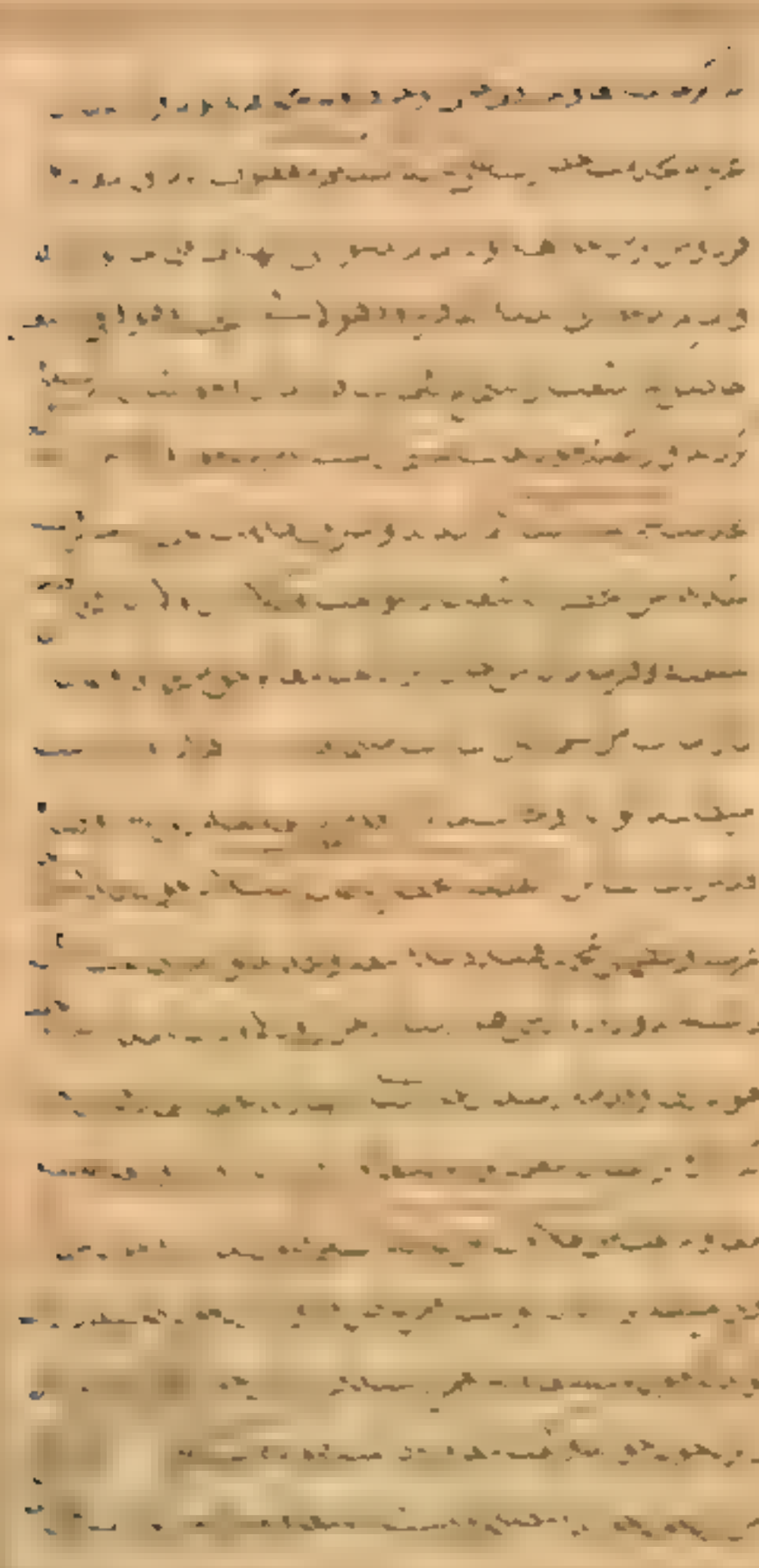

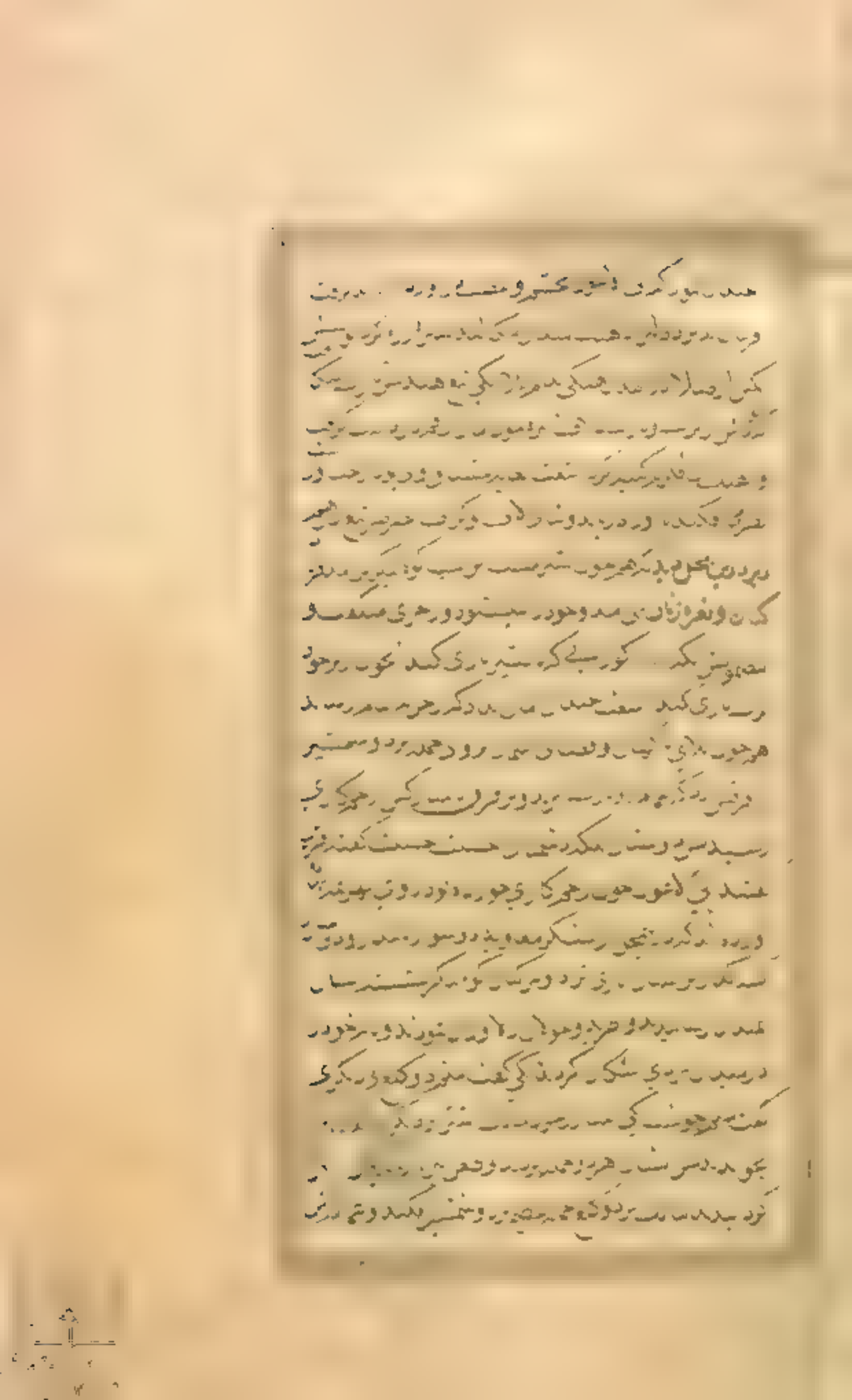

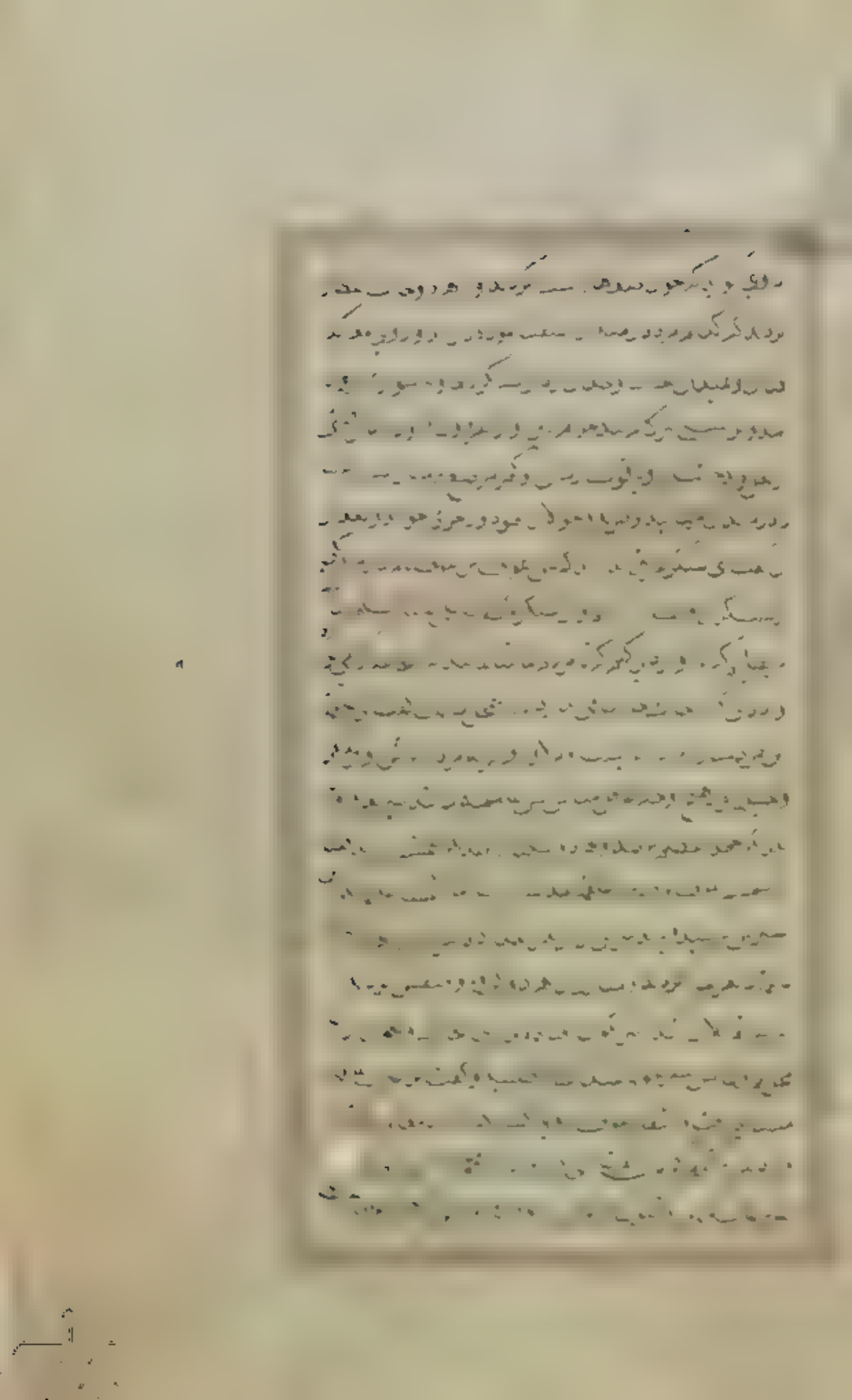

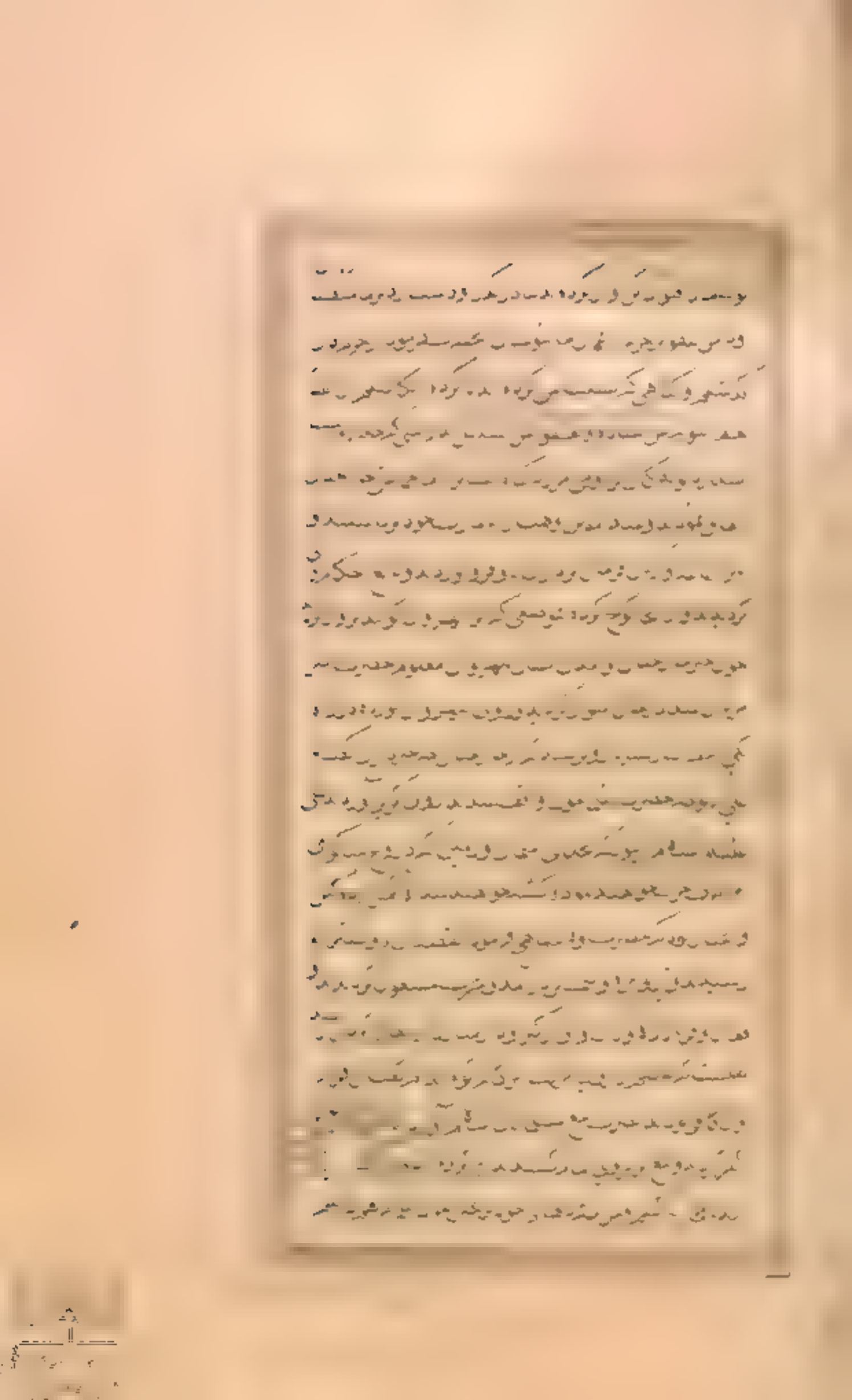

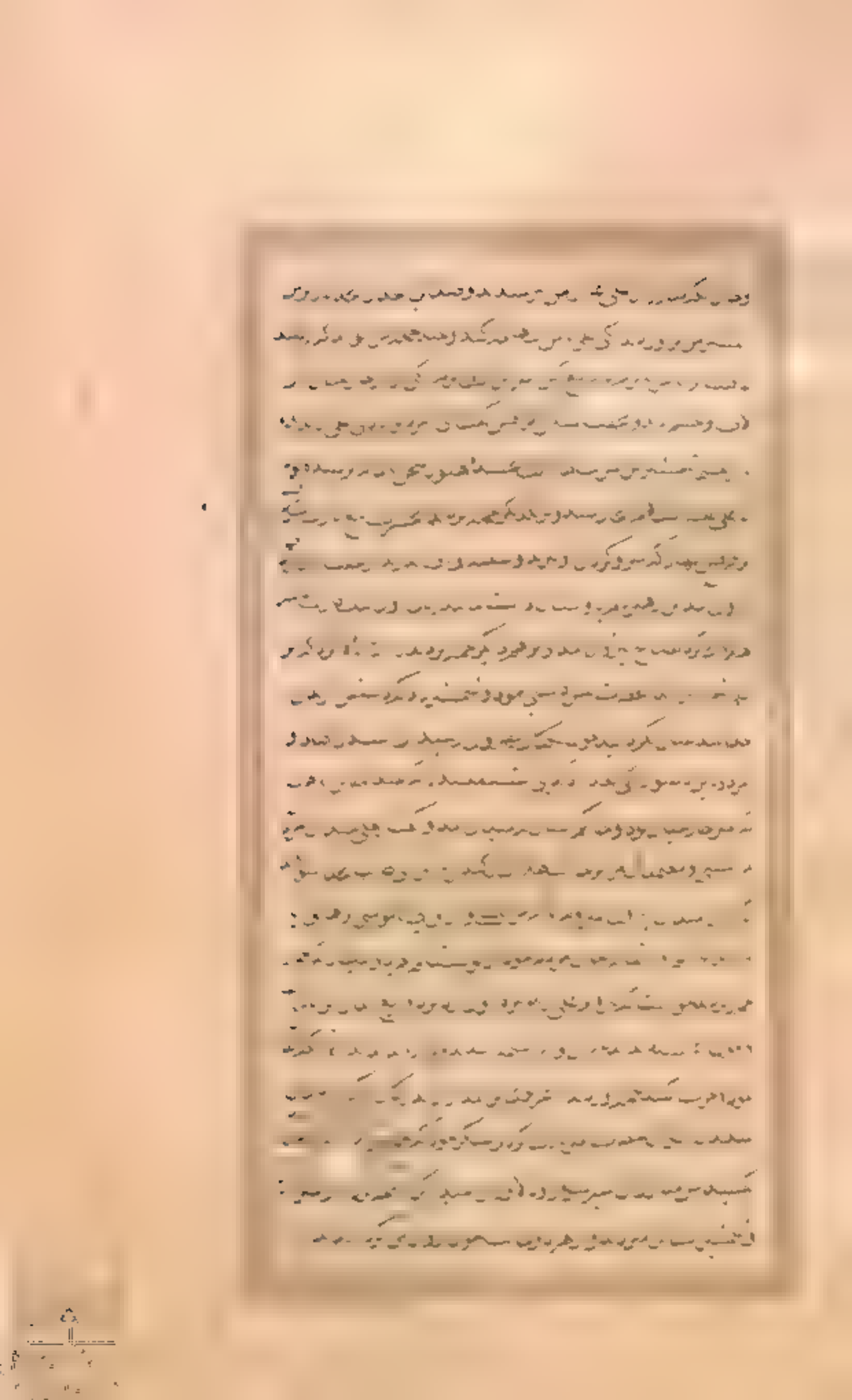

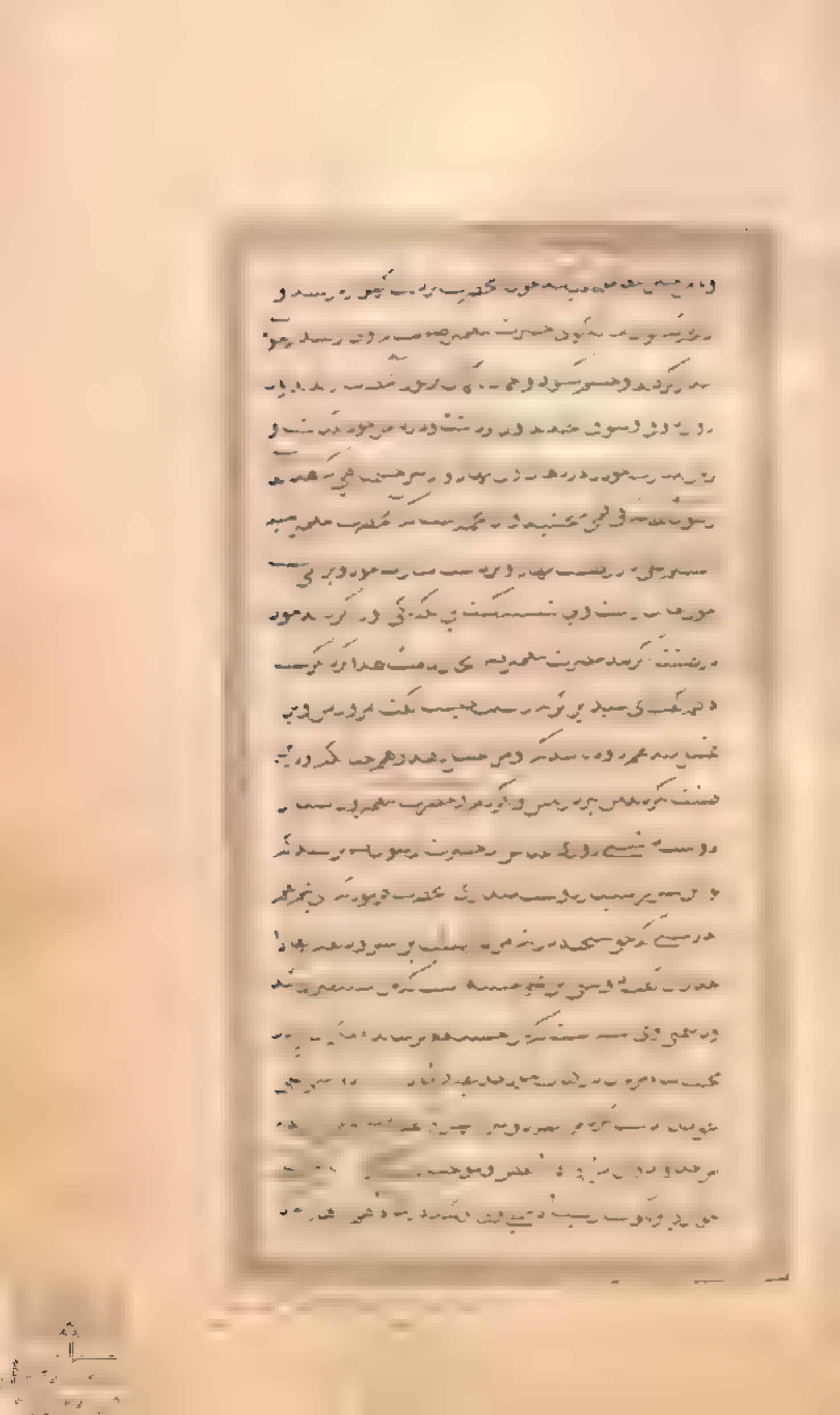

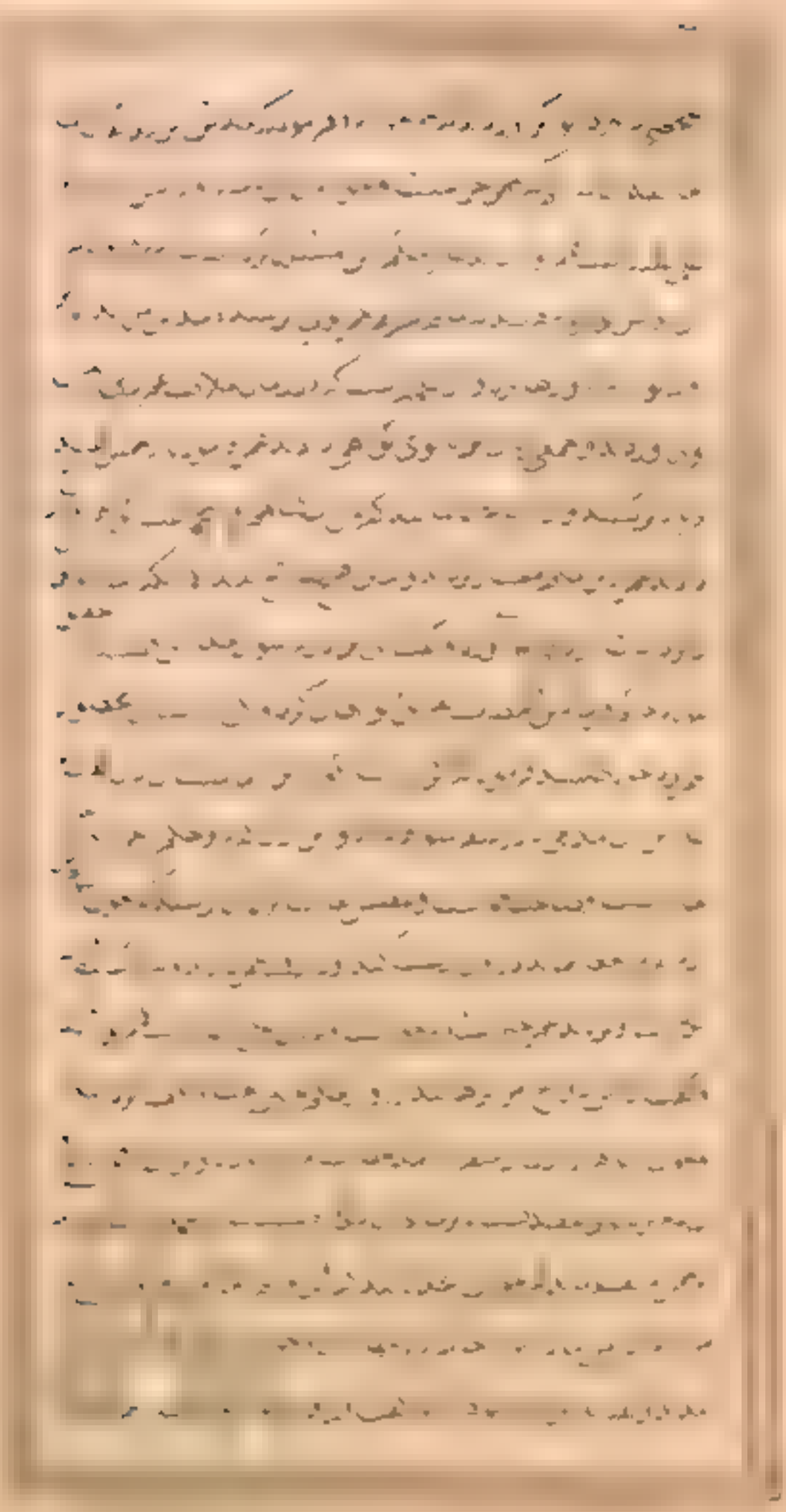

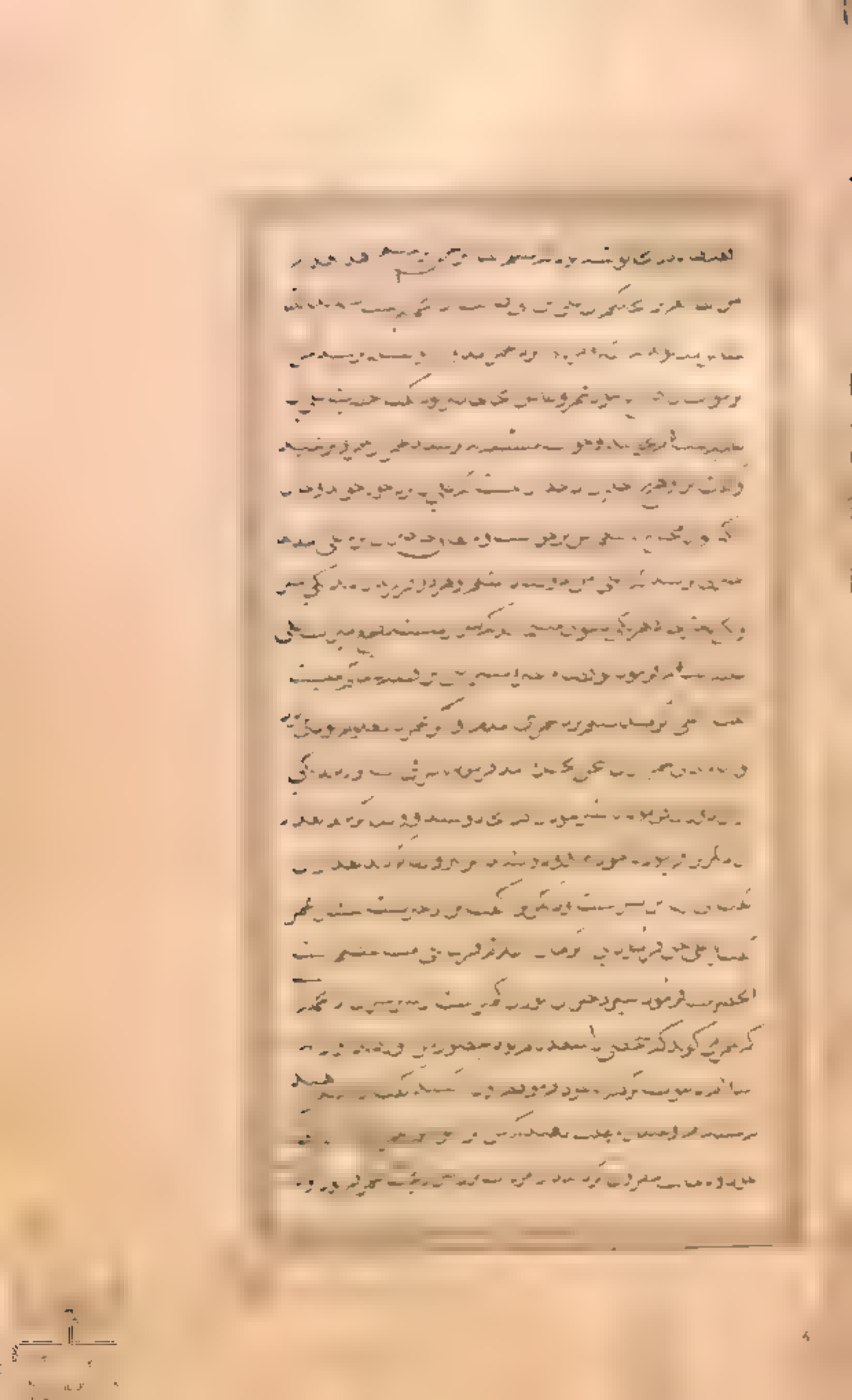

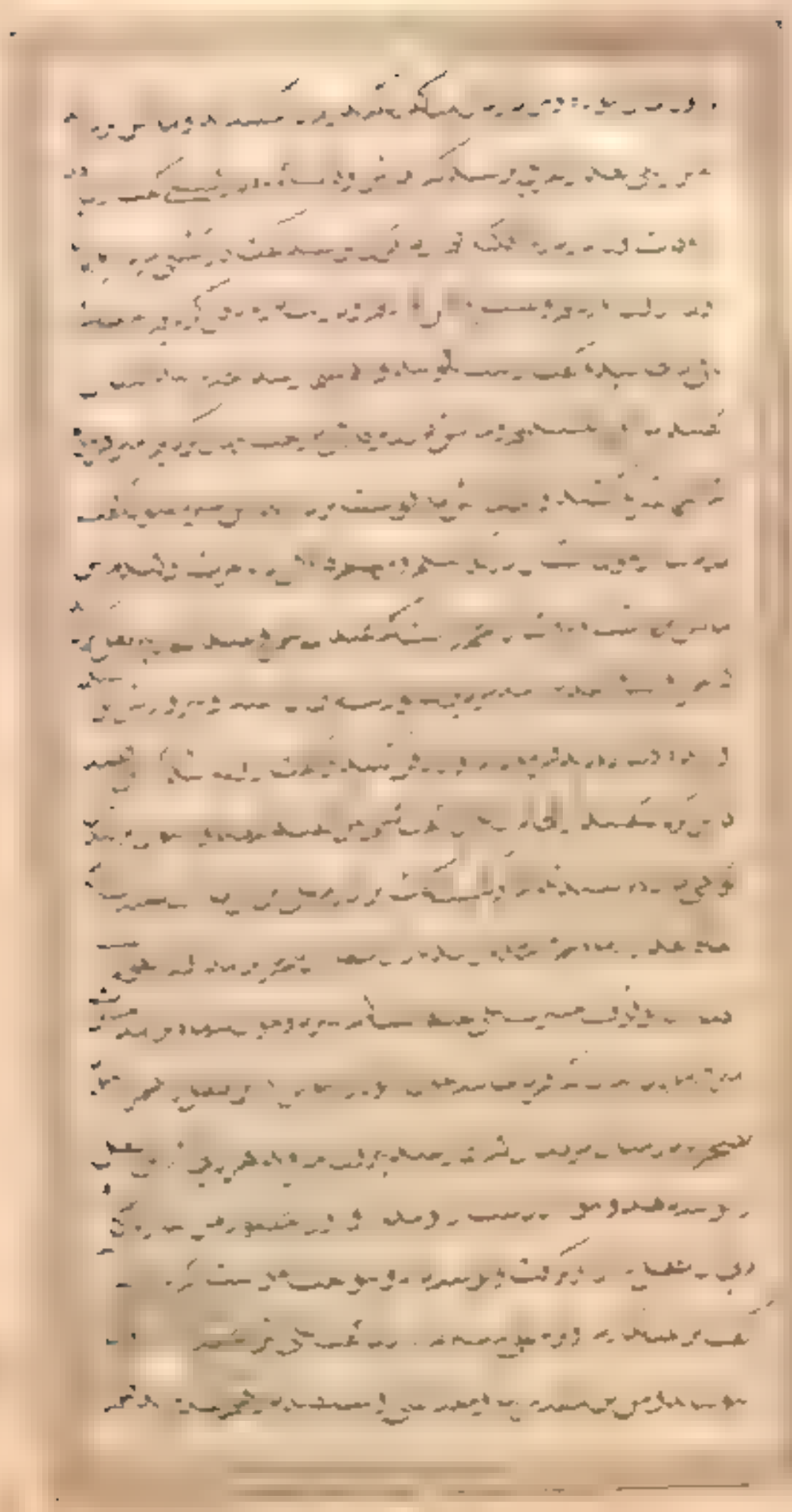

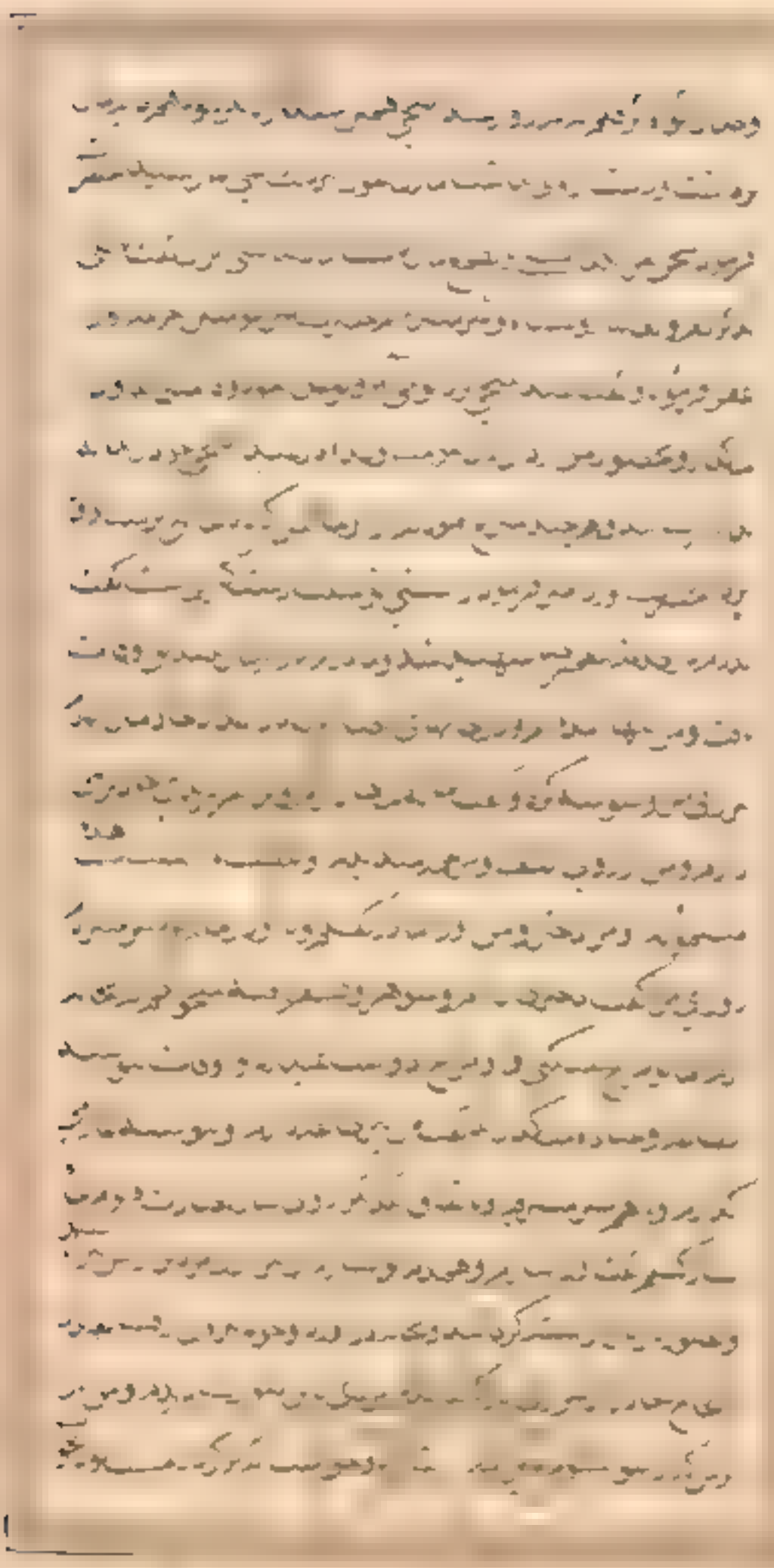

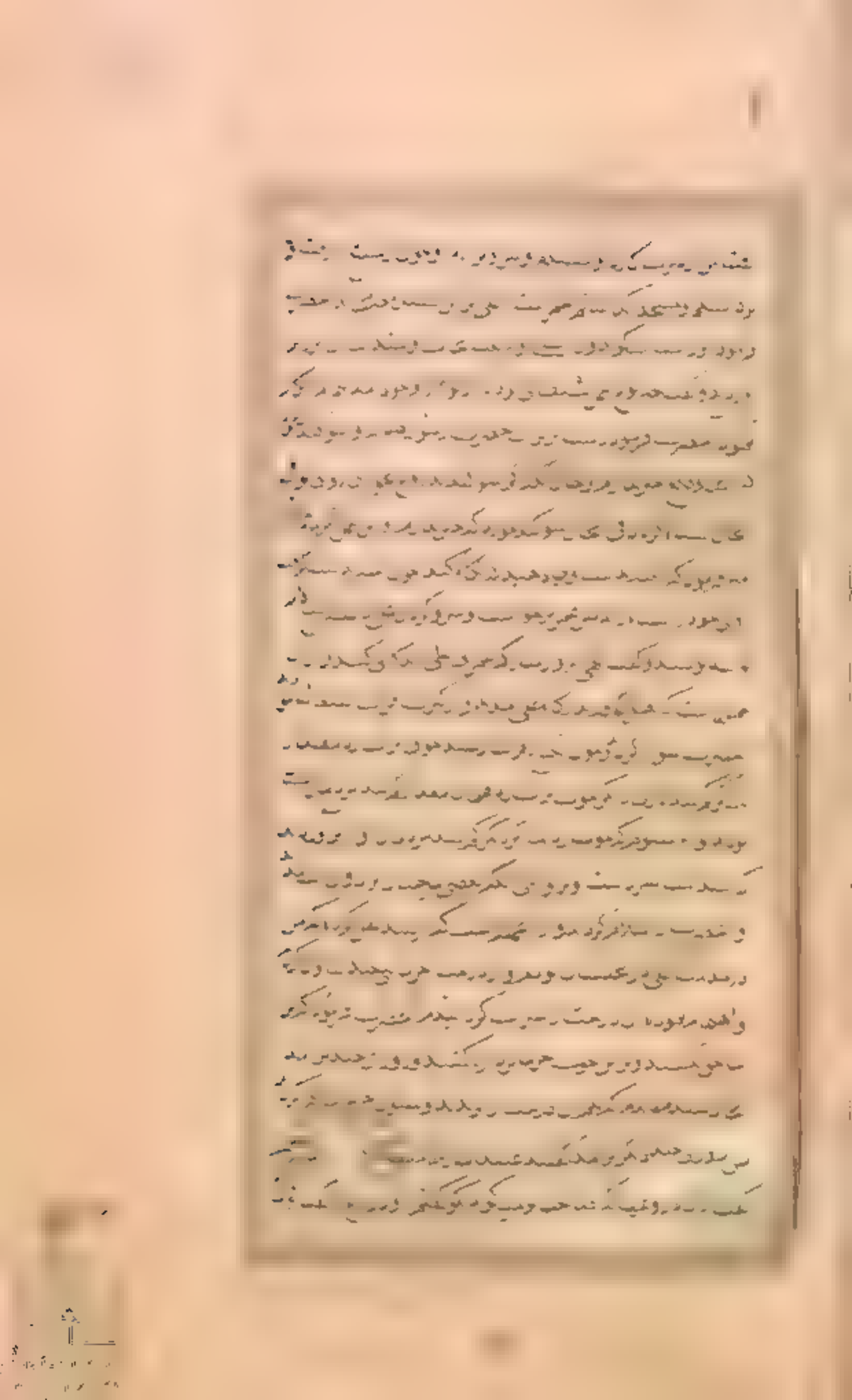

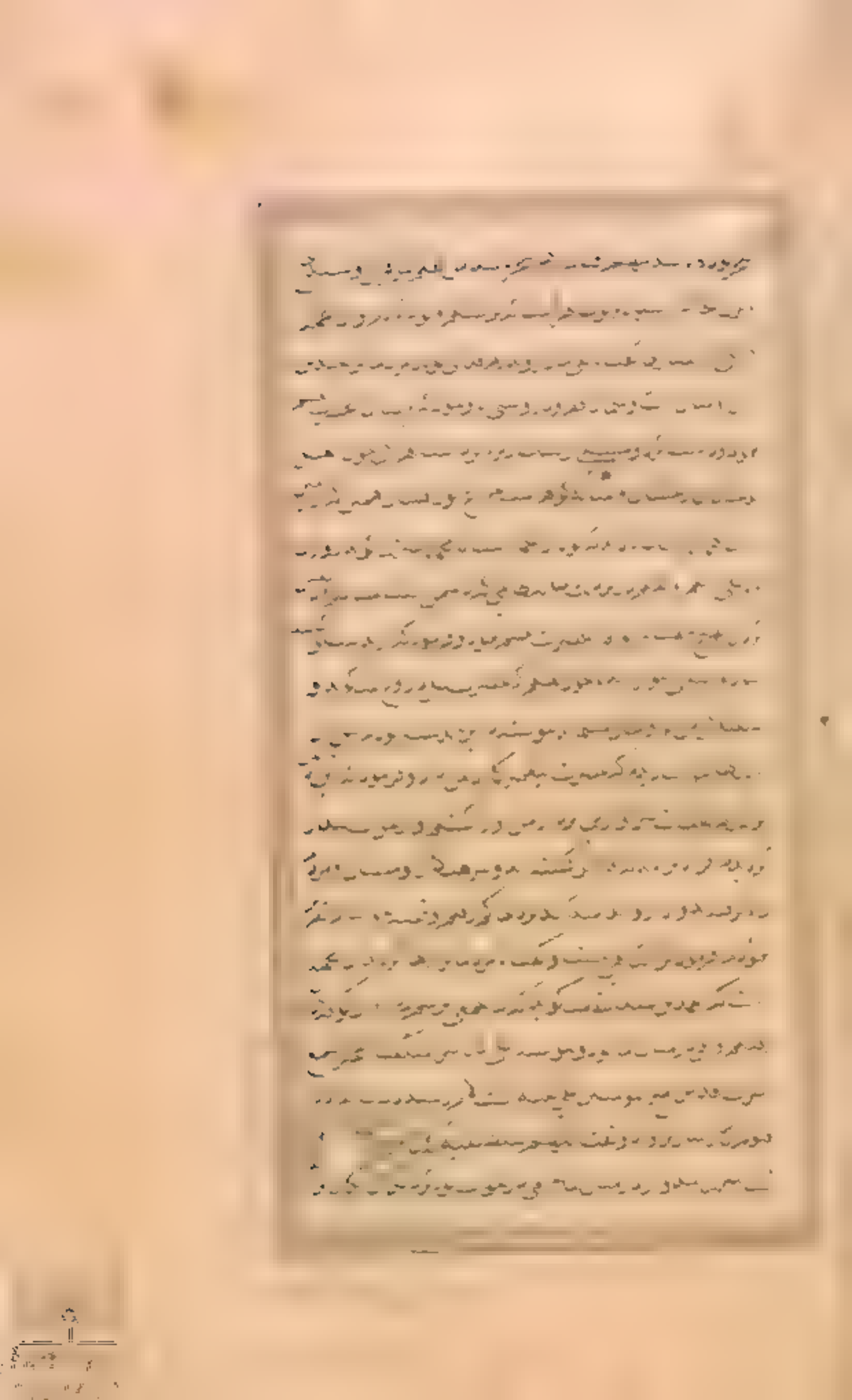

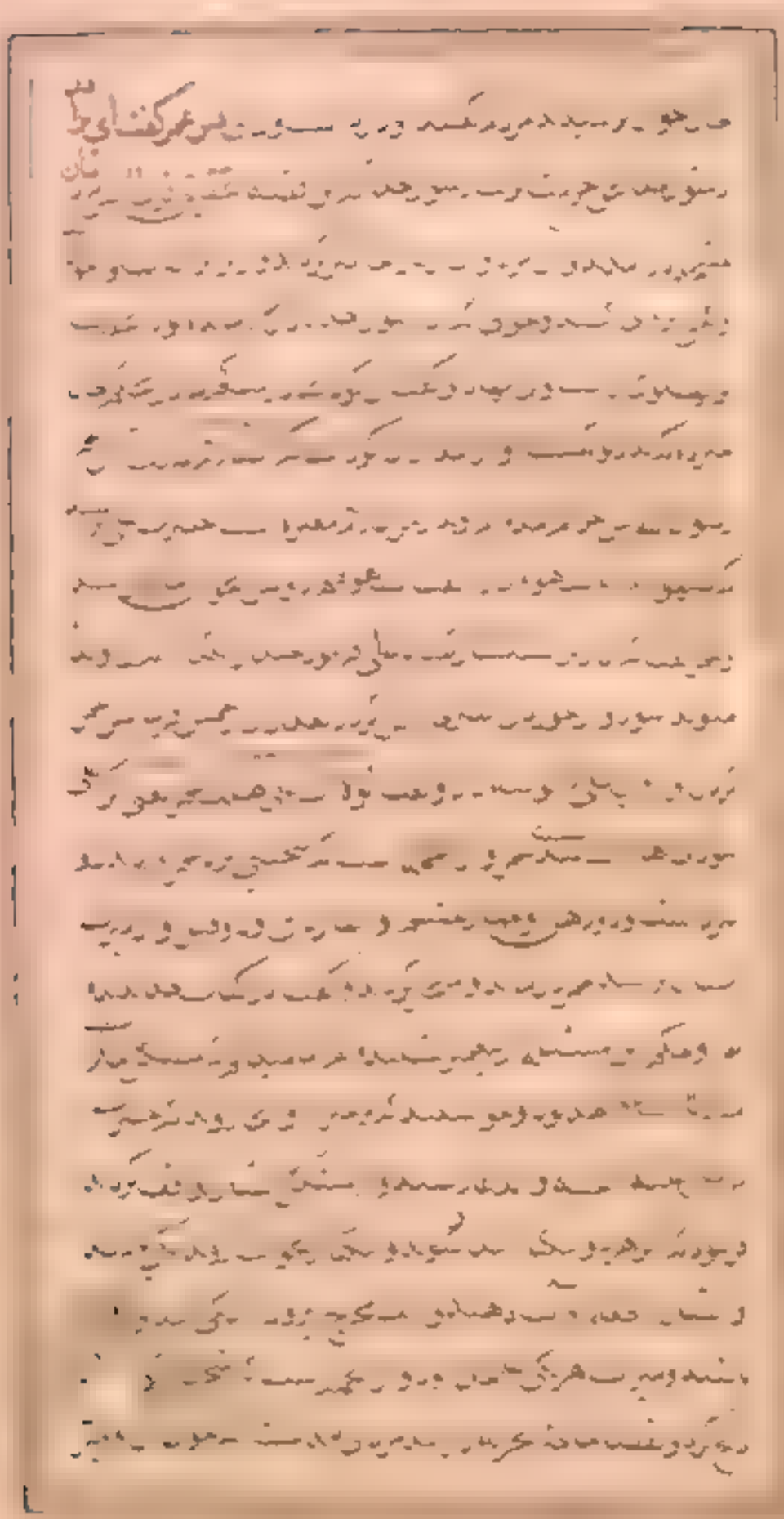

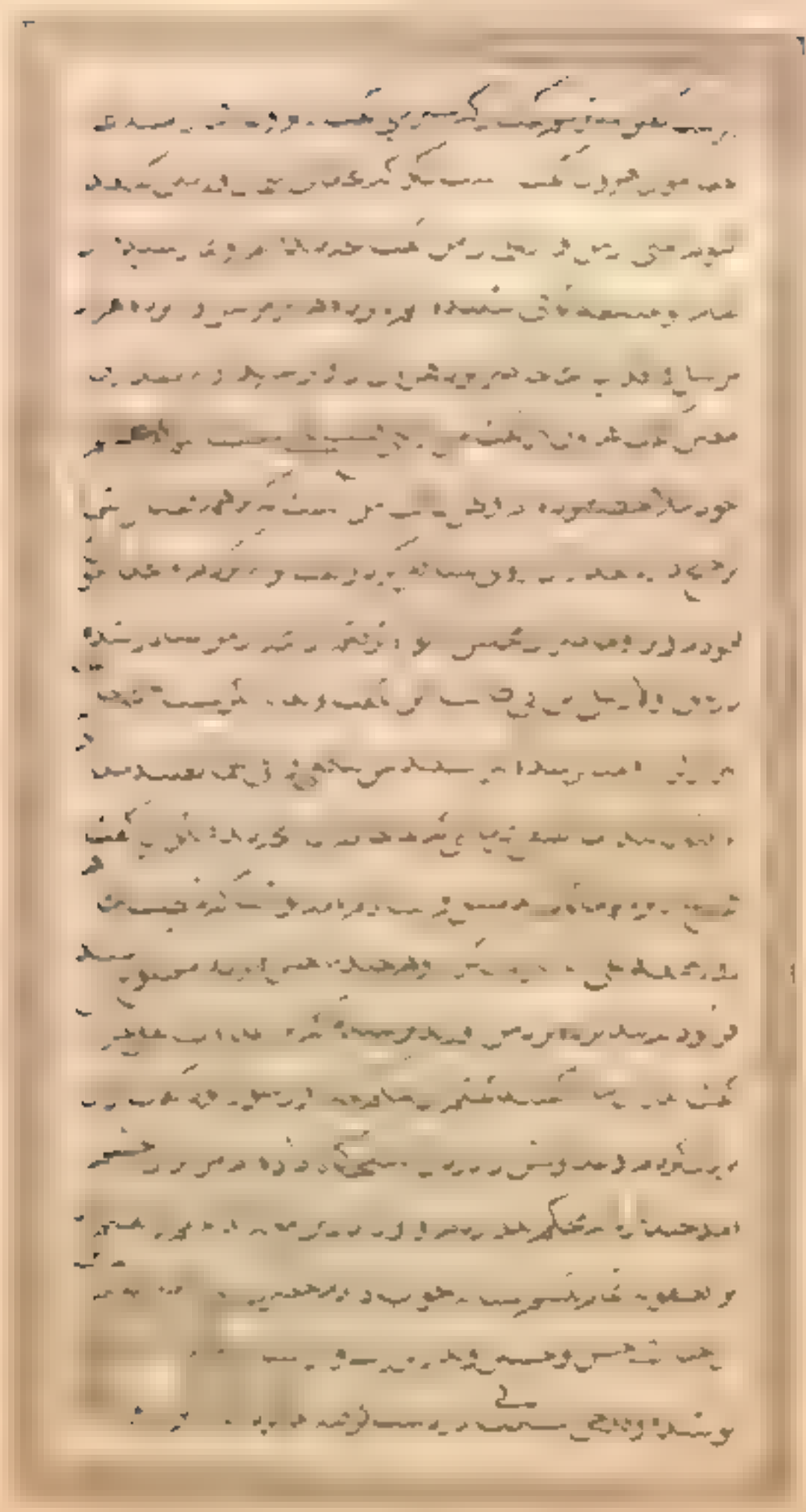

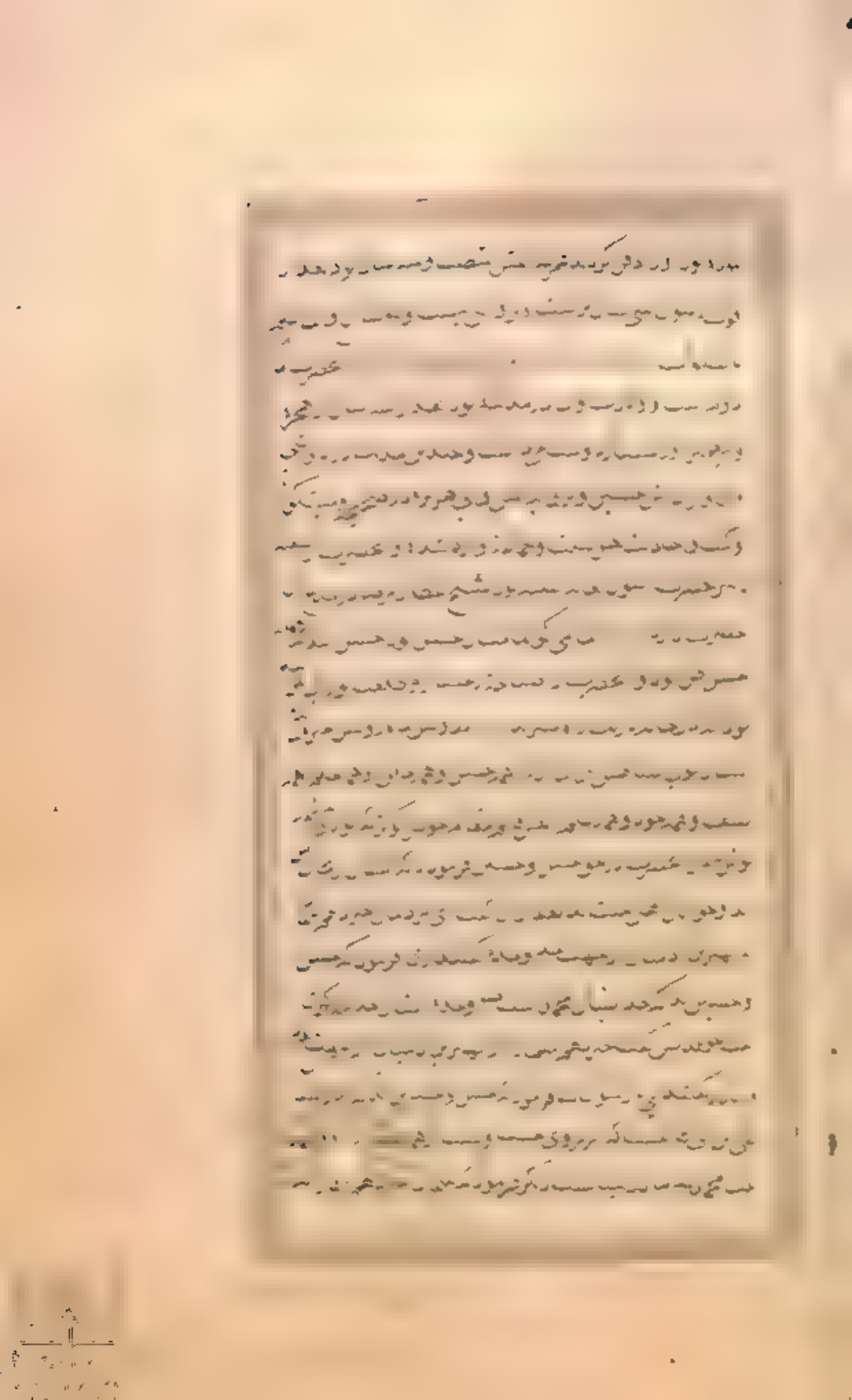

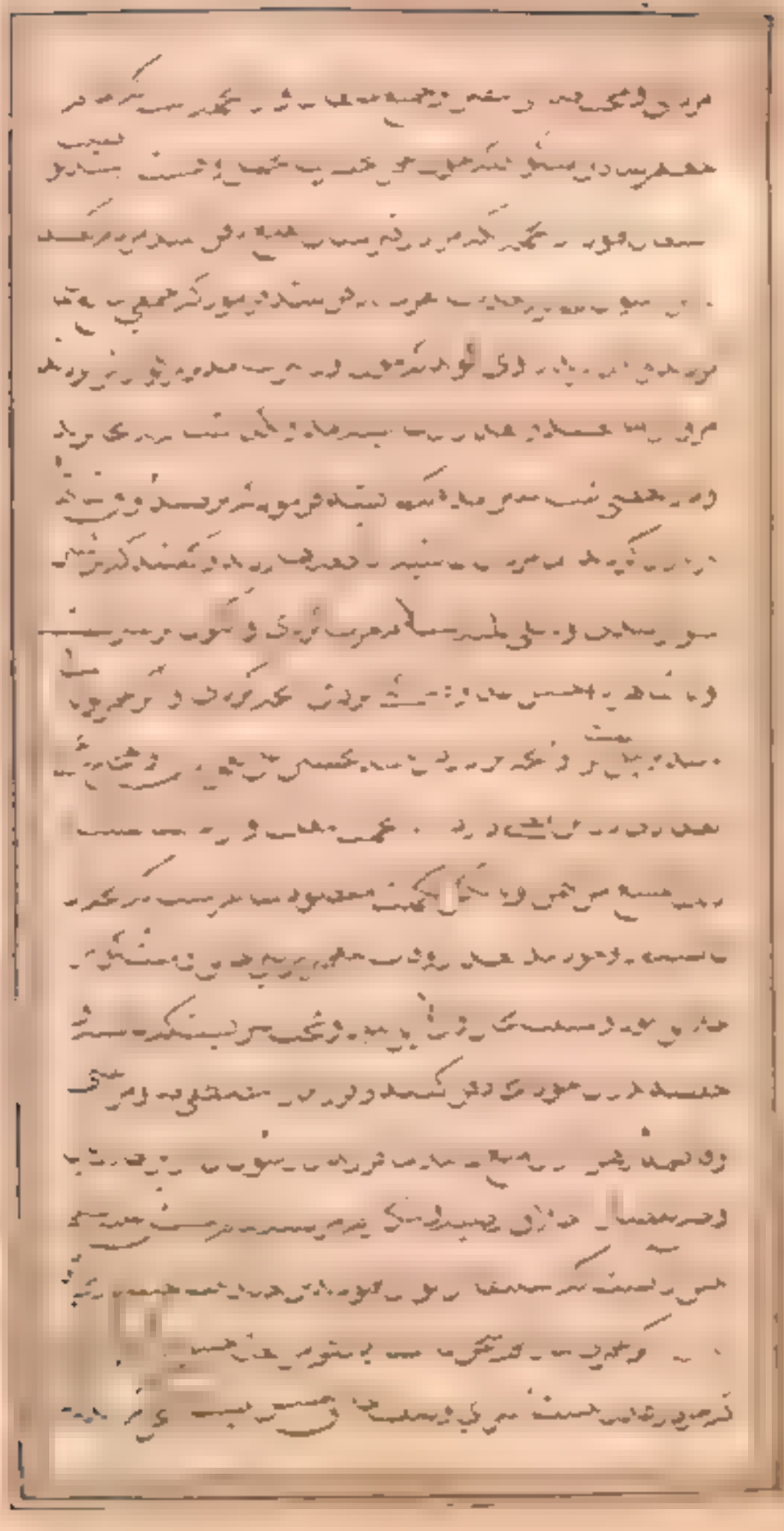

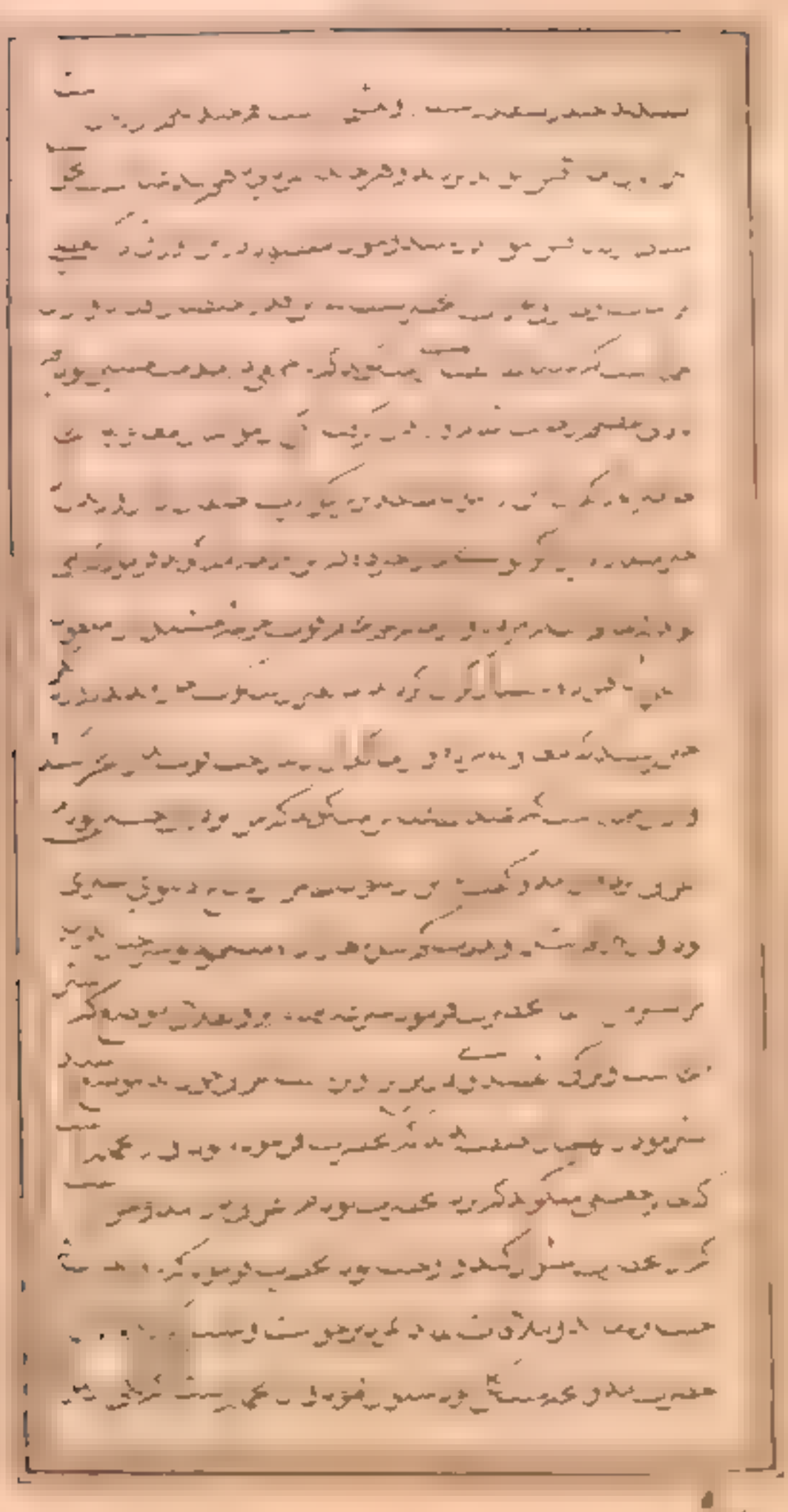

[illegible]

بصبر و تحمل از و در میگذرانید آن ملعون در آخر گفت بدان شما

[illegible]

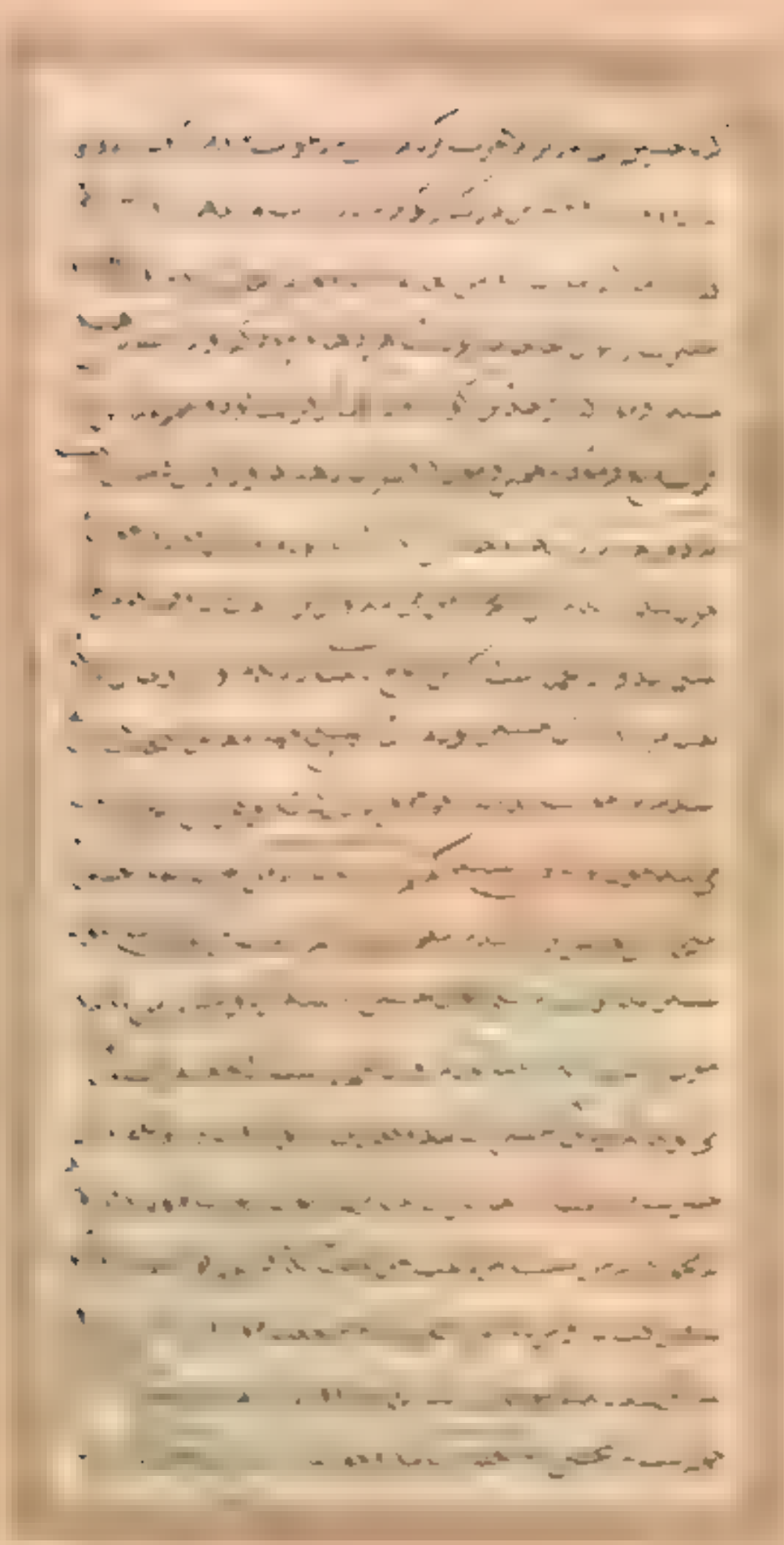

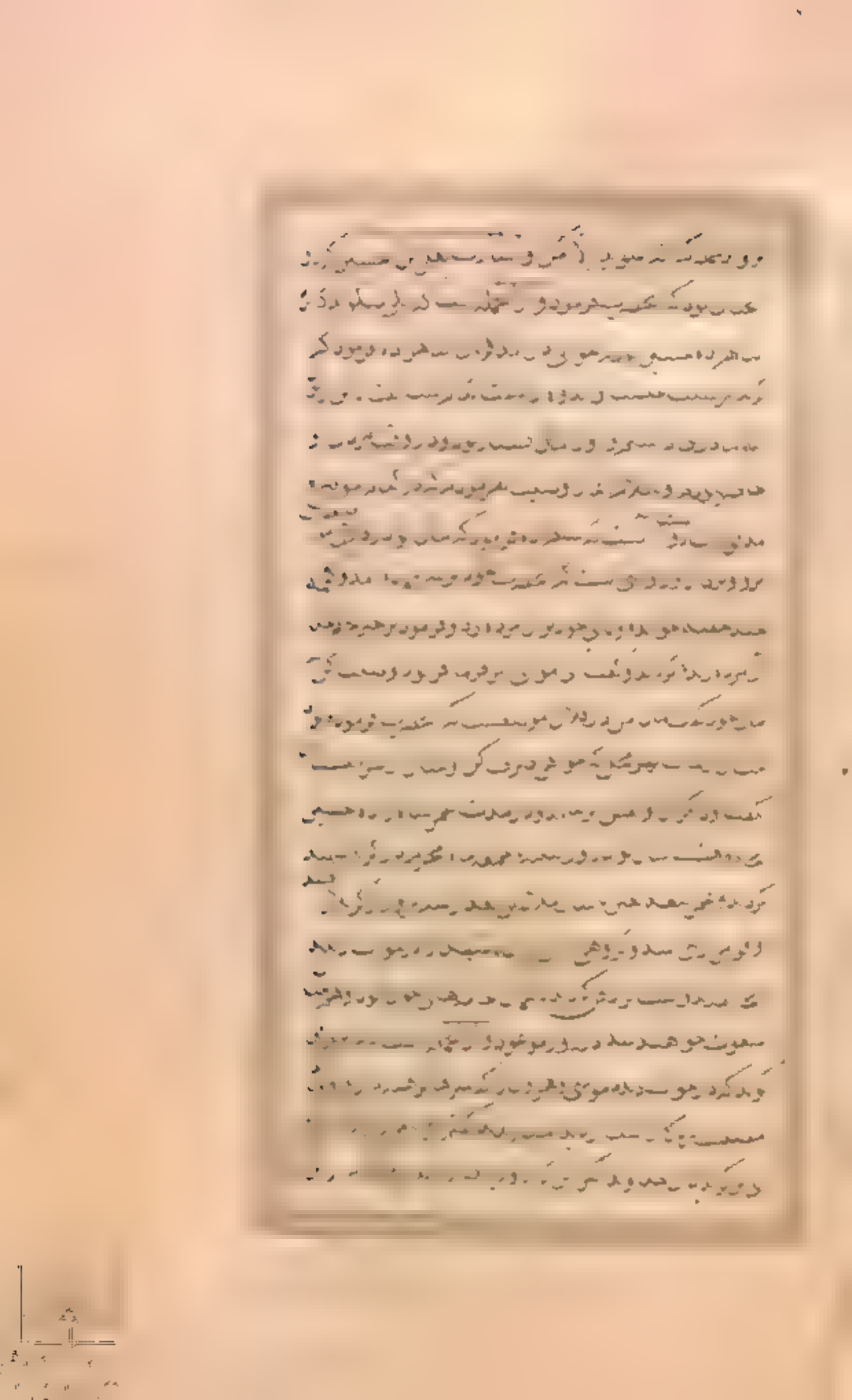

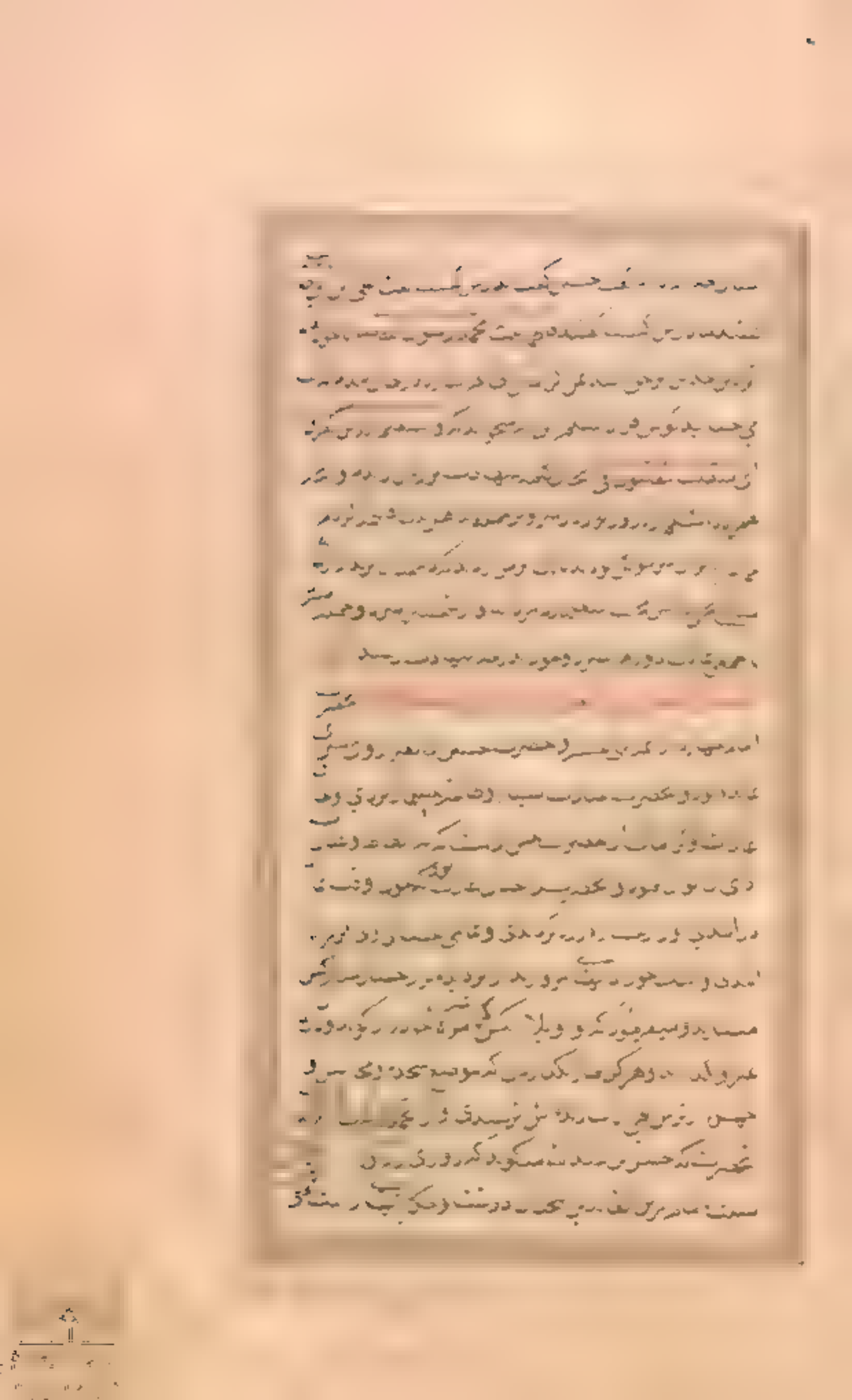

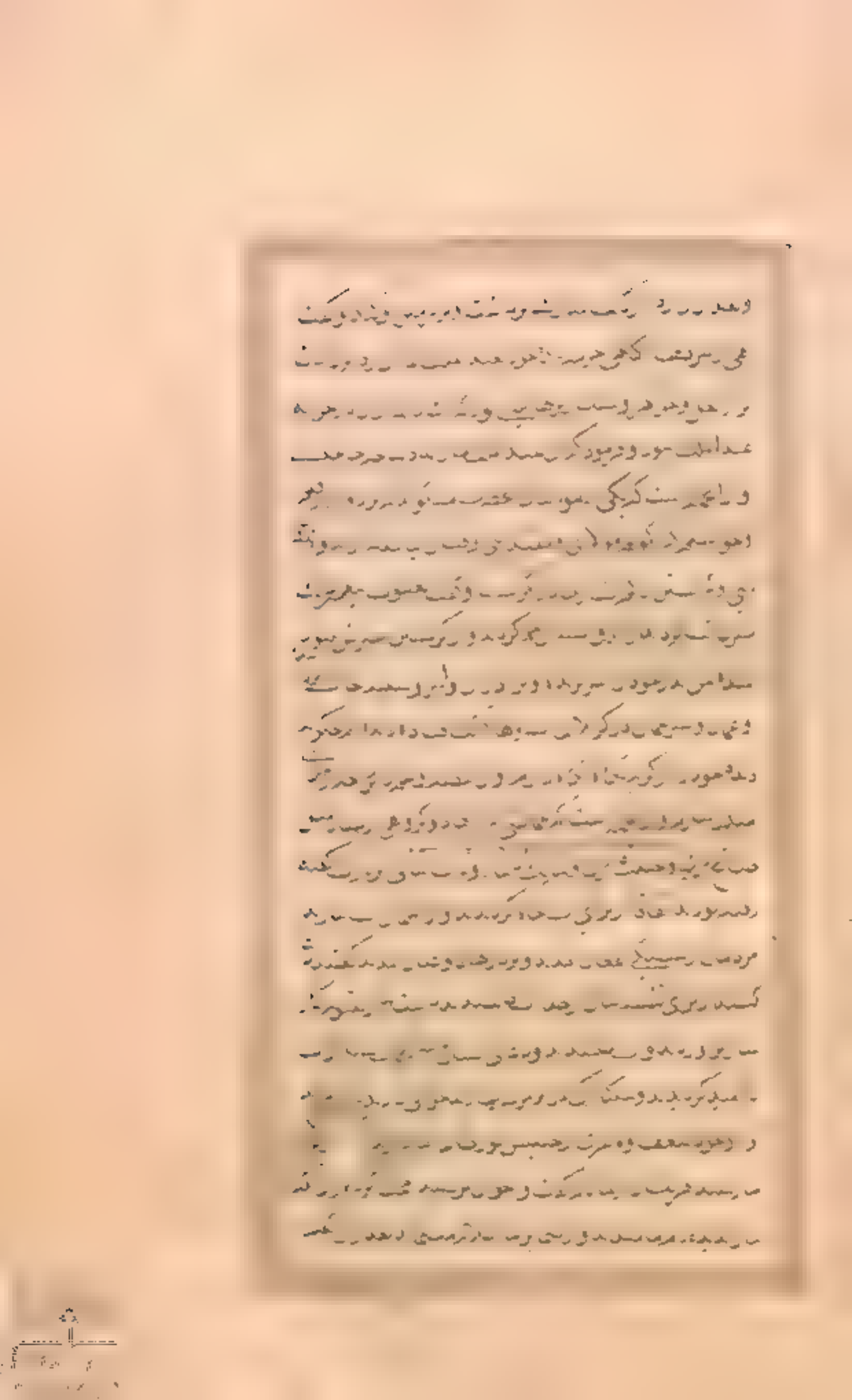

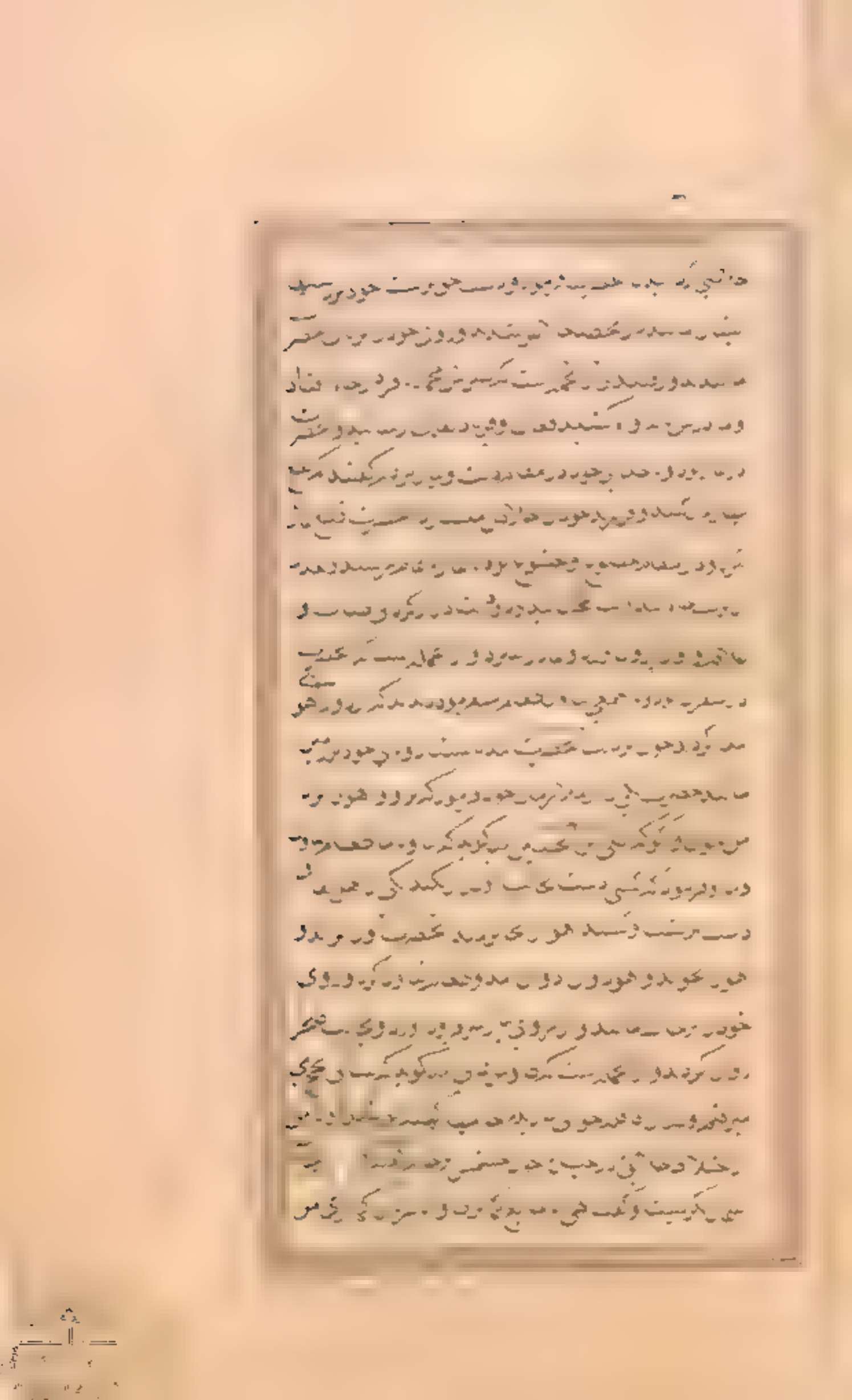

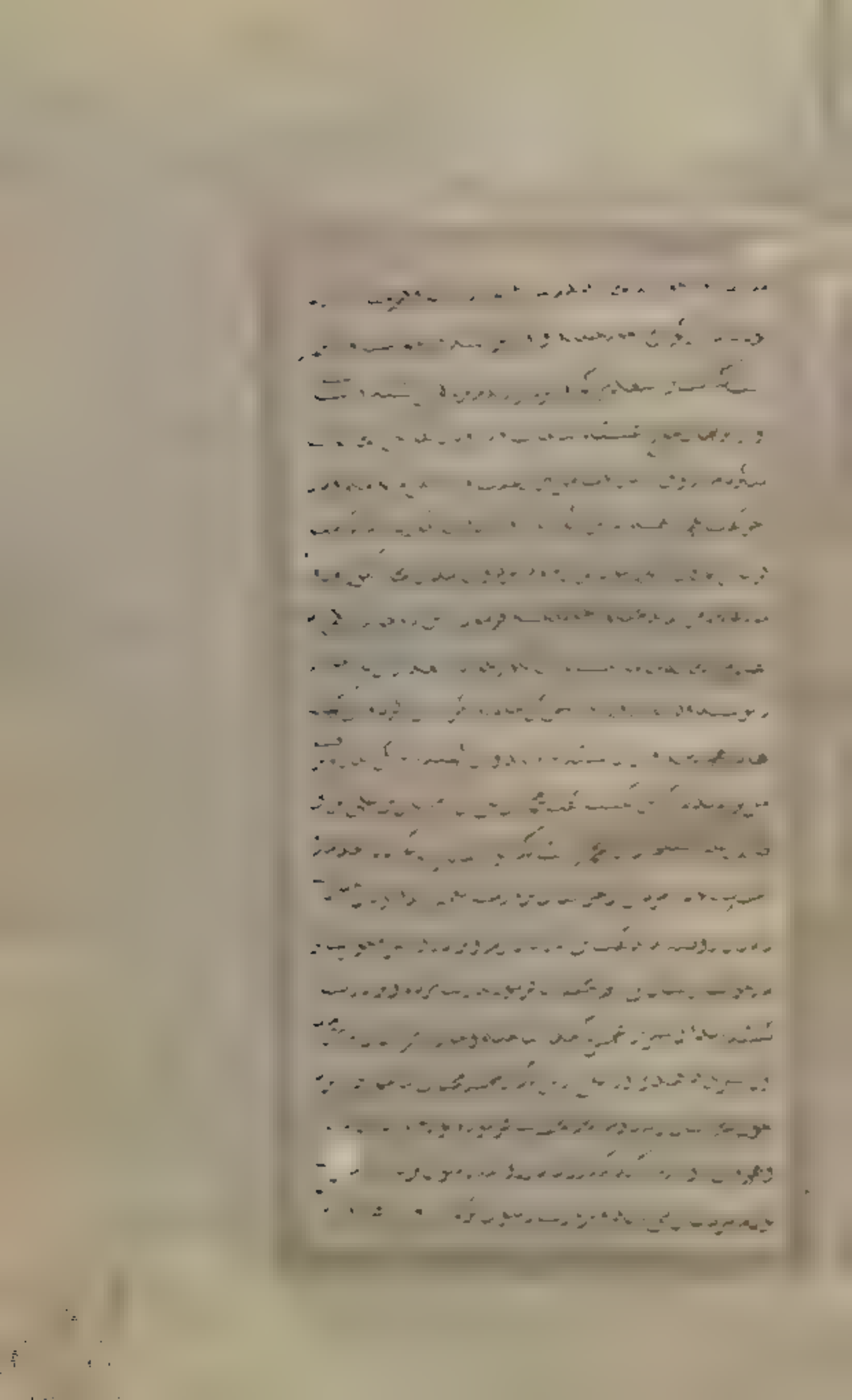

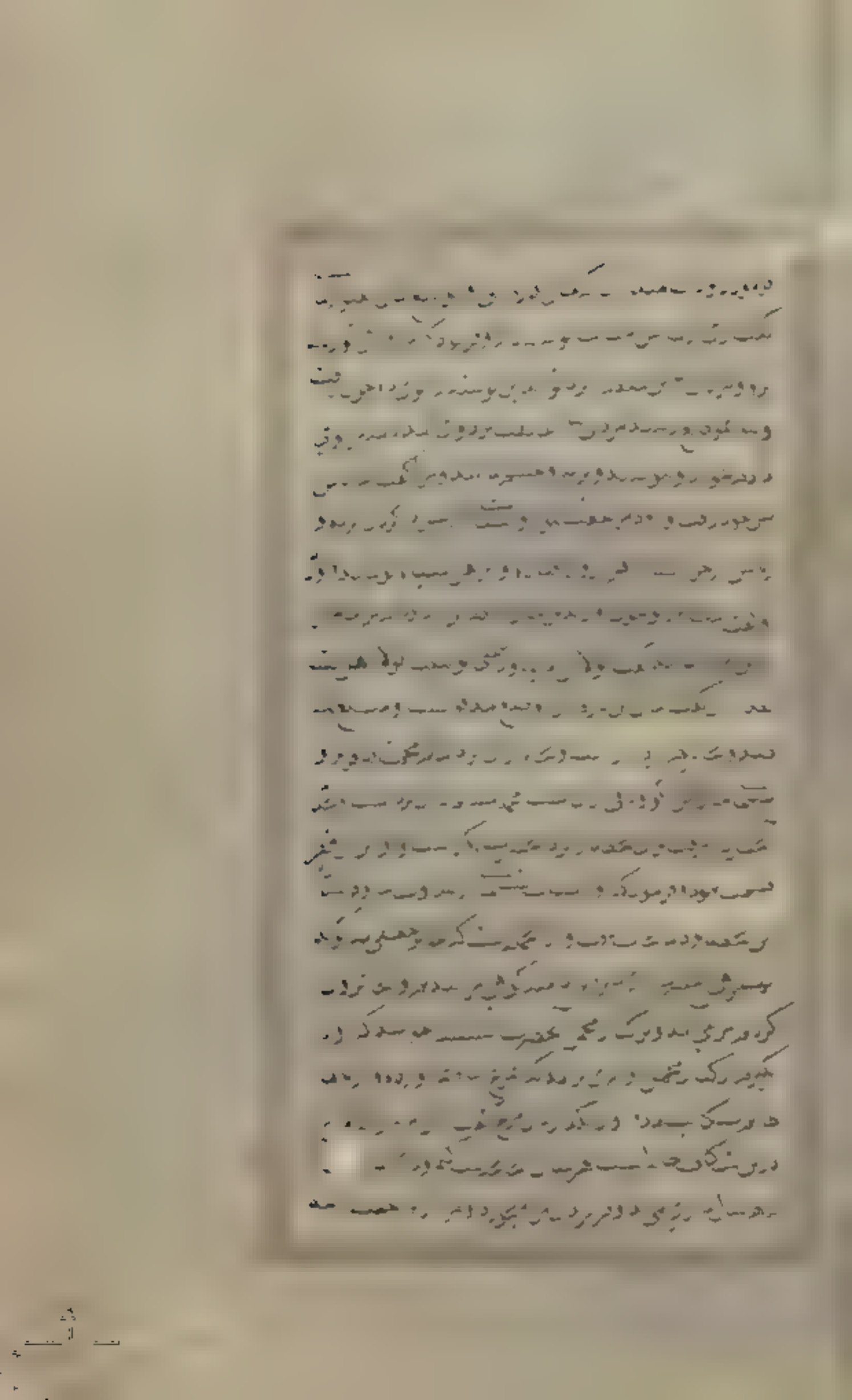

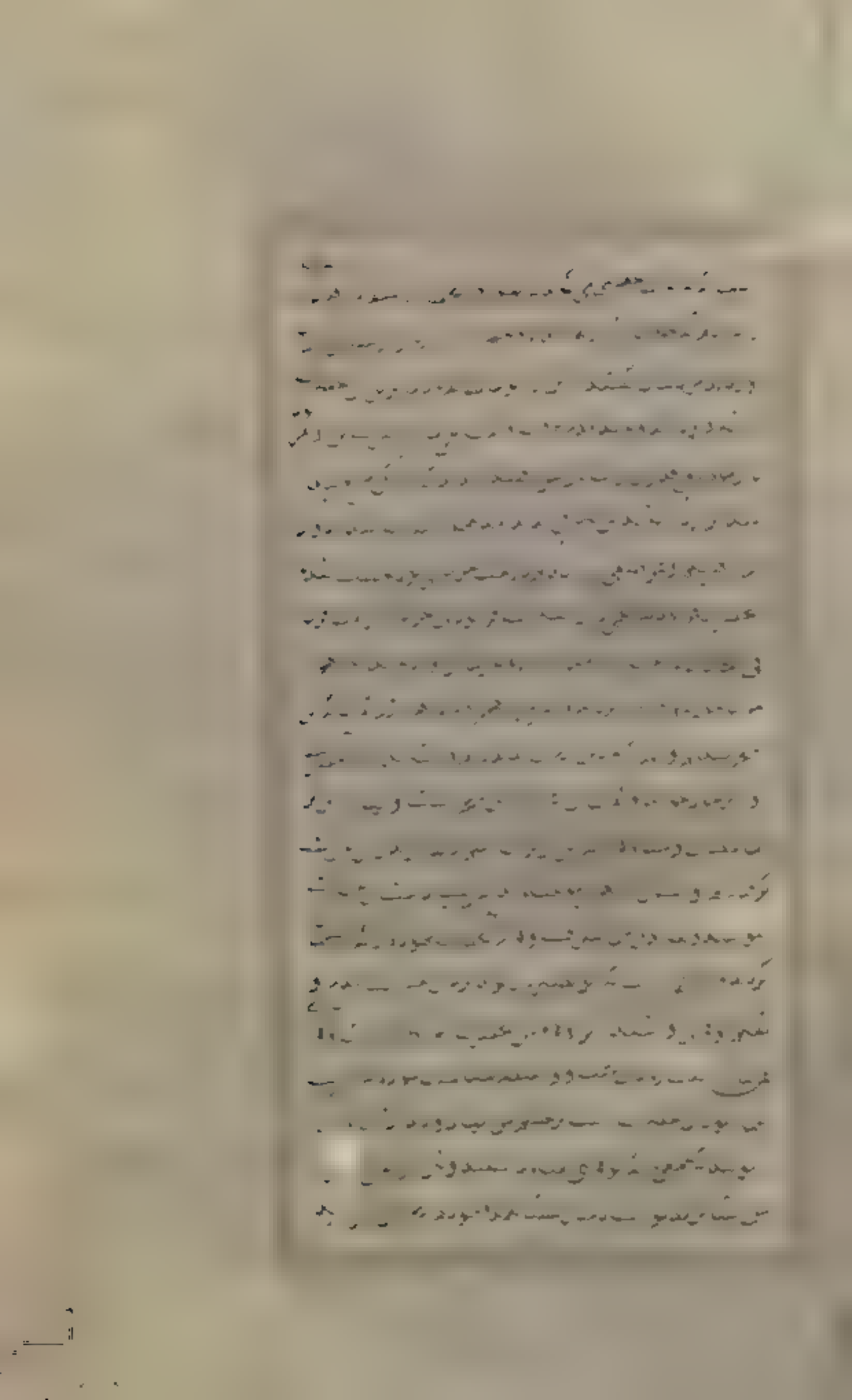

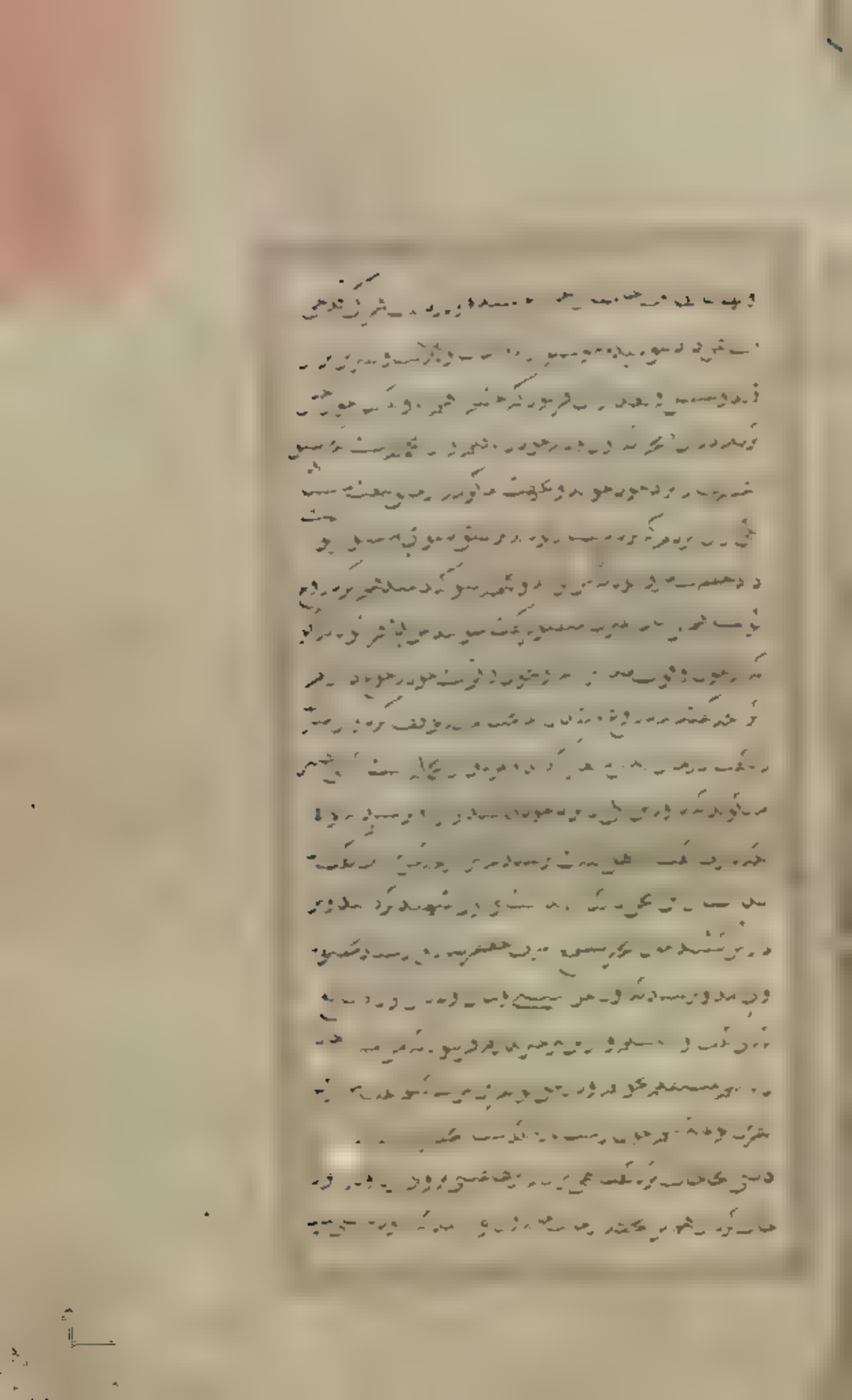

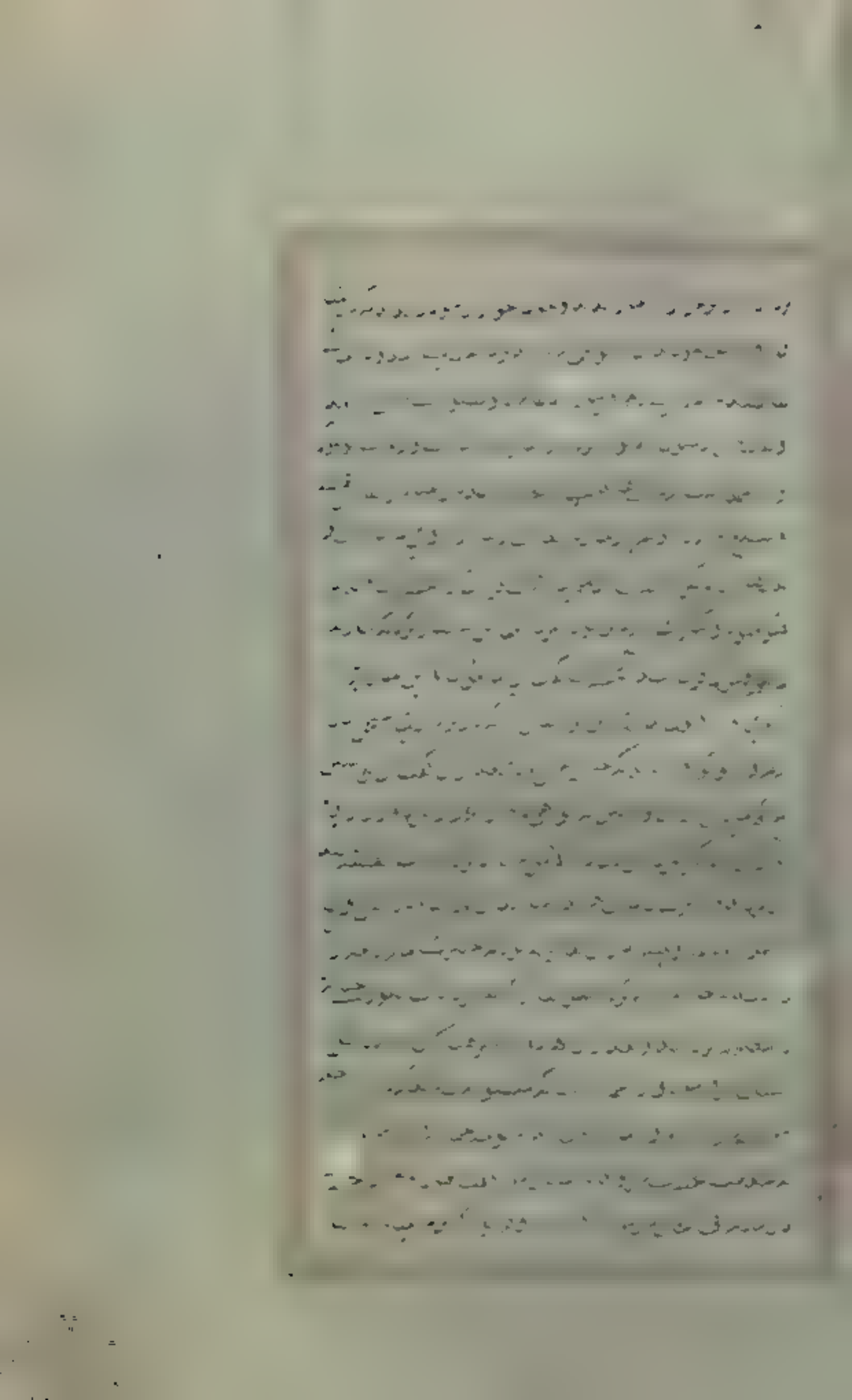

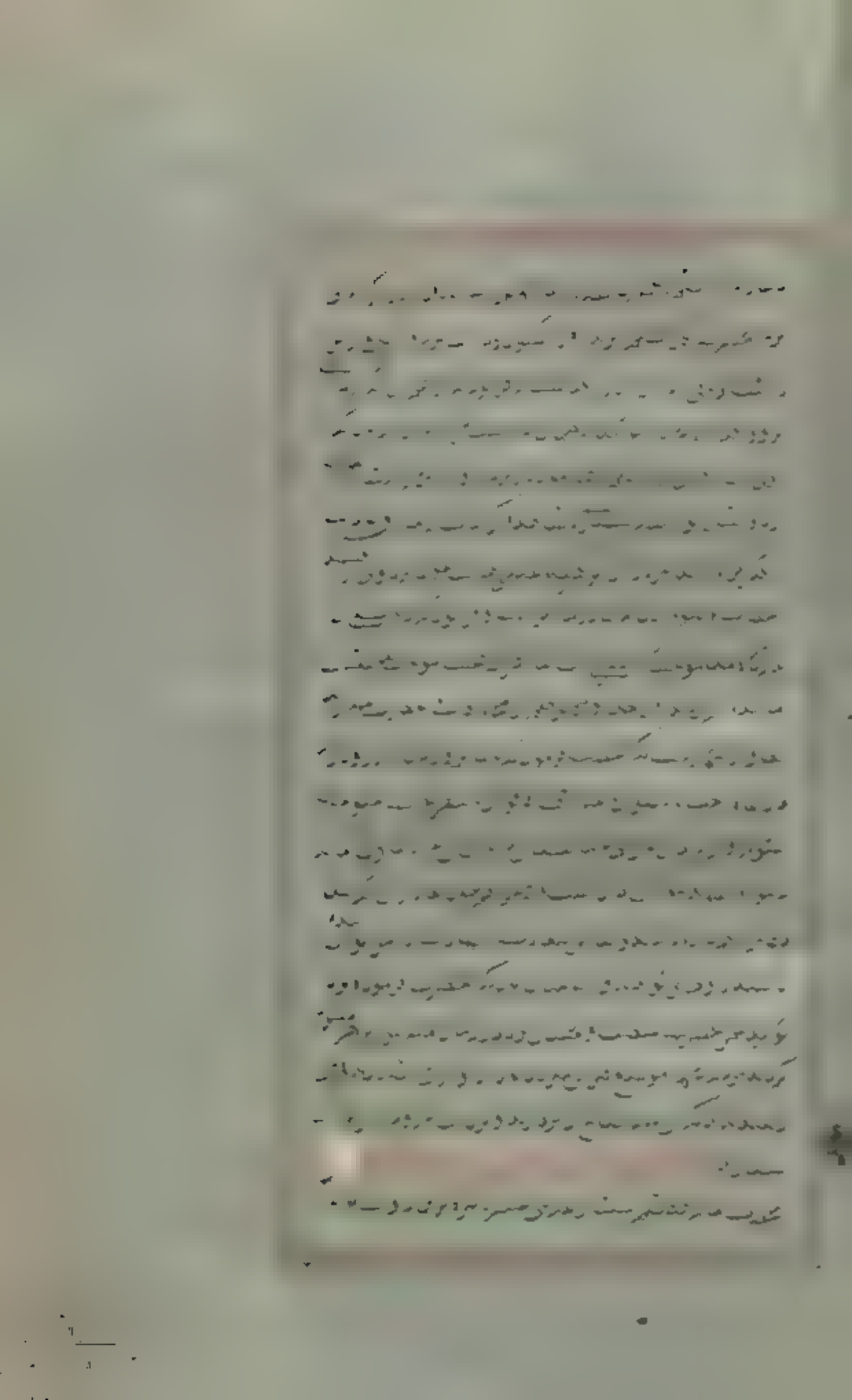

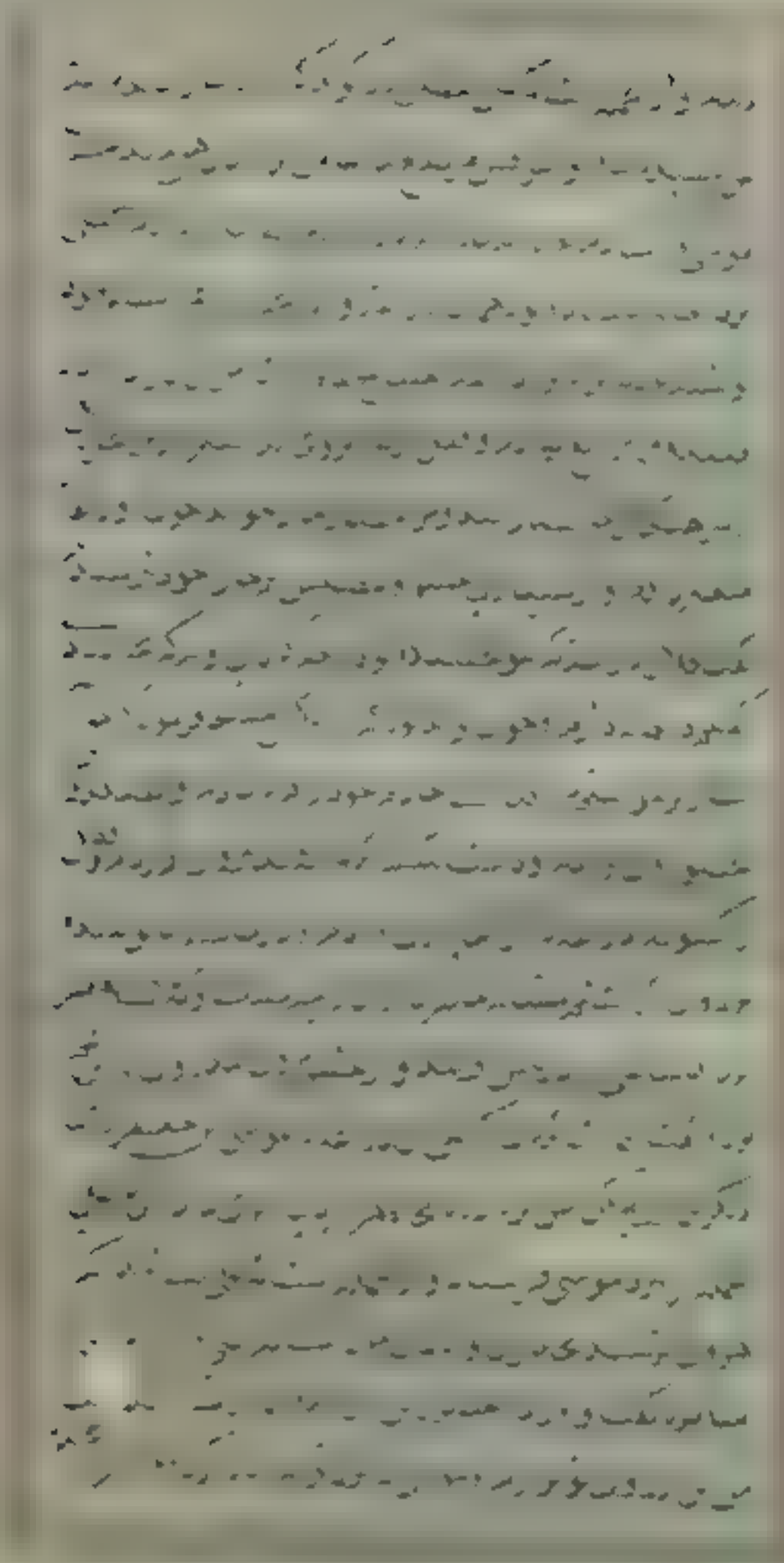

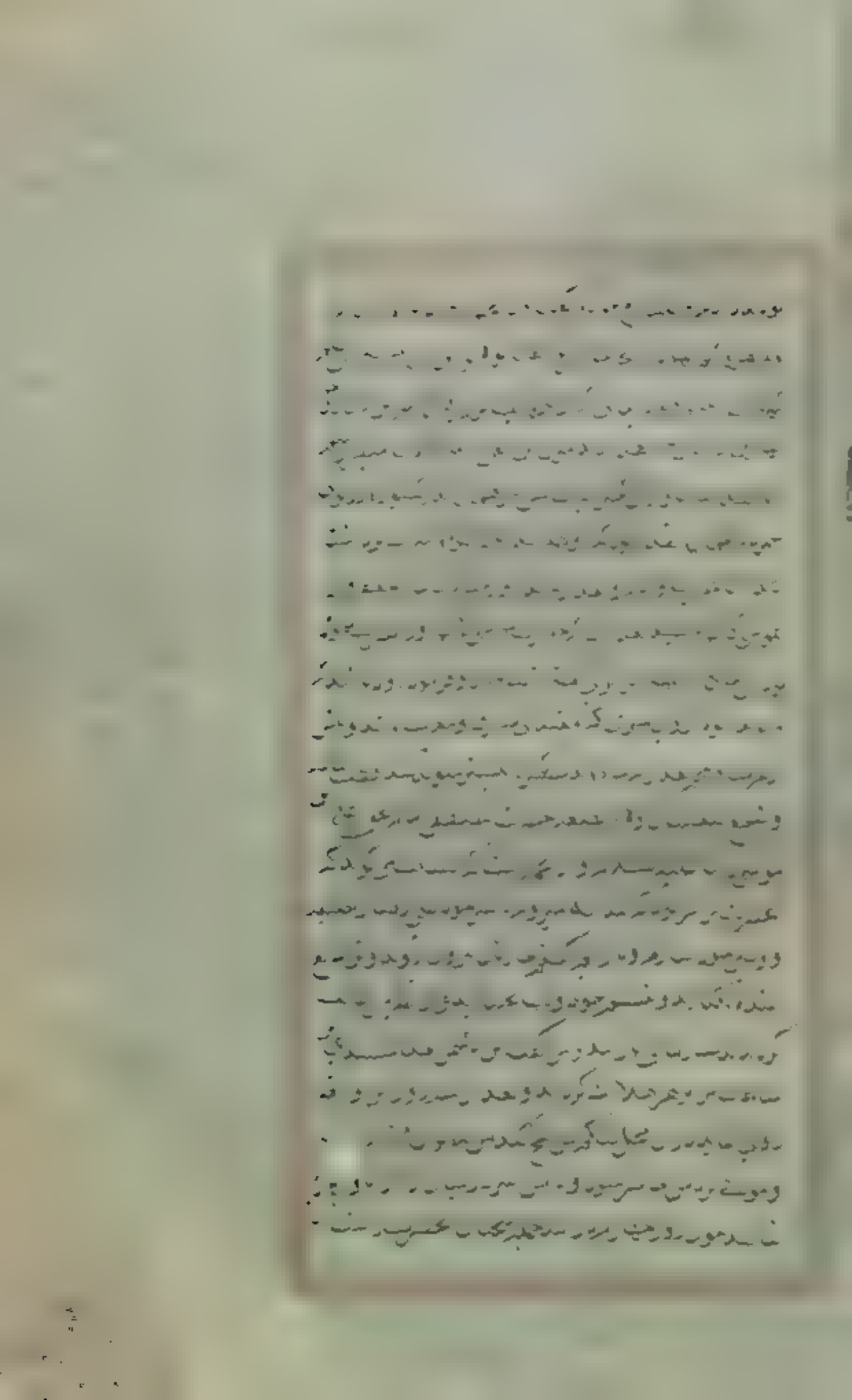

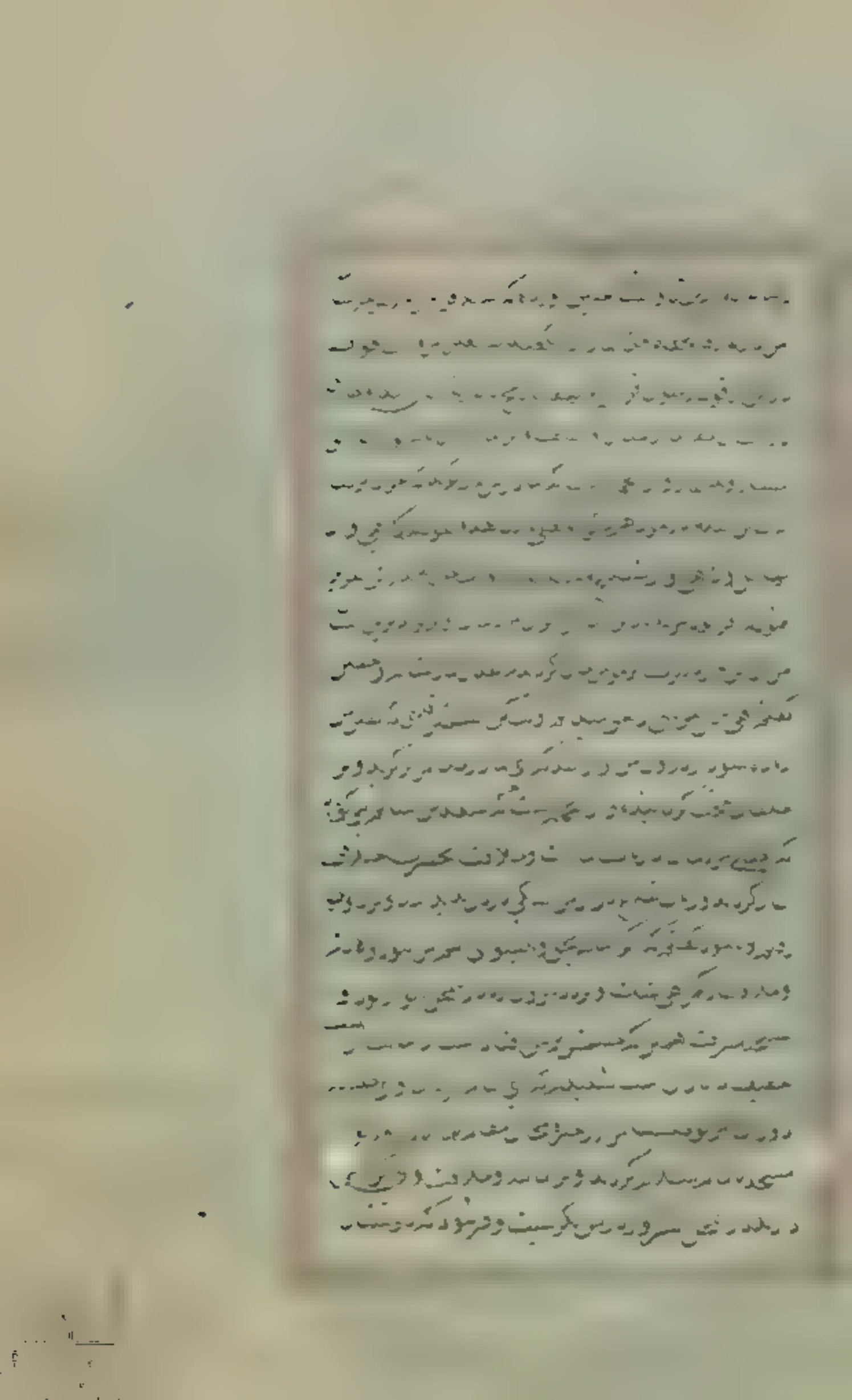

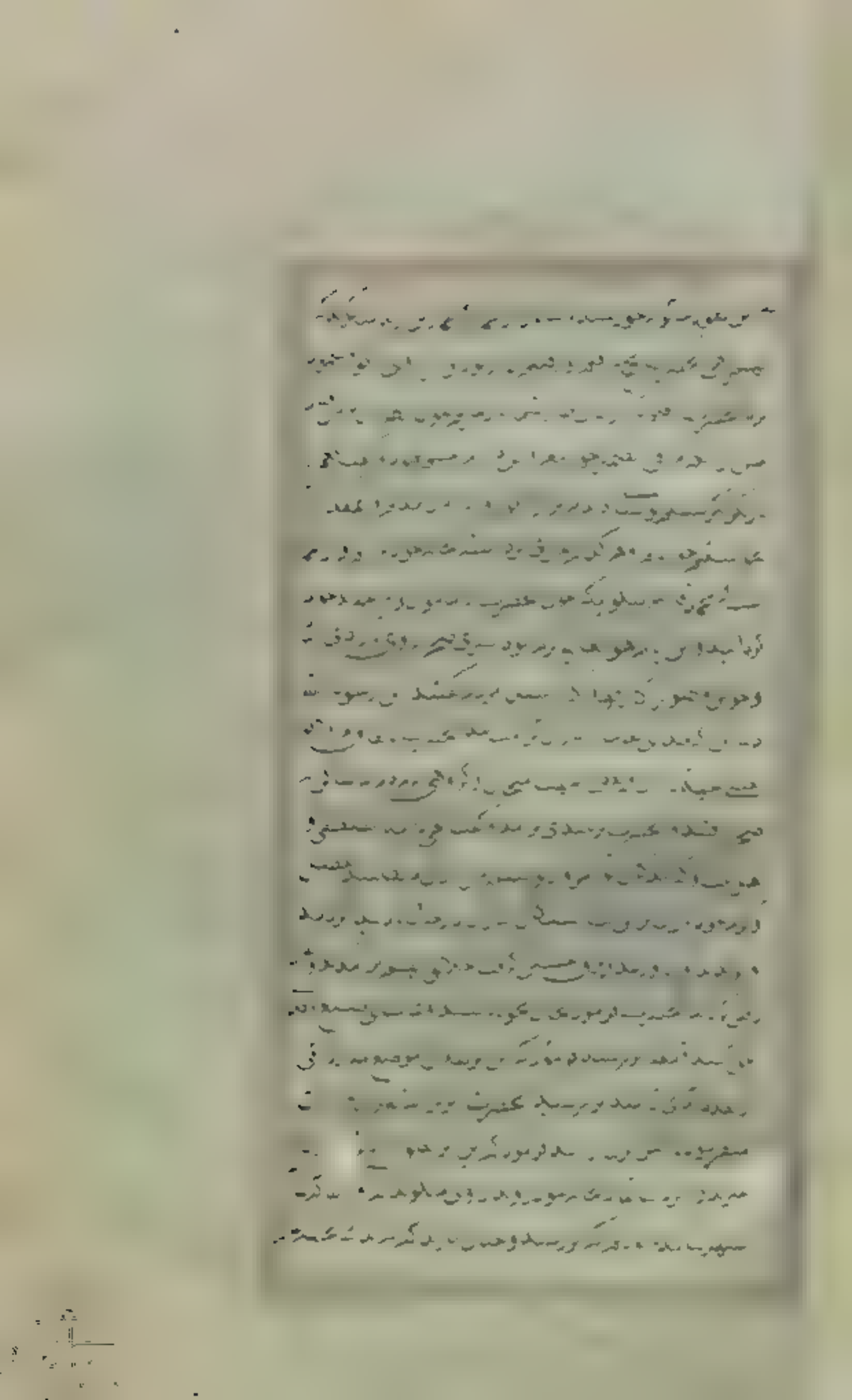

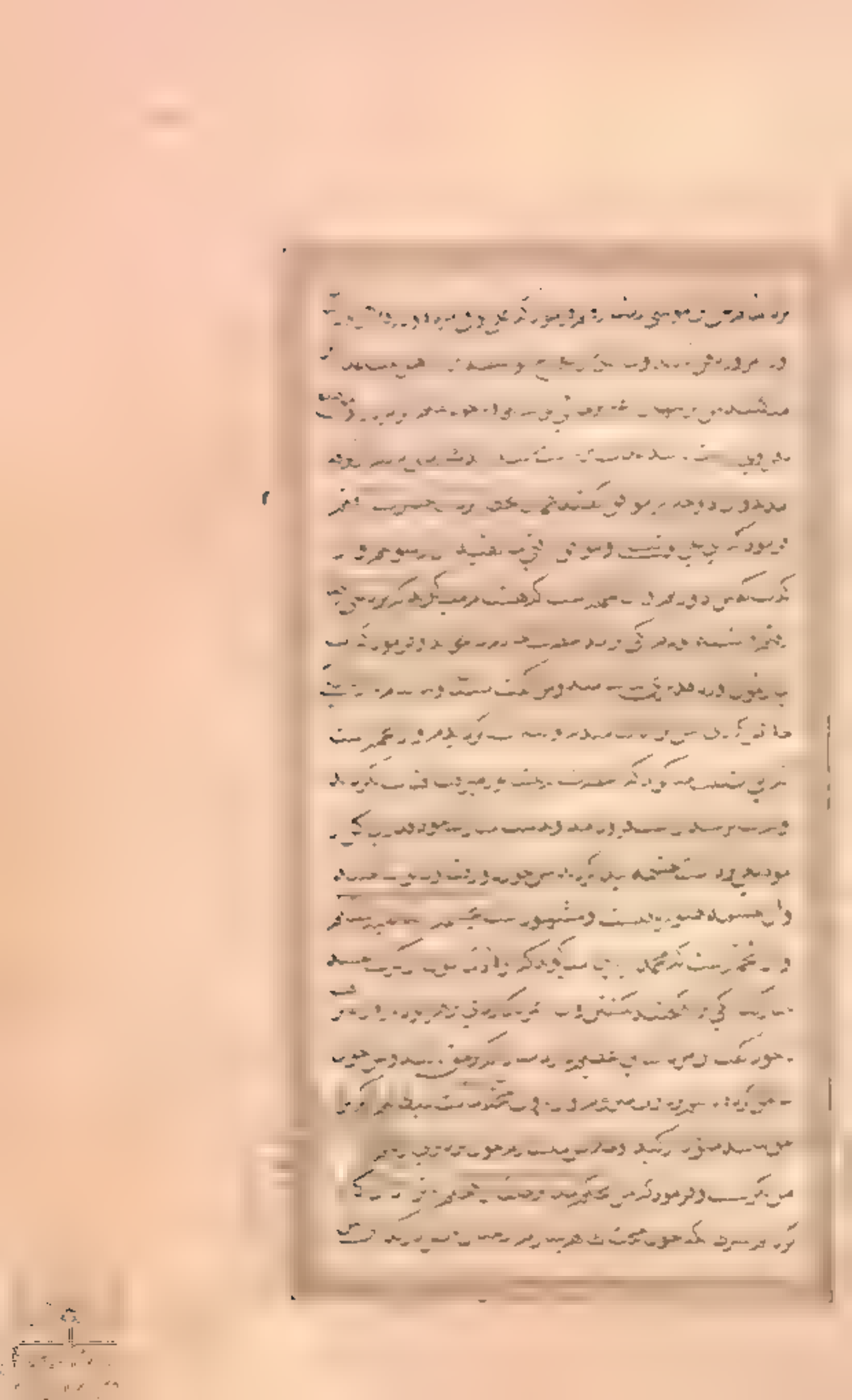

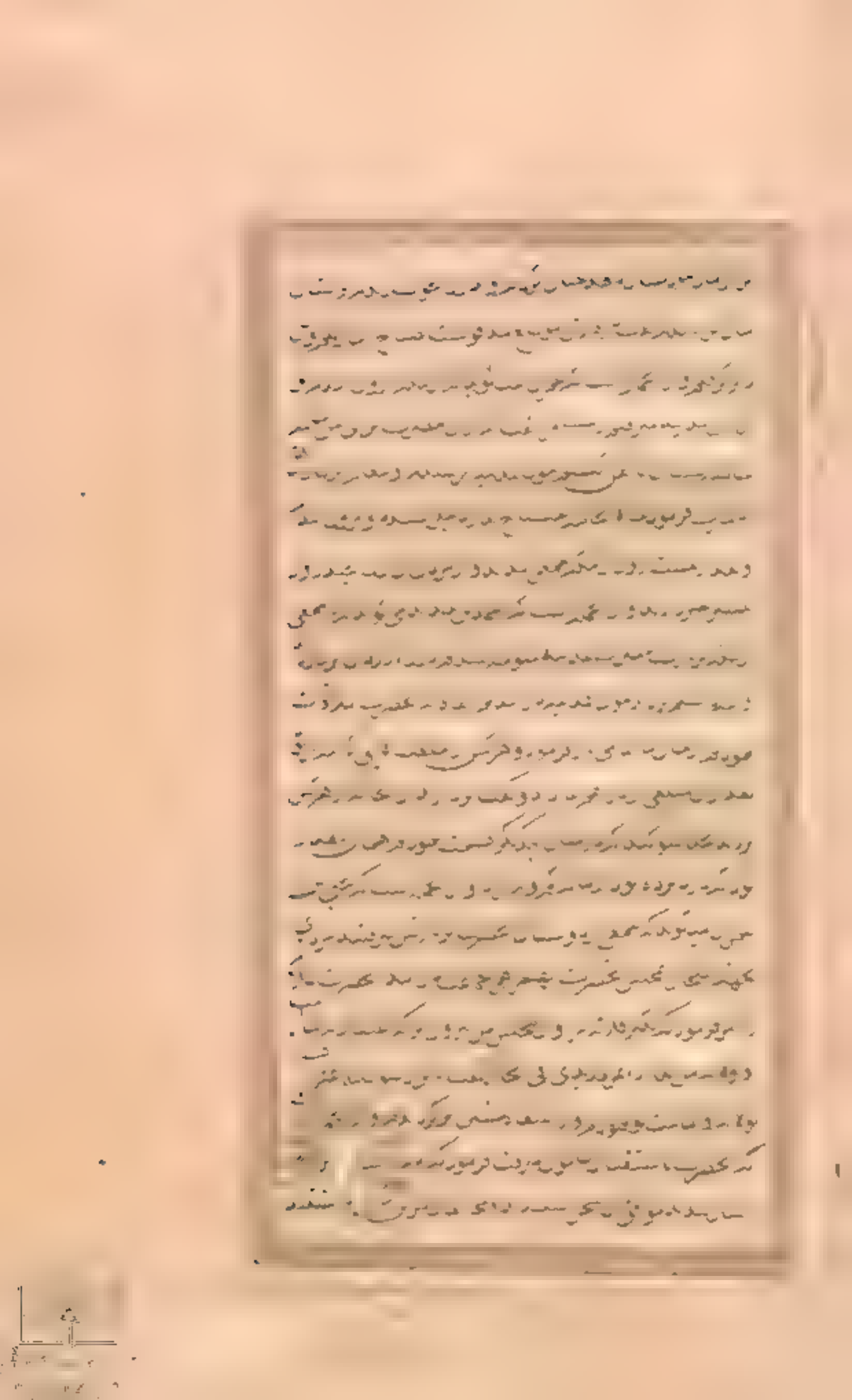

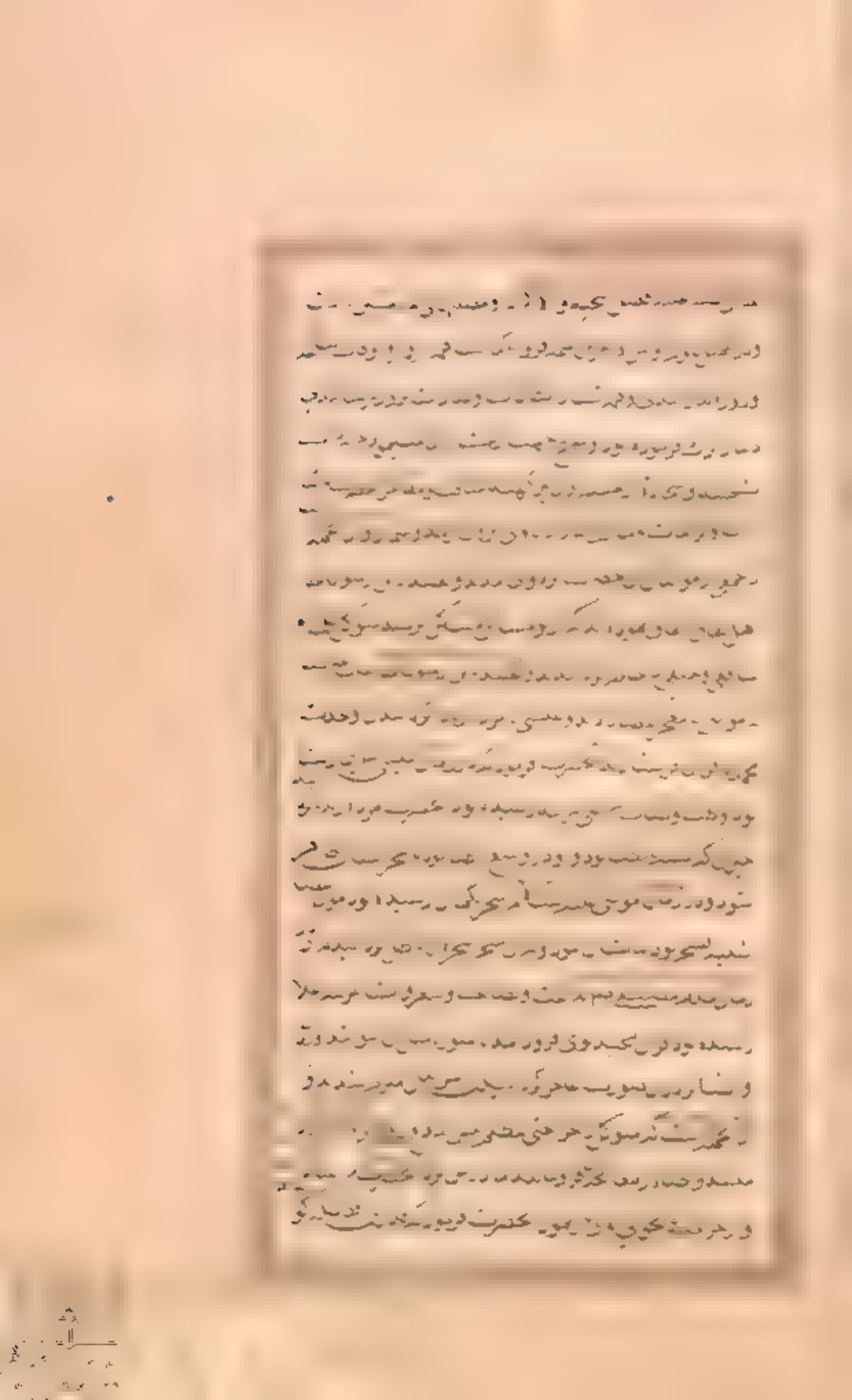

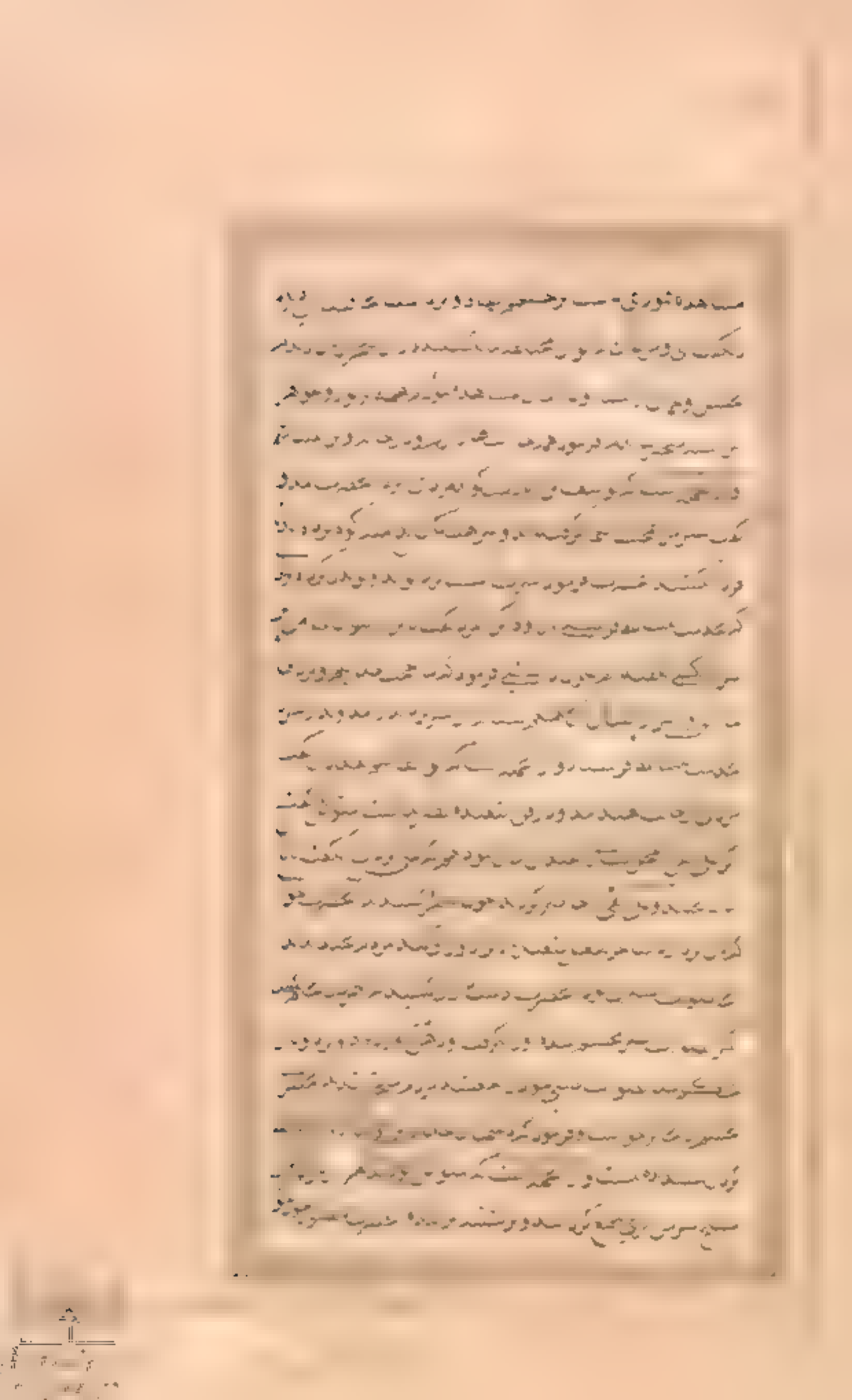

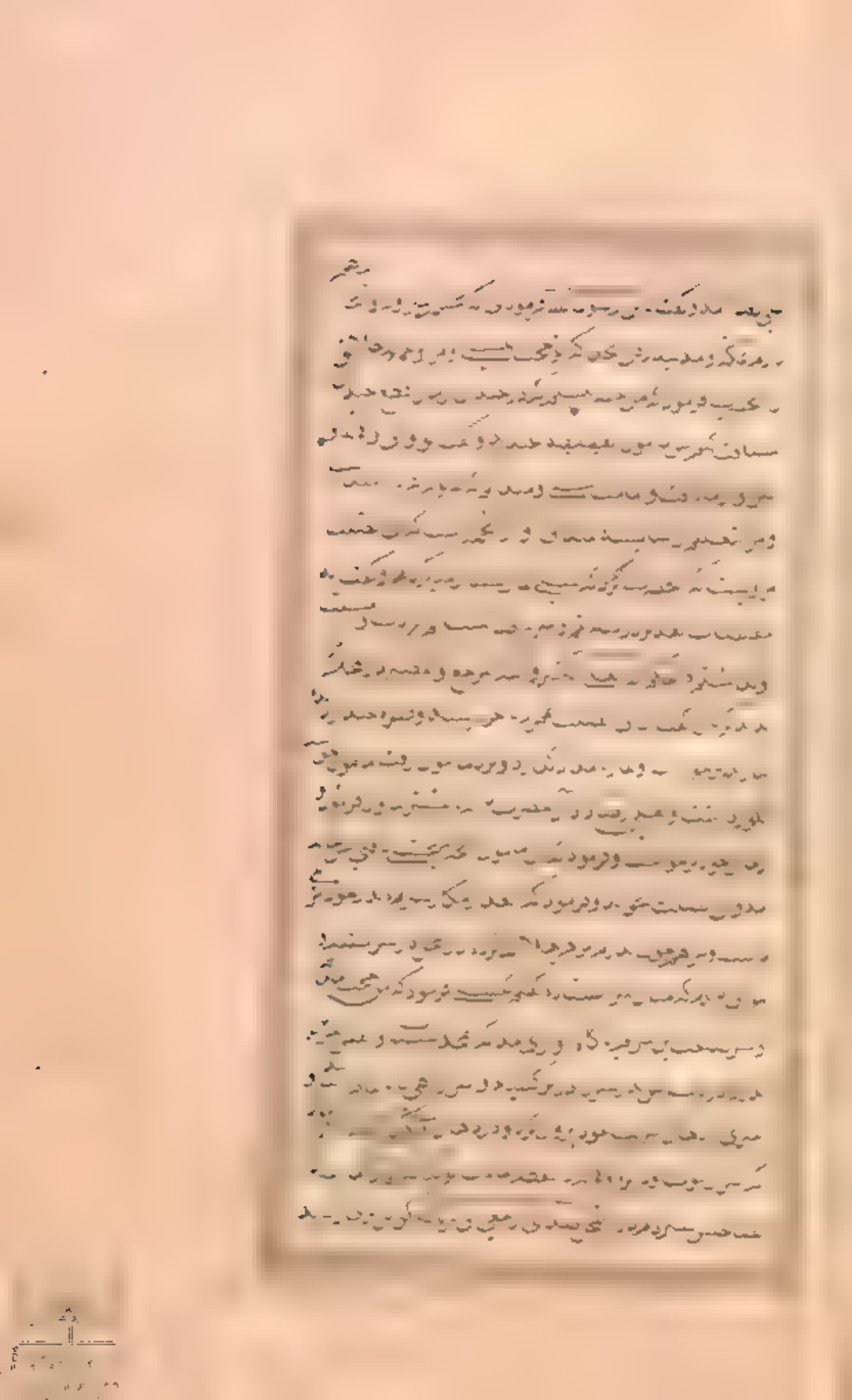

[illegible]

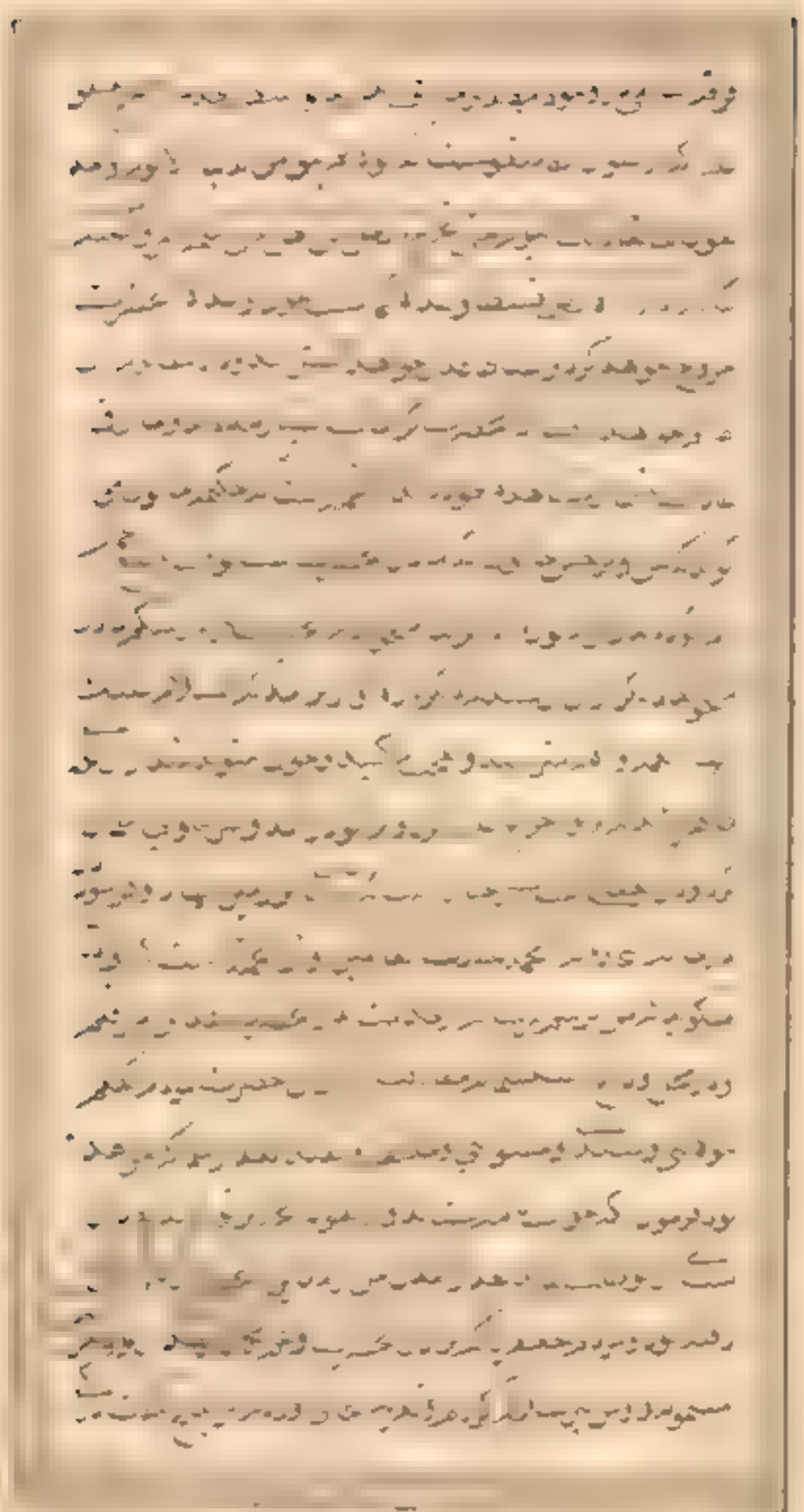

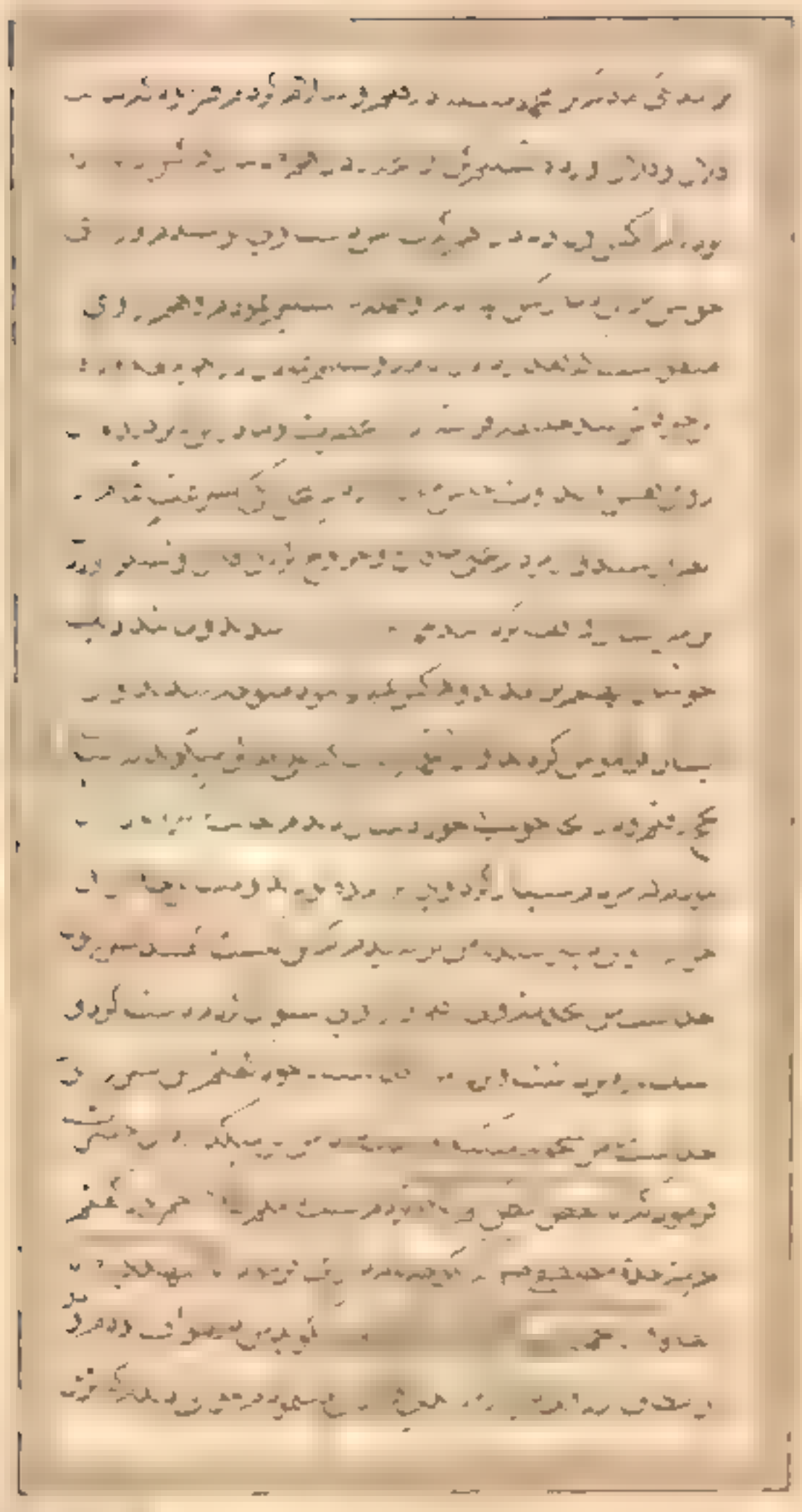

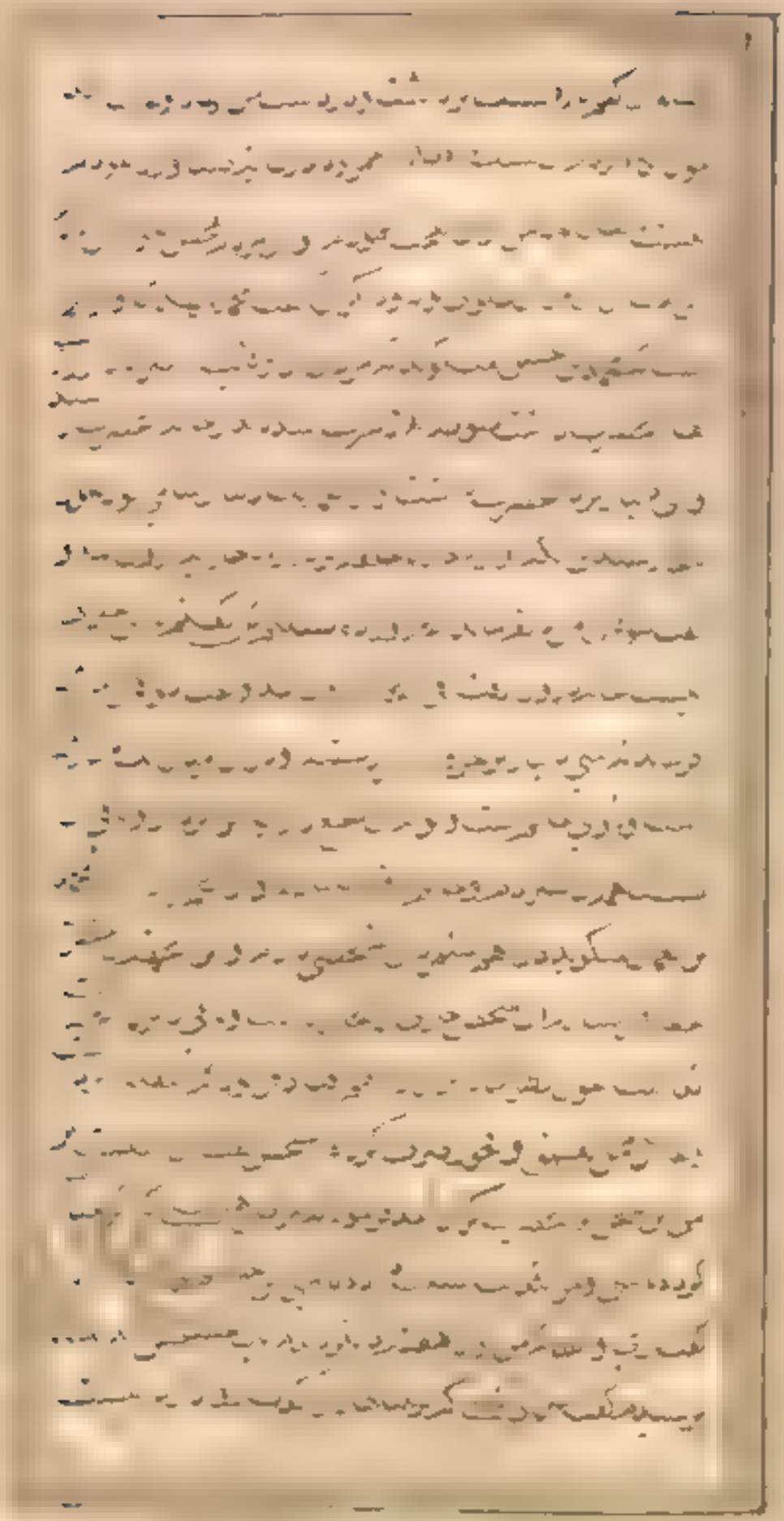

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سازمان اسناد و کتابخانه ملی